# بر روح القدس

سنت ری‌حان بزرگ

پرس سمی‌ناری سنت ولادی‌می‌ر کرستوود، نی‌وی‌ورک

کتابخانه کنگره فهرست نویسی در انتشار داده ها
Basilius, Saint, the Great, Abp. قیصریه، 330 (حدود) - 379 در
مورد روح القدس.
شامل منابع کتابشناختی است.
1. روح القدس - آثار اولیه تا 18 ساعت. I .Anderson, David, 1953- I
Title.
BTI20.B313 231.3 8o-25502
ISBN O-93836-74-5

بر روح القدس



پرس سمیناری سنت ولادیمیر 75 دلاری Scarsdale Rd.,
Crestwood, New York ro707 I-800-204-2665

شابک O-913836-74-5



چاپ شده در ایالات متحده آمریکا

فهرست مطالب

مقدمه

"ما به روح القدس، خداوند، بخشنده حیات، که از پدر سرچشمه می گیرد، ایمان داریم که با پدر و پسر با هم پرستش و جلال می شود." عقیده پدرانی که در سال 381 در قسطنطنیه ملاقات کردند، چنین است. نیم قرن پیش از آن، در نیکیه در سال 325، روح القدس تقریباً به عنوان یک فکر بعدی ذکر شده بود: "ما به روح القدس ایمان داریم"، اعتقادنامه اصلی نیقیه به سادگی بیان شد، و این تمام بود. اما پنجاه سال طوفان‌آمیز بین دو شورا ثابت کرد که چنین ابهامی انجام نمی‌شود، کلیسای مسیح در حال متلاشی شدن به مجموعه‌ای از جناح‌های متخاصم است، و برای تعریف ایمان کاتولیک، کلماتی که برای خدا کافی هستند ضروری است. همانطور که سنت باسیل این رساله را از شهر اسقفی خود در قیصریه به درخواست پسر روحانی خود اسقف آمفیلوخیوس از ایکونیوم نوشت، او فقط می‌توانست وضعیت کلیسا را با نبرد دریایی مقایسه کند که در میان طوفان شدیدی در جریان است، که در آن دو ناوگان آنقدر در اثر طوفان شکسته شده‌اند، تابلوها دیگر دیده نمی‌شوند، و دیگر تابلوها دیده نمی‌شوند. نمی تواند متحد خود را از دشمن خود تشخیص دهد. شاید اولین چیزی که خواننده امروزی باید در مورد این کتاب تشخیص دهد این باشد که علیرغم بلاغت صیقلی و قیاس‌های استادانه‌ای که دارد، اساساً رساله‌ای است که به صورت موقت نوشته شده است. سنت باسیل از استعدادهای خود برای کمک به دور کردن کلیسا از کشتی غرق شده استفاده می کند.

البته این مناقشه آریان بود که باعث ایجاد چنین ویرانگری در کلیسا شد. و مهم است که این درگیری را بیش از حد ساده نکنیم و به یک نبرد واضح بین آنها تبدیل نکنیم

کسانی که معتقد بودند عیسی خداست و کسانی که باور نداشتند. مطالعه
درگیری چهار "گروه" اساسی را نشان می دهد:
نیقیاییهای «قدیمی»، که اصرار داشتند که اعلام اعتقادنامه
نیقیه مبنی بر اینکه پسر با پدر یک ذات است (هوموسیوس) باید
تا حدی مورد حمایت قرار گیرد که پذیرش کلمه homoousios تنها
دلیل مطمئن ارتدکس است. نیکیاییهای «جدید»، از جمله سنت
باسیل و دیگر پدران کاپادوکیه، اگرچه بیتردید به خدا بودن
مسیح اعتراف میکردند، اما فکر میکردند که استفاده از
homoousios میتواند مبهم باشد (از یک ذات میتوان به اشتباه
تعبیر کرد که پسر و پدر یک شخص هستند)، و برای مدتی ترجیح
میدادند که اصطلاحی مشابه ehomouss استفاده کنند. با پدر این
نیقیاییهای قدیم» و «جدید» بهطور کلی متوجه شدند که همان ایمان
را دارند؛ مشکلشان در حل این بود که کدام کلمه قابل قبولتر است.
اما گفتن اینکه پسر شبیه پدر است ابهامات خاص خود را داشت؛
زیرا تا چه حد او شبیه پدر بود؟ پسر انکار نشد، قطعاً اینها را می
توان نیمه آریایی نامید، آنهایی که پسر را در نظم خلق شده قرار
دادند، و در میان این همه سردرگمی، مشکل دیگری مطرح شد الوهیت
مسیح قصد تأیید الوهیت روح را نداشت، اما آریاییهای رادیکال به
سرعت در حال تبدیل شدن به یک اقلیت کوچک بودند.

بیشتر دیگران نمی دانستند چه فکری کنند. آنها می دانستند
که به نام پدر، پسر و روح تعمید یافته اند.
آنها سرودهایی در ستایش این سه نفر خواندند. آنها فهمیدند
که با ریزش روح در روز پنطیکاست، اعلام انجیل نجات بخش تا
پایان

جهان ممکن شد اما به این پرسش که روح القدس چه نوع موجودی بود به سادگی پاسخ داده نشده بود. فقط کافی است این رساله را بخوانیم تا بتوانیم نظرات مختلفی را که در آن زمان رایج بود، کشف کنیم. عناصر آریانیزان احساس می کردند که با مبارزه با آموزه الوهیت روح القدس (به این ترتیب نام پنوماتوماکوی یا مبارزان علیه روح را برای خود به دست می آورند) در تضعیف ارتدکس نیقیه موفق خواهند شد. اما سنت باسیل متوجه شد که با نوشتن کتابی که برابری روح با پدر و پسر را تأیید می‌کند، می‌تواند برای ارتدکسی کاملاً بی‌آب بسازد. هنگامی که این امر محقق شد، تشخیص اینکه چه چیزی ارتدکس است و چه چیزی نیست، بسیار آسان تر است. بنابراین هدف اصلی او در این رساله این است که این ابهام را از بین ببرد - درهم‌آمیزی که او آن را محصول نهایی غرور و غرور می‌داند، ناشی از کسانی است که جرأت می‌کنند کلمات هوشمندانه‌ای را در مورد خدا به زبان بیاورند، بدون اینکه عاشق حقیقت در دل خود باشند، کسانی که از سنجش عقاید خود با معیار ایمان زنده کلیسا خودداری می‌کنند و هیچ معیار مطلقی را خارج از خود ندارند. او در دورانی می نویسد که آزارها گذشته است، زمانی که مسیحیت در حال تبدیل شدن به مد شده است، دینی دولتی تابع هوس های امپراتوران تحت تأثیر کلیساهای جاه طلب است. مبارزه او برای رسیدن به حقیقت است، حقیقت تغییر ناپذیری که خداوند وعده داده است که آزادی را برای کسانی که آن را می دانند، به ارمغان می آورد، و در اختیار داشتن آن چیزی است که انسان ها به واسطه خدا قادر خواهند بود تا مانند خدا به آنها تبدیل شوند.

سنت باسیل در مدارس آتن تحصیل کرد که در زمان او هنوز شکوفا بودند. او در رشته های کلاسیک خطابه و منطق آموزش کامل دید و سپس هوش مهیب خود را در خدمت کلیسا قرار داد. او به موضوع خود با جامعیتی برخورد می کند که ممکن است به راحتی خواننده مدرن را خسته کند، اما همینطور است

برای موفقیت فرآیند استقرایی ضروری است: هر چه شواهد دقیق تر باشد، نتیجه قطعی تر است.
بسیاری از خوانندگان ممکن است وقتی متوجه شوند که در هیچ کجای کل رساله سنت باسیل صراحتاً نمی گوید: "روح القدس خداست" یا "خدا روح القدس" گیج یا حتی مفتضح شوند، اما باید در نظر داشت که چنین بیانی در هیچ کجای کتاب مقدس یافت نمی شود. این توضیح می‌دهد که چرا سنت باسیل و دیگر پدران کاپادوکیا حاضر به بیان کلیات الوهیت روح‌القدس نیستند. در عوض، آنها ترجیح می دهند همه شاهدان موجود در کتاب مقدس و سنت تعمید و آیین مذهبی کلیسا را جمع آوری کنند، و وقتی همه شواهد را بررسی کردند، بدون تردید به این نتیجه می رسند که روح واقعاً الهی است (حتی در نتیجه گیری های خود از استفاده از گزاره های کلی «غیر سنتی» اجتناب می کنند).

بنابراین، اگر چه کسی هرگز نمی‌خواند که روح‌القدس خداست» در رساله قدیس باسیل، اظهارات متعددی را می‌یابد مبنی بر اینکه روح‌القدس در کمال الوهیت شریک است (نگاه کنید به بند 46). این شکافتن موی بلاغی نیست. بلکه حکمت شبانی بزرگی را آشکار می کند: همه شواهد را ارائه دهید تا اعتراف به الوهیت روح تنها انتخاب ارتدوکسی ممکن باشد، اما در زمانی که مردان غیر روحانی مشتاق افزایش اختلافات هستند، از استفاده از یک بیانیه بی سابقه اجتناب کنید.

بیشتر استدلال سنت باسیل در این است که نشان دهد ما می توانیم با بررسی کارهایی که او انجام می دهد بفهمیم که روح کیست.
او را روح القدس می نامند و به سبب قدوسیت او مخلوقات مقدس می شوند. قداست یک موجود نمی تواند موجودات دیگر را تقدیس کند; فقط کسی که ذاتاً مقدس است می تواند تقدیس کند. از آنجا که فقط خدا ذاتاً مقدس است، و از آنجا که طبق کتاب مقدس، روح القدس است که انسانها را تقدیس می کند، پس روح القدس باید الهی باشد. سایر عملیات روح نیز به همین شیوه منطقی مورد بحث قرار می گیرد: این روح است که روی زمین را تجدید می کند. عطایای روح باعث "شناخت آینده، درک اسرار، شهروندی بهشتی، بی پایان است.

شادی در حضور خدا، شبیه شدن به خدا، و برترین آرزوها، تبدیل شدن به خدا" (بند 23). چگونه یک مخلوق می تواند منشأ چنین برکاتی باشد؟ اگر کتاب مقدس می گوید که "هیچ کس نمی تواند بگوید عیسی خداوند است، مگر به وسیله روح القدس" (اول قرنتیان 12:3)، چگونه یک مخلوق می تواند الهامی باشد که نجات دهنده از آن الهام می شود؟
رد الوهیت روح القدس به معنای رد کار تقدیس او و هدایای او در ایمان و تجدید است، و بنابراین خود رد نجات است. اگر بازسازی نجات بخش از طریق غسل تعمید به نام پدر، پسر، و روح و با نام مفرد آغاز شود، آنگاه پدر، پسر و روح یک سری مختصات را تشکیل می دهند که هر سه در رتبه یکسانی دارند. در نهایت، اگر تعمید باید به نام پدر، پسر و روح انجام شود، ستایش، شکرگزاری و عبادت باید به همین ترتیب انجام شود.

Lex orandi lex est credendi; عبادت باید از همان عباراتی استفاده کند که اظهار ایمان است.
این سؤال که دقیقاً چگونه باید جلال به خداوند نسبت داده شود، دلیل بحث های طولانی دستوری در این رساله است که مطمئناً خواننده و مترجم را ناامید می کند. مشکل این بود: ریحان مقدس به دلیل استفاده از شکل "جلال پدر با (ueTÒ) پسر همراه با (aùV) روح القدس" در کلیسای خود مورد حمله قرار گرفت. شکل مرسوم کلیساهای یونانی زبان در آن زمان «جلال پدر از طریق (ôLà) پسر در (Čv) روح القدس» بود، اگرچه همانطور که سنت باسیل اشاره می کند، اولین فرمول مدت ها در بسیاری از کلیساهای غیریونانی زبان شرق سنتی بوده است. در قیصریه ریحان از هر دو فرمول استفاده کرد. او فکر می‌کرد که فرمول اول برای ستایش خدای متعال بهترین است، در حالی که فرمول دوم برای توصیف رفتار خدا با انسان مناسب‌تر است. بنابراین او دریافت که دو دسته از اصطلاحات الهیات ضروری است: یکی برای توصیف خدا به عنوان خدا، و دیگری برای توصیف برنامه نجات خدا برای انسان ها. اگرچه هیچ تناقضی نمی تواند در میان باشد، اما کلمات مختلف اغلب لازم است

به خاطر دقت برای نشان دادن اینکه هیچ تعارضی بین این دو عبادت وجود ندارد، او ابتدا باید ثابت میکرد که حروف اضافه از طریق و در آنطور که مخالفانش ادعا میکردند، افراد پسر و روح را تابع نمیکنند. او این کار را با برشمردن دهها متن کتاب مقدس انجام میدهد که در آنها همین حروف اضافه در اشاره به پدر به کار رفته است، و پنوماتو ماچوی را به تقلید از واژگان فلسفه بت پرستی به جای کتاب مقدس متهم میکند، وظیفه بعدی او توجیه استفاده از با است، که در کتاب مقدس یافت نمیشود. در اینجا سنت باسیل به عقل سلیم متوسل می شود: در گفتار روزمره هیچ تفاوت واقعی بین و و با وجود ندارد. اگرچه یکی حرف ربط و یکی حرف اضافه است، اما هدف یکسانی را دنبال می کنند. تنها تفاوت ممکن این است که در یک سری از نام ها با همکاری بهتر از و. از آنجایی که از کتاب مقدس کاملاً مشخص است که پدر، پسر و روح القدس با هم همکاری می کنند، چگونه کسی می تواند استفاده از آن را محکوم کند؟

در اینجا سنت باسیل به مخالفان خود مصالحه ای پیشنهاد می کند: اگر آنها کاملاً از استفاده با روح امتناع ورزند زیرا در کتاب مقدس یافت نمی شود، او برای همه استفاده کنندگان حل و فصل خواهد شد و که به اندازه کافی وحدت افراد را در یک طبیعت بیان می کند. این قطعاً یک سازش نبوی بود، زیرا این شکلی از دعاشناسی است که در نهایت توسط همه مسیحیان کاتولیک پذیرفته شد.

نظر این مترجم این است که دوز خوبی از الهیات خشک و منطقی کاپادوکیا می تواند به عنوان پادزهر مؤثری برای عاطفه گرایی ذهنی که مسیحیان مدرن اغلب خود را در آن غرق می کنند، عمل کند. دکترین این روزها اغلب نادیده گرفته میشود، بدیهی تلقی میشود یا با فردگرایی جایگزین میشود، و شاید پدران بتوانند با یادآوری (اغلب در بسیاری از کلمات!) به ما کمک کنند که خدا انسان شد تا حقیقتی را به ما نشان دهد که زندگی و آزادی میدهد، حقیقتی که ابدی است. این دلیل اصلی تلاش برای ترجمه انگلیسی مدرن این کتاب است که تنها ترجمه قبلی در این کتاب انجام شده است

قرن گذشته توسط کشیش بلونفیلد جکسون، که در حال حاضر در جلد 8 از سری پدران Nicene و Post-Nicene یافت می شود.

این ترجمه بازنگری کامل قبلی است. متن یونانی استفاده شده در جلد 32 Patrologia Graeca اثر میگن بود. خداوندی که روح است، از طریق دعای ریحان قدیس، ما را با دانشی که به پدرانی که پیش از ما رفته‌اند الهام بخشید، روشن کند تا بتوانیم به رؤیت جلال خدا، که در چهره مسیح می‌درخشد، هدایت شویم.

دیوید اندرسون اوت
1980

## فصل 1. نظر مقدماتی در مورد لزوم بررسی حتی کوچکترین سؤالات کلامی.

1. برادر محبوب و ارجمندم آمفیلوخیوس: عشق شما به یادگیری و تلاش شما در مطالعه را تحسین می کنم. در واقع، من از دقت و متانت افکار شما شگفت زده می شوم، به ویژه وقتی می گویید که هیچ یک از کلماتی که برای توصیف خدا به کار می روند، صرف نظر از زمینه و زمینه آنها، نباید بدون بررسی دقیق گذشت. شما از نصیحت خداوند، " هر که بخواهد، دریافت کند، و هر که بخواهد، بیابد." به نظر من اشتیاق شما برای یادگیری حتی کسانی را که تمایلی به به اشتراک گذاشتن آنچه می دانند را تحریک می کنند. 1

اما چیزی که من بیشتر از همه در مورد شما تحسین می کنم این است که سؤالات شما نشان دهنده میل خالصانه برای کشف حقیقت است، نه مانند بسیاری از این روزها که فقط برای آزمایش دیگران سؤال می پرسند. مطمئناً امروزه هیچ کمبودی برای افرادی وجود ندارد که از پرسیدن سؤالات بی پایان فقط برای داشتن چیزی برای غر زدن لذت می برند، اما به سختی می توان کسی را یافت که حقیقت را در روح خود دوست دارد و حقیقت را به عنوان دارویی برای جهل خود جستجو کند. درست همانطور که شکارچی تله‌های خود را پنهان می‌کند، یا کمین سربازان خود را استتار می‌کند، این پرسش‌کننده‌ها نیز پرسش‌های دقیقی را مطرح می‌کنند، بدون اینکه واقعاً امیدی به یادگیری چیز مفیدی از آن‌ها داشته باشند، زیرا اگر با آنها موافق نباشید و پاسخی را که می‌خواهند به آن‌ها ندهید، تصور می‌کنند که کاملاً حق دارند به یک بحث و جدل خشمگین دامن بزنند.

2. اما اگر «حکمت به احمقی که جوی‌ای حکمت است داده شود» * بهای آن چقدر زیاد است که باید 1 لیک. 11:10.

Prov. 17:28 (LXX).

برای «شنونده عاقل» که پی‌امبر او را در کنار «مشاور بزرگوار» قرار می دهد، ارزش قائل شوی‌د؟ او ابتدا مستحق استقبال صمی‌مانه است، اما سپس بای‌د در جمع کسانی که در غی‌رت او شری‌ک هستند، تشوی‌ق شود که در همه چی‌ز با او کار می کنند، زی‌را او به سوی کمال پی‌ش می رود.
کسانی که در جستجوی درستی بی‌کار هستند، اصطلاحات الهی‌ات را به همراه تلاش برای جستجوی معنای پنهان در ای‌ن عبارت ی‌ا آن هجا در درجه دوم اهمی‌ت قرار می دهند، اما کسانی که از هدف دعوت ما آگاه هستند، می دانند که تا آنجای‌ی که ای‌ن امر برای طبی‌عت بشر ممکن است، بای‌د شبی‌ه خدا شوی‌م. اما ما نمی‌توانی‌م مانند خدا شوی‌م، مگر ای‌نکه او را بشناسی‌م، و بدون عبرت، معرفتی وجود نخواهد داشت.
آموزش با استفاده صحی‌ح از کلام شروع می شود و هجاها و کلمات ارکان کلام هستند، بنابرای‌ن بررسی دقی‌ق هجاها کار زائدی نی‌ست.
صرفاً به ای‌ن دلی‌ل که برخی سؤالات بی اهمی‌ت به نظر می رسند دلی‌لی برای نادی‌ده گرفتن آنها نی‌ست. شکار حقی‌قت کار آسانی نی‌ست. ما بای‌د همه جا به دنبال ردپای آن بگردی‌م. ی‌ادگی‌ری حقی‌قت مانند ی‌ادگی‌ری ی‌ک تجارت است. کارآموزان کم کم در تجربه رشد می کنند، مشروط بر ای‌نکه از هی‌چ فرصتی برای افزای‌ش دانش خود بی‌زار نباشند. اگر انسان عناصر اساسی را به عنوان چی‌زهای بی اهمی‌ت نادی‌ده بگی‌رد، هرگز به کمال حکمت نخواهد رسی‌د. بله" و نه" فقط دو هجا هستند، اما حقی‌قت، بهتری‌ن چی‌زهای خوب، و همچنی‌ن دروغ، بدتری‌ن شر ممکن، اغلب با ای‌ن دو کلمه کوچک بی‌ان می شوند. چرا ای‌ن را ذکر می کنم؟

از آنجا که در زمان‌های گذشته کسی که در محاکمه قرار می‌گرفت می‌توانست با تکان دادن سر خود به صفوف شهدای مسی‌ح بپی‌وندد، زی‌را ای‌ن ی‌ک عمل به معنای تعهد کامل به دی‌ن واقعی بود.
اگر چنی‌ن است، کدام اصطلاح کلامی آنقدر ناچی‌ز است که تعادل ترازو را زی‌اد بر هم نمی زند، مگر ای‌نکه درست به کار رود؟ به ما گفته می‌شود که نه ی‌ک ذره و نه ی‌ک لقمه از قانون نمی‌گذرد.

• متی 5:18. رجوع کنی‌د به است. 3:3 (LXX).

شما می خواهید بررسی کنیم که هم کوچک و هم بزرگ هستند: کوچک، زیرا بیان کلمات مورد نظر فقط یک لحظه طول می کشد - و به همین دلیل تصور می شود که آنها ناچیز هستند - اما قدرت معنای آنها زیاد است. آنها را می توان با دانه خردل مقایسه کرد، زیرا کوچکترین دانه از همه دانه هاست، اما وقتی به درستی رشد کرد توانایی آن آشکار می شود. بزرگترین درختچه است و درخت می شود.

هر کس به ظرافت استفاده ما از هجاها بخندد و در عین حال با حیله گری ظرافت های نادرست خود را، همانطور که مزمورنویس می گوید، ابداع می کند، در نهایت میوه بی حاصل خنده را درو می کند. اما در مورد ما، تسلیم نکوهش های انسان ها نشویم، یا تحت تسلط آنها قرار نگیریم. به راستی که شرمنده از این مسائل کوچک هستم، اگر حتی به کسری از شأن و منزلت آنها دست یابم، به خود و همکارم به خاطر موفقیتی بسیار بالاتر از حد متوسط تبریک می گویم، و به این امید که او برنده این جایزه نخواهم شد من و برای شنوندگانم مثمر ثمر است.

از این رو، این توضیح را آغاز می‌کنم و از روح‌القدس می‌خواهم که مرا روشن کند و با تأیید شما، برای اشاره به جهتی که بحث در پیش می‌گیرد، لحظه‌ای به اصل سؤال خود بازمی‌گردم.

3. اخیراً در حالی که من با مردم دعا می کنم، گاهی اوقات عبادت به خدای پدر را با شکل «جلال پدر با پسر، همراه با روح القدس» به پایان می بریم و گاه از «جلال پدر بوسیله پسر در روح القدس» استفاده می کنیم. برخی از حاضران ما را به استفاده از اصطلاحات عجیب و متناقض متهم کردند. اما مطمئناً آرزوی شما این است که به این افراد کمک کنید، یا اگر کاملاً غیر قابل درمان هستند، محافظت کنید

---

ص 119:85 (LXX). 5 رجوع کنید به متی 13:31-32.

کسانی که با آنها معاشرت دارند; به همین دلیل است که شما فکر می کنید که آموزش روشن در مورد نیرویی که زیربنای این پیش فرض ها است، مطلوب است. تا حد امکان مختصر می نویسم، به امید اینکه شروعی مناسب برای این بحث ارائه کنم.

## فصل 2. منشأ روشی که بدعت گذاران استفاده از حروف اضافه را از نزدیک مشاهده می کنند.

4. کسی که از اهمیت مسائل کوچک آگاه است، ممکن است تصور کند که دقت این مردان با هجاها و کلمات نشان دهنده صراحت است. اما چنین نیست. زیرا در اینجا هیچ شر کوچکی در خطر نیست، بلکه توطئه ای عمیق و پنهان علیه دین واقعی است. استدلال آنها این است که هرگونه ذکر پدر، پسر و روح القدس به عنوان نامشابه، نشان دادن تفاوت آنها در ماهیت را آسان می کند. آنها یک ترفند قدیمی دارند که توسط Aetius، قهرمان این بدعت، اختراع شده است، که در یکی از نامه های خود می نویسد که چیزهایی که ماهیت آنها متفاوت است با عبارات غیرمشابه بیان می شود، و برعکس، اصطلاحات غیر مشابه برای توصیف چیزهایی استفاده می شود که ماهیت آنها متفاوت است. او در تلاش خود برای اثبات این امر حتی به کلمات رسول می پردازد: "خدا و پدر یکتا که همه چیز از اوست... و خداوند یکتا عیسی مسیح که همه چیز بوسیله اوست." او سپس ادامه می‌دهد که رابطه بین این حروف اضافه (از و از طریق) نشان‌دهنده رابطه بین طبیعت‌هایی است که آن‌ها توصیف می‌کنند، و از آنجایی که عبارت «Erom who» با «از طریق او» متفاوت است، بنابراین پدر با پسر متفاوت است. این آفت یک بدعت کاملاً به ظرافت های این مردان در مورد مقدمات فوق بستگی دارد. کلمه «از کی» را به خدا اختصاص می دهند

---

.کور 8:6 7I

پدر به گونه‌ای که گویی این عبارت، یک سهم خاص اوست. برای خدای پسر عبارت «از طریق او» و برای روح‌القدس «در آن» را انتخاب می‌کنند و می‌گویند که این انتساب حروف اضافه هرگز نباید عوض شود، تا، همانطور که قبلاً گفتم، همیشه یک عبارت مقدماتی ساخته شود تا ماهیت متناظر را نشان دهد. بدیهی است که آنها سعی می‌کنند با جست‌وجو در مورد مضارع، قدرت استدلال نافرمانانه خود را حفظ کنند. با تعبیر «از که» می خواهند به خالق دلالت کنند; منظور آنها از "از طریق چه کسی" ابزار خدمت است و در آن" برای اشاره به زمان یا مکان استفاده می کنند.

بنابراین خالق مقدس همه چیز به ابزاری صرف تبدیل می شود و روح القدس به نظر می رسد که خلقت را با چیزی جز زمان و مکان فراهم می کند.

## فصل 3. چگونه بحث فنی از حروف اضافه در فلسفه بت پرستی سرچشمه گرفته

5. با این حال، آنها با مطالعه نویسندگان بت پرست، که عبارات "از چه کسی" و "از طریق چه کسی" را به چیزهایی که طبیعتاً متمایز هستند، به این اشتباه سوق داده اند. این نویسندگان گمان می‌کنند که «از چه کسی» به ماده‌ای اطلاق می‌شود که چیزی از آن ساخته می‌شود، و «از طریق چه کسی» به ابزاری که در ساخت آن کمک می‌کند. علاوه بر این (لحظه ای کل استدلال آنها را بررسی کنیم تا ناسازگاری آن با حقیقت و ناسازگاری آن با تعالیم خودشان آشکار شود) کسانی که این فلسفه بیهوده را مطالعه می کنند، در حالی که بحث می کنند.

---

سنت باسیل در اینجا به چهار علت ارسطویی اشاره می کند: صوری، مادی، کارآمد و نهایی. (به تجزیه و تحلیل پسین، کتاب 2، فصل 11 مراجعه کنید).

بسیاری از جنبه‌های علیت و تلاش برای دسته‌بندی مناسب آنها، می‌گویند که برخی از علل اولیه هستند، برخی مشارکتی یا مشارکتی هستند، در حالی که برخی دیگر ضروری هستند. برای هر یک از اینها از حرف اضافه جداگانه استفاده می کنند، به طوری که سازنده به گونه ای و ابزار به گونه ای دیگر معرفی می شود. آنها می گویند که مناسب ترین عبارت برای سازنده این است که "توسط چه کسی; به عنوان مثال، صندلی همیشه توسط نجار تولید می شود. ابزار به عنوان چیزی توصیف می شود که "از طریق آن" چیزی ساخته می شود.
به عنوان مثال صندلی «از طریق» یا «به‌وسیله» ابزار خاصی ساخته می‌شود: تبر، مته و غیره. «از آن» به ماده مورد استفاده اشاره دارد که در این مورد، چوب است، در حالی که طبق آن» به معنای الگوی دنبال‌شده توسط کارگر درک می‌شود، زیرا او یا طرحی ذهنی را از قبل تعیین می‌کند و سپس از تخیل خود با الگوی قابل مشاهده استفاده می‌کند.

«به خاطر آن» یا «به خاطر آن» می خواهند به معنای هدف یا دلیل وجود باشد; بنابراین صندلی به خاطر مردان وجود دارد. «در آن» زمان و مکان را نشان می دهد. چه زمانی ساخته شد؟ در این عصر. کجا؟ در این مکان. ممکن است به نظر برسد زمان و مکان هیچ کمکی به چیزی که تولید می‌شود ندارند، اما خارج از آن‌ها ساختن چیزی غیرممکن است، زیرا چیزها در چارچوب مکان و زمان ایجاد می‌شوند. مخالفان ما ابتدا این تمایزات بی‌هوده و پوچ را مورد مطالعه و تحسین قرار داده اند و سپس آنها را به آموزه ساده و بی آلایش روح منتقل کرده اند و از آنها برای تحقیر خدای کلام و انکار روح الاهی استفاده می کنند. فیلسوفان بت پرست عبارت «از طریق یا به وسیله آن» را برای اشاره به ابزارهای بی جان یا پست ترین کارها محفوظ می داشتند، اما اکنون مسیحیان استاد همه را با حروف اضافه می بندند و از توصیف خالق جهان با زبانی که برای چکش یا اره مناسب است خجالت نمی کشند.

## فصل 4. چگونه چنین استفاده ای از حروف اضافه را نمی توان در کتاب مقدس مشاهده کرد.

6. اکنون اعتراف می کنیم که کلام حقیقت اغلب از این عبارات به روشی که توضیح داده شد استفاده می کند، اما کاملاً انکار می کنیم که آزادی روح توسط خرده گیری بت پرستان کنترل می شود. در عوض، بر حسب شرایط، عبارات خود را برای هر مناسبت تغییر می‌دهد.
به عنوان مثال، «از چه کسی» یا از آن» همیشه به ماده اشاره نمی کند، همانطور که فلسفه بت پرستی می آموزد، اما کتاب مقدس به احتمال زیاد این عبارت را در مورد علت عالی به کار می برد: «خدای یگانه، که همه چیز از اوست» یا همه چیز از خداست،» 10 با این حال، کلام حقیقت اغلب در اشاره به ماده از همین حرف اضافه استفاده می کند. مثلاً می‌گوید: «از چوب فاسدنشدنی تابوت بسازی» و «از طلای ناب چراغدان بسازی» و «نخستین انسان از زمین، مردی از خاک بود، 1 و تو مانند من از گل آفریده شده‌ای.» 4 اما مخالفان ما، همانطور که قبلاً گفتیم، حکم کرده‌اند که این عبارت فقط به ترتیب متفاوتی از طبیعت پدر است. منشأ این تمایز آن‌ها فلسفه بت پرستی است، اما همیشه دقیقاً از نظام پیروی نمی‌کنند، می‌گویند در روح» و «از طریق» پسر، و از آنجایی که عنوان «ابزار» را بر پسر تحمیل می‌کنند و «جایگاه» را بر روح می‌گذارند، در اینجا با معلمان خود مطابقت دارند. به کاربرد رسولی تغییر یافته است، همانطور که نوشته شده است، منبع زندگی شما در مسیح عیسی از اوست» 15 و «همه چیز از

---

من کور. 8:6.
10 من کور. 11:12.
11 مثال 25:10.
12 Bx. 25:31.
15 اول کور. 15:47.
14 ایوب 33:6.
15 Cf, I Cor. 1:30.

C خدایا.» نتیجه این بحث فنی چیست؟
علت ماهیتی دارد، ابزار ماهیت دیگری دارد و مکان ماهیت دیگری دارد. پس ذات پسر با طبیعت پدر بیگانه است، زیرا ابزار ذاتاً با صنعتگر متفاوت است، و ماهیت روح برای هر دو بیگانه است، زیرا مکان و زمان با ابزار یا کسانی که آنها را اداره می کنند متفاوت است.

## فصل 5. چگونه "از طریق که" نیز در مورد پدر گفته می شود، و "از چه کسی" برای پسر و روح.

7. پس از تشریح استدلال های مخالفان خود، اکنون پیشنهاد خود را نشان خواهیم داد: یعنی اینکه پدر منحصراً «از چه کسی» را نمی پذیرد و «از طریق چه کسی» را به پسر واگذار می کند. علاوه بر این، ما اصل خودسرانه آنها را رد می کنیم که پسر روح القدس را نمی پذیرد که از چه کسی یا از طریق چه کسی شریک شود.

«خدای یکتا است، پدری که همه چیز از اوست و خداوند یکتا عیسی مسیح که همه چیز بوسیله اوست. 17 39
سنت پل این را برای وضع قانون دلخواه حروف اضافه نمی گوید، بلکه برای تمایز بین افراد است. او این را نمینویسد تا هیچ گونه تقسیمی از طبیعتها را معرفی کند، بلکه برای اثبات این موضوع که اتحاد پدر و پسر بدون سردرگمی است. بدیهی است که عبارات موجود در این قسمت نه مغایرتی با یکدیگر دارند و نه ماهیت هایی را که به آنها اطلاق می شود، مانند دسته های ارتشی که در جنگ در مقابل یکدیگر قرار می گیرند، جدا نمی کنند. پولس مبارک هر دو را برای یک هدف متحد می کند، وقتی می گوید: «زیرا همه چیز از او و به واسطه او و برای اوست.» حتی کسی که به معنای کلمات توجه زیادی نمی کند این را اعتراف می کند

18 رام 11:36. 17 کور. 8:6. 10 من کور. 11:12.

این متن به وضوح به خداوند اشاره دارد. رسول همین الان نبوت اشعیا را نقل می کند که می گوید: چه کسی عقل خداوند را شناخته یا چه کسی مشاور او بوده است، و سپس ادامه می دهد که «زیرا همه چیز از او و به واسطه او و برای اوست.» پیامبر در مورد خدای کلمه، خالق همه خلقت، سخن می گوید؛ ما این را از سخنان قبلی او می آموزیم که حفره های آب را با دست و انگشت خود اندازه گرفته است. گرد و غبار زمین را به اندازه ای محصور کرد و کوه ها را در ترازو و تپه ها را در ترازو وزن کرد؟

چه کسی ذهن خداوند را شناخته یا چه کسی مشاور او بوده است؟» 20 این قسمت صرفاً یک سؤال بلاغی نیست. اگر چنین بود، «چه کسی» احتمالاً نمی‌توانست به کسی اشاره کند. بلکه استفاده از "who" نشان دهنده شخصیت کمیاب است.
آیات زیر همین را می پرسند: «چه کسی برای من در برابر بدکاران قیام می کند؟» 2 یا "چه کسی است که زندگی را می خواهد"، 29 یا " چه کسی از تپه خداوند بالا می رود؟" همه این سؤالات، از جمله "چه کسی ذهن خداوند را شناخته است، یا چه کسی مشاور او بوده ] است؟" همان پاسخ را دارند: "زیرا پدر پسر را دوست دارد و هر آنچه را که خودش انجام می دهد به او نشان می دهد." او کسی است که زمین را در دست گرفته و آن را با دستان خود می گیرد. او همه چیز را به ترتیب تنظیم کرده است; کوهها را در جای خود قرار داد و آبها را اندازه گرفت. او برای هر چیز در جهان رتبه مناسب خود را تعیین می کند. او وسعت آسمانها را تنها با اندکی از قدرت خود احاطه می کند که پیامبر در منادی خود آن را دهانه می نامد. سخنان رسول به خوبی بیان شده است: «چرا که همه چیز از او و به وسیله او و برای اوست» . علت وجود از سوی او به همه چیزهایی که وجود دارد، طبق خواست خدای پدر می آید. از طریق او ساختار و حفظ به همه چیز داده شده است، زیرا او همه چیز را آفرید و توزیع می کند

---

19 است. 40:13; رام 12:34.

20، 40: 13-12.

21 ص 94:16.

22 ص. 34:12.

23 ص 24:3.

24 یوحنا، 5:20.

25 رام 11:36.

رفاه برای همه چیز، با توجه به نیاز هر یک.
بنابراین همه چیز به سوی او معطوف می شود و با اشتیاق غیرقابل مقاومت و عشقی وصف ناپذیر به خالق و نگهدارنده زندگی می نگرند همانطور که نوشته شده است: "چشم همه به تو امیدوار است" # و همه به تو می نگرند تا در موعد مقرر غذای‌شان را به آنها بدهی """" و دوباره "تو دست خود را باز می کنی و آرزوی هر موجود زنده ای را برآورده می کنی" 8.

8. اگر مخالفان ما این تفسیر را رد کنند، چه استدلالی آنها را از افتادن آشکار در دام خودشان نجات می دهد؟ اگر آنها اجازه ندهند که این سه عبارت «از چه کسی»، «از طریق چه کسی» و «در چه کسی» در مورد خداوند گفته شود، مجبور خواهند شد که برخلاف میل خود آنها را در مورد خدای پدر به کار ببرند. در اینجا استدلال آنها از بین می رود، زیرا ما نه تنها "از چه کسی" بلکه "از طریق چه کسی" را نیز در مورد پدر می یابیم. «از طریق که» نشان دهنده هیچ چیز تحقیر آمیزی نیست. چرا در دنیا باید از آن برای حبس پسر در موقعیتی پست استفاده کرد؟

اگر همیشه نشان دهنده اطاعت است، بگذارید برای ما توضیح دهند که خدای جلال و پدر مسیح از چه چیزی برتر است. به راستی که آنها خودشان را سرنگون کردند، در حالی که ما از هر دو طرف پیروز هستیم. اگر کلمات «از او و بوسیله او و همه چیز از اوست» به پسر اشاره دارد، از او» در مورد پسر اطلاق می شود. از طرف دیگر، اگر آنها ادعا کنند که این کلمات متعلق به پدر است، «از طریق او» به عنوان حق او به خدا (پدر) داده می شود. هر دو عبارت ارزش مساوی دارند، زیرا هر دو به یک روش برای توصیف خدا استفاده می شوند.

یا این قطعه به پدر یا پسر اشاره دارد، و هر دو حرف اضافه یا یک شخص یا دیگری را توصیف می کنند.
اما اجازه دهید به موضوع اصلی خود بازگردیم.

9. پولس در رساله خود به افسسیان می‌گوید: «در عوض، با گفتن حقیقت در عشق، باید از هر جهت بزرگ شویم.

---

26 ص 145: 15. 27 ص 104:27. 28 ص 145:16.

به او که سر است، به مسیح، که از او تمام بدن، با هر مفصلی که
با آن تأمین می‌شود، به هم پیوند خورده و به هم گره می‌خورد،
وقتی هر عضو به درستی کار می‌کند، رشد بدنی می‌آورد و خود را در
عشق می‌سازد.» 0 دوباره در رساله به کولسیان به کسانی که
هیچ درکی از یگانه‌ازاده ندارند، می‌گوید که «. چنگ زدن به سر (
یعنی مسیح) که از او تمام بدن، تغذیه شده و از طریق مفاصل و
رباط هایش به هم گره خورده است، با رشدی که از جانب خداست
رشد می کند.» 0 از قسمتی دیگر درمی یابیم که مسیح رئیس
کلیسا است، همانطور که رسول می گوید: «او را سر همه چیز برای
کلیسا قرار داده است»، «و ما از همه چیز او را دریافت کردیم.»
1خداوند خودش می‌گوید: آنچه مال من است را می‌گیرد و به شما اعلام
می‌کند.» خواننده سخت‌کوش متوجه خواهد شد که عبارت از چه
کسی به طرق مختلف به کار می‌رود. به عنوان مثال، خداوند می
گوید: "من متوجه شدم که قدرت از من خارج شده است." * به طور
مشابه مشاهده می کنیم که «از چه کسی» اغلب در اشاره به روح
استفاده می شود. پولس می گوید: "کسی که برای روح می کارد، از
روح زندگی جاودانی درو خواهد کرد." * یوحنا می نویسد: "و از این
طریق می دانیم که او از روحی که به ما بخشیده است در ما می ماند."
0 فرشته به یوسف می گوید:

"آنچه در او تصور می شود از روح القدس است." خداوند می فرماید: 37
آنچه از روح زاده می شود روح است.» 38 تا اینجا چنین است.

10. اکنون باید نشان دهیم که عبارت "از طریق چه کسی" یا "
توسط چه کسی" توسط کتاب مقدس برای اشاره به پدر، پسر و
روح القدس به طور یکسان استفاده می شود.

---

8 اول یوحنا، 3:24.
37 لیوان 1:20.
38 یوحنا 3:6.
33 یوحنا 16:15.
34 لیوان 8:46.
5 گال. 6:8.
29 اف. 4:15-16.
30 سرهنگ 2:19.
31 اف. 1:22.
32 یوحنا 1:16.

ponent ،ها استدلال خود را با استفاده از آنها می سازند. با این حال نشان خواهیم داد که «از طریق چه کسی» یا «توسط چه کسی» در اشاره به پدر استفاده میشود. نوشته شده است: "خدا وفادار است که به واسطه او به شراکت پسر او، خداوند ما عیسی مسیح فراخوانده شده اید." 3B و «پلس، رسول مسیح عیسی به اراده خدا» و دوباره، «پس از طریق خدا دیگر غلام نیستی، بلکه پسر هستی، و اگر پسر هستی، وارث هم هستی» 41 و «به طوری که مسیح با جلال پدر از مردگان برخاست، 4a اشعیا می گوید:

«وای بر آنانی که نهان می کنند و نه به خداوند». 0 همین عبارت بارها برای اشاره به روح نیز به کار می رود: «حقیقتی را که توسط روح القدس به شما امانت داده شده پاسداری کنید» * و در جای دیگر می گوید: «به شخص به وسیله روح حکمت داده می شود.»

11. در مورد حرف اضافه در; کتاب مقدس از آن برای اشاره به خدای پدر استفاده می کند. در عهد عتیق آمده است که "در خدا شجاعانه عمل خواهیم کرد" * و "خوشا به حال مردم... که تمام روز به نام تو شادی می کنند." پولس میگوید: «... در خدایی که همه چیز را آفرید» و «پلس و تیموتائوس، به کلیسای تسالونیکیان در خدای پدر ما» و «خواهش میکنم که بهطوری در اراده خدا، سرانجام موفق شوم که نزد شما بیایم» و «خود را در خدا ببالید. بقیه آنقدر زیاد است که نمی توان به آنها اشاره کرد. ما نمی خواهیم به خاطر خود مدرک جمع آوری کنیم، بلکه می خواهیم ثابت کنیم که نظرات مخالفانمان نادرست است. بنابراین، من مواردی را که از حرف اضافه در" برای توصیف خداوند و روح القدس استفاده می شود، نمی شمرم، زیرا آنها بسیار گسترده هستند.

اما من نمی توانم از ذکر این نکته خودداری کنم که شنونده عاقل» ممکن است به راحتی متوجه شود که اگر تفاوت های اصطلاحی در

---

47 ص 89:16.
48 I Thess. 1:1.
40 رام 1:10.
50 رام 2:17.
48 است. 29:15.
' aII 1:14 .تیم.
e5 I Cor. 12:8.
46 ص 108:13.
89 من کور. 1:9.
40 II Cor. 1:1.
4 گال. 4:7.
& رام 6:4.

تفاوت‌ها را در ماهیت مشخص می‌کنند، پس مخالفان ما باید شرم آور توافق کنند که اصطلاحات یکسان برای ماهیت‌های یکسان استفاده می‌شود. بنابراین شواهد فراوانی برای پیشنهاد ما ارائه شده است.

12. استفاده از حروف اضافه نه تنها در بحث های مربوط به ماهیت الهی متفاوت است، بلکه خود معانی حروف اضافه اغلب قابل تغییر هستند و از موضوعی به موضوع دیگر منتقل می شوند. به عنوان مثال، آدم می گوید: "من از طریق خدا مردی به دست آوردم. 1 به معنای همان از جانب خدا. در قسمت دیگری می گوید: "موسی به دستور خداوند ... اسرائیل را به فرمان خداوند متهم کرد" 5% و دوباره: "مگر تعبیر نیست. از طریق خدا؟» 5s یوسف، هنگامی که با هم زندانیان خود در مورد خواب صحبت می کرد، به جای اینکه از جانب خدا بگوید، به صراحت از طریق خدا می گوید. گاهی پولس دقیقاً برعکس این کار را انجام می دهد: او به جای «از طریق چه کسی» از «از چه کسی» استفاده می کند؛ مثلاً در قطعه «از زن متولد شد» 4 به جای «از طریق زن»، اما در جای دیگر او به وضوح می گوید که مرد از طریق این دو را از مرد متمایز می کند. زن: «همانطور که زن از مرد آفریده شد، مرد هم اکنون از (از طریق) زن متولد می‌شود» اما در همین قسمت‌ها، جایی که پولس نشان می‌دهد که این اصطلاحات به طرق مختلف به کار می‌روند، او همچنین خطای کسانی را که تصور می‌کنند بدن خداوند یک بدن مادی نیست، تصحیح می‌کند: او می‌گوید که خداوند از زن زاده شده است تا نشان دهد که اگر بدن خدا از طریق یک انسان به وجود آمده باشد آن زن صرفاً وسیله منفعل نسل است، اما با گفتن این که مسیح از (زن) متولد شد، به طور رضایت بخشی نشان می دهد که مادر و فرزندان او سهیم هستند.

---

B1 4:1 پیدایش.

52 شماره، 36:1.

53 پیدایش 40:8.

B4 Gal, 4:4.

55 من کور. 11:12.

اشتراک طبیعت ها پولس به هیچ وجه با خود تناقض ندارد، اما نشان
می دهد که این کلمات به راحتی قابل تعویض هستند.
از چه کسی و از طریق چه کسی برای موضوعات یکسان، بسته به
بافت متن، به جای یکدیگر استفاده می شود، بنابراین چگونه
کسی می تواند بگوید که عبارات می توانند به طور غیرقابل
تغییری از یکدیگر متمایز شوند و به دروغ سعی در ایراد گرفتن از
دین واقعی دارند؟

فصل 6. او با کسانی که ادعا می کنند منازعه می کند

که پسر با پدر نیست، بلکه پس از
پدر است. همچنین در مورد جلال برابر
پدر و پسر.

13. مخالفان ما که سعی می کنند با نکات فنی ظریف استدلال
ما را شکست دهند، حتی نمی توانند به جهل التماس پناه ببرند.
بدیهی است که آنها مخالفت می‌کنند زیرا ما با جلال دادن به پدر با
یگانه‌زاده، دین‌شناسی را به پایان می‌رسانیم و روح‌القدس را از
همین جلال بیرون نمی‌آوریم. به همین دلیل ما را مبتکر، انقلابی،
جمله‌نویس، و کی می‌داند که چقدر توهین‌های دیگر می‌خوانند، اما من
آنقدر از تحمل بدرفتاری‌های‌شان عاجز هستم که اگر از دست
دادنشان باعث گریه و اندوه مداوم من نبود، تقریباً می‌توانستم از
کفرشان تشکر کنم، زیرا به واسطه آنها نعمتی به دست آورده‌ام.
خداوند می گوید: "خوشا به حال شما وقتی که مردم شما را به خاطر
من دشنام دهند." s0 اینها دلایل ناراحتی آنهاست: آنها می گویند که
پسر با پدر برابر نیست، بلکه پس از پدر می آید.

بنابراین نتیجه می شود که جلال باید از طریق او به پدر نسبت
داده شود، اما نه با او. با او مساوات را بیان می کند، اما از طریق او نشان
از انقیاد دارد. آنها

56 متری 5:11.

همچنین اصرار دارند که روح نباید با پدر یا پسر رتبه بندی شود، بلکه باید در ردیف پدر و پسر قرار گیرد، نه به همان ترتیبی که آنها هستند، بلکه در زیر آنها، نه با آنها شمرده شوند. آنها با اصطلاحات فنی از این نوع، سادگی نامرتب ایمان را منحرف می کنند. آنها به هیچ کس دیگری اجازه نمی دهند که از این مسائل غافل بماند، و به همین دلیل با مداخله خود از هر دعایی که ممکن است نادانان داشته باشند، دست برداشته اند.

14. ابتدا اجازه دهید این سؤال را از آنها بپرسیم: آنها به چه طریق می گویند که پسر پس از پدر است؟ آیا او از نظر زمان یا در مرتبه یا در شأن است؟ تا آنجا که به زمان مربوط می شود، هیچ کس آنقدر بی معنا نیست که ادعا کند خالق اعصار جایگاه دوم را دارد. هیچ فاصله ای نمی تواند اتحاد طبیعی پدر و پسر را تقسیم کند. حتی تفکر محدود بشری نشان می‌دهد که غیرممکن است پسر کوچکتر از پدر باشد. اولاً، ما نمی‌توانیم هیچ‌یک را جدای از رابطه‌شان با یکدیگر تصور کنیم، و ثانیاً، خود ایده «بعداً آمدن» در مورد چیزی به کار می‌رود که از زمان حال جدا شده است، فاصله زمانی کمتری نسبت به چیز دیگری که قبلاً آمده است.» برای مثال، آنچه در زمان نوح رخ داد، مقدم بر آنچه برای مردان سدوم رخ داد، پیش از آن است زیرا نوح به ما بسیار نزدیک‌تر است، زیرا به نظر می‌رسد که تاریخ به ما نزدیک‌تر است. آیا واقعاً اوج حماقت نیست که زندگی او را فراتر از همه زمانها و اعصار بسنجیم، که وجودش به طرز غیر قابل محاسبه ای از زمان حال دور است؟ انعکاس مطلقاً قادر به نفوذ در پیدایش خداوند نیستند.

برج حمل: او می گوی‌د: "در ابتدا کلمه بود." "فکر نمی تواند به فراتر از بود، ی‌ا آغاز تخی‌ل برسد. مهم نی‌ست که افکار شما چقدر به عقب می روند، شما نمی توانی‌د از آن فراتر بروی‌د. مهم نی‌ست که چقدر برای دی‌دن آنچه فراتر از پسر است تلاش کنی‌د، عبور از محدوده آغاز را غی‌رممکن خواهی‌د دی‌د.

بنابرای‌ن، دی‌ن واقعی به ما می آموزد که به پسر با پدر فکر کنی‌م.

15. اگر فکر می کنند که پسر زی‌ر پدر می نشی‌ند، در جای کوچکتر، به طوری که پدر بالا می نشی‌ند، و پسر را به صندلی بعدی پای‌ی‌ن هل می دهد، ای‌ن را بگوی‌ند و ما سکوت خواهی‌م کرد، زی‌را پوچ بودن چنی‌ن موضعی بلافاصله روشن می شود. افکار آنها ۷ چنان ناسازگار است که نمی پذی‌رند که پدر همه چی‌ز را پر می کند. هر کس عقل سلی‌می داشته باشد بر ای‌ن باور است که خدا همه چی‌ز را فرا گرفته است، اما ای‌ن مردان از پای‌ی‌ن تقسی‌م می‌کنند و سخنان مزمور سرا را به خاطر نمی‌آورند: اگر به آسمان صعود کنم، تو آنجای‌ی! اگر بسترم را در شئول مرتب کنم، تو آنجا هستی!" حتی اگر حماقت محصور کردن موجودات غی‌ر جسمانی در مکان های مشخص را نادی‌ده بگی‌ری‌م، چگونه می توانی‌م حمله بی شرمانه آنها را به کتاب مقدس توجی‌ه کنی‌م؟ به قسمت های‌ی که آنها متناقض هستند نگاه کنی‌د! 0 عبارت «دست راست» نشان‌دهنده جای‌گاه پای‌ی‌ن‌تری نی‌ست، بلکه نشان‌دهنده رابطه برابری است. نمی توان آن را به عنوان دست راست فی‌زی‌کی درک کرد، بلکه کتاب مقدس بر شکوه و عظمت کرامت بزرگ پسر تأکی‌د می کند. برای مخالفان ما باقی می ماند که توضی‌ح دهند که چگونه ای‌ن عبارت نشان دهنده درجه پای‌ی‌ن تر است، بی‌اموزند که مسی‌ح قدرت خدا و حکمت خدا است، و تصوی‌ر خدای نامرئی، و روشنای‌ی جلال او، و کسی که خدای پدر او را دارد.

---

B7 1:1 ،ی‌وحنا.
59 ص 110:1.
01 کور،. 1:24. 48 عبری. 1:3.
58 ص 139:8.
80 عبری. 1:3.
6s Col. 1:15.

مهر و موم شده،* که پدر بر تصویر شخص خود مهر زده است. آیا ما باید این و آیات دیگر مانند آنها را در کتاب مقدس شواهدی بنامیم که پسر جایگاه پایین تری دارد، یا آنها اعلامیه های عمومی عظمت یگانه یگانه و جلال برابر او با پدر هستند؟

بگذارید به خود خداوند گوش دهند، که به وضوح اعلام می کند که جلال و افتخار برابر با پدر دارد. او می‌گوید: «کسی که مرا دیده، پدر را دیده است» و «وقتی پسر در جلال پدرش می‌آید» و «همه پسر را گرامی بدارند، چنانکه پدر را گرامی می‌دارند» و «خدای یگانه‌زاده‌ای که در آغوش پدر است» و «جلال او را دیدیم، جلال و جلال را مانند این یگانگان و همزادگان.» پسر، جایگاهی که برای دشمنان او در نظر گرفته شده است، برای پسرش تختی شایسته است، اما زیرپایی برای کسانی است که مجبور شده‌اند در برابر آن بیفتند.» ما فقط این قسمت‌ها را به اختصار بررسی کردیم تا به سؤالات دیگر بپردازیم. شما می توانید این دلایل را در اوقات فراغت خود جمع آوری کنید، و آنگاه جلال متعالی و قدرت برتر یگانه زاده را خواهید دید. این شواهد برای شنونده خوش‌خوش بی‌اهمیت نیست، مگر اینکه اصطلاحات «دست راست» و «سینه» به معنای افتاده و جسمانی تفسیر شوند و در تلاش برای محدود کردن خدا در محدوده‌های تعیین‌شده استفاده شوند. شکل، شکل و وضعیت بدنی برای خدا قابل اختراع نیست. این عوامل با مطلق، نامتناهی، غیر جسمانی بیگانه هستند. بدتر از آن، این عقاید وقتی در مورد پسر به کار می روند برای پدر تحقیرآمیز هستند. آنها نمی توانند از شأن و منزلت پسر بکاهند، اما کسانی که آنها را تکرار می کنند، متهم به کفرگویی به خدا می شوند، زیرا هر جسارتی که به پسر معطوف شود، بنا بر ضرورت منطقی به پدر منتقل می شود. اگر کسی جایگاه بالاتری را به عنوان حق پدر به او اختصاص دهد و بگوید که

۱

4 یوحنا 6:27.
es Jn. 14:9.
66 میلیون 8:38.
07 جان. 5:23.
68 یوحنا 1:18.
69 یوحنا 1:14.
70 رجوع کنید به ص 110:1.

پسر یگانه در پایین نشسته است، او متوجه خواهد شد که خدا را دارای خواص فیزیکی تصور کرده است. این خیالات و توهمات ناشی از مستی و جنون است. خداوند به مردم آموخت که "کسی که پسر را گرامی نمی دارد، پدر را نیز گرامی نمی دارد." پس چگونه کسی می تواند بخشی از دین راستین باشد که از پرستش و جلال دادن با پدر خودداری می کند، کسی که در طبیعت، جلال و کرامت به پدر ملحق شده است؟ دیگر چه بگوییم؟

چه دفاع عادلانه ای در روز وحشتناک داوری جهانی خواهیم داشت؟ خداوند آشکارا اعلام کرده است که در جلال پدرش خواهد آمد.» استفان عیسی را دید که در دست راست خدا ایستاده بود. *پدر گفته است: "بشین در دست راست من" و روح القدس شهادت می دهد که در دست راست عظمت خدا نشست. او در تاج و تخت و افتخار سهیم است. آیا ما تلاش می کنیم که او را از مسند برابری اش به جایگاهی پایین تر تنزل دهیم؟ نشستن بر خلاف ایستادن، بیانگر این است که یک طبیعت کاملاً ثابت و پایدار است. وقتی باروخ میخواهد تغییر ناپذیری و عدم تحرک خدا را توصیف کند، میگوید: «تو برای همیشه مینشینی در حالی که ما برای همیشه از دنیا میرویم». چگونه بی پروا نیست که موقعیت برابری پسر را در دین شناسی ربودیم، چنان که گویی او سزاوار رتبه پایین تر است؟

---

71 یوحنا 5:23.
72 Mt. 16:27.
73 اعمال رسولان 7:55.
74 روم، 8:34.
?5 ص. 110:1.
76 عبری. 8:1.
77 بار. 3:3.

فصل 7. در برابر کسانی که می گویند چنین نیست

مناسب برای «با چه کسی» که در عبادات مربوط به پسر استفاده شود، اما عبارت مناسب «از طریق چه کسی» است.

16. مخالفان ما می گویند که استفاده از عبارت "با او" کاملاً بیگانه و ناشناخته است، در حالی که "از طریق او" مکرراً در کتاب مقدس رخ می دهد و دائماً توسط برادران استفاده می شود. به این چه بگوییم؟
خوشا به حال گوش هایی که تو را نشنیده اند و دل هایی که از زهر سخنان تو محافظت کرده اند. اما به شما که مسیح را دوست دارید این را باید بگویم: کلیسا هر دو کاربرد را به رسمیت می شناسد و هیچ کدام را به عنوان مستثنی از دیگری رد نمی کند. هر گاه در عظمت ذات یگانه زاده و تعالی کرامت او تأمل می کنیم، او را نزد پدر جلال می دهیم. از سوی دیگر، وقتی به نعمت های فراوانی که به ما عطا کرده است و اینکه چگونه ما را به عنوان هم وارث به خاندان خدا وارد کرده است، می پردازیم، تصدیق می کنیم که این فیض به واسطه او و در وجود او برای ما کار می کند، بنابراین بهترین عبارت برای تسبیح او با چه کسی و مناسب ترین شکرگزاری به واسطه کیست. این که عبارت با چه کسی با استعمال مؤمنان بیگانه است درست نیست.
همه کسانی که به روش های قدیمی بالاتر از این نوآوری ها اهمیت می دهند و سنت پدران را هم در شهر و هم در کشور بدون تغییر حفظ کرده اند، با این عبارت آشنا هستند. در عوض، این کسانی هستند که هرگز به روش‌های پذیرفته شده قانع نمی‌شوند که قدیمی‌ها را به‌عنوان کهنه‌بوده و دائماً از نوآوری استقبال می‌کنند، مانند جهانیانی که همیشه به دنبال آخرین مد هستند، تحقیر می‌کنند.
توجه کنید که مردم روستا به الگوهای گفتار باستانی چسبیده اند، در حالی که زبان ماهرانه این بحث های حیله گرانه

مورچه ها همیشه نشان آخرین روندهای فکری را دارند.
اما در مورد ما، آنچه پدرانمان گفتند، تکرار می کنیم: همان جلال به پدر و پسر داده شده است. بنابراین ما به پدر با پسر تعارف می کنیم، اما صرفاً به این دلیل که این سنت پدران است، راضی نیستیم.

آنچه مهم است این است که پدران از معنای کتاب مقدس پیروی کردند، با شواهدی که من به تازگی از کتاب مقدس استخراج کردم و به شما ارائه کردم. درخشندگی همیشه با شکوهی که منبع آن است، تصویر با نمونه اولیه آن و همیشه پسر با پدر در نظر گرفته می شود. یکی وجود دیگری را می طلبد و هر دو در اسم و ماهیت به هم پیوسته اند.

فصل 8. راه های متعدد «از طریق چه کسی» استفاده می شود، و مناسبت هایی که «با چه کسی» مناسب تر است.
توضیح اینکه چگونه پسر یک فرمان را دریافت می کند و چگونه او فرستاده می شود.

17. رسول می گوید: «خدای خود را به واسطه عیسی مسیح شکر می کنم» و به واسطه او فیض و رسالت را دریافت کرده ایم تا اطاعت ایمان را در میان همه ملت ها به وجود آوریم» و از طریق او به این فیضی که در آن ایستاده ایم دسترسی پیدا کرده ایم و شادمان می شویم. او در اینجا از مهربانی هایی صحبت می کند که پسر به ما ارزانی داشته است. گاهی او این هدایای فیض خوب را از طرف پدر به ما می‌برد، و گاهی ما را از طریق خود به سوی پدر هدایت می‌کند. وقتی پولس می‌گوید: «از طریق او فیض و رسالت را دریافت کردیم» ... 80 99

---

80 رام 5:2. 79 رام 1:5. 78 رام 1:8.

نشان می دهد که این برکات فراوان از پسر سرچشمه می گیرد، و وقتی می گوید «از طریق او دسترسی پیدا کردیم»، نشان می دهد که از طریق مسیح عضویت در خانواده خدا را به دست آورده ایم. آیا ممکن است که تصدیق ما به نعمت هایی که او برای ما انجام داده است، از جلال او بکاهد؟ آیا این درست نیست که بگوییم وقتی کارهای عظیم او را به یاد می آوریم، ابزار مناسب ستایش را می یابیم؟ به همین دلیل است که متوجه می‌شویم که کتاب مقدس هنگام توصیف خداوند خود را به یک نام محدود نمی‌کند، و همچنین به عباراتی که نشان دهنده عظمت الهی او است محدود نمی‌شود. گاهی اوقات از کلماتی استفاده می شود که ماهیت او را توصیف می کند، "نامی که بالاتر از هر نامی است"، نام عیسی پسر است، کتاب مقدس می گوید که او واقعا پسر است" و خدای یگانه، قدرت خدا، 4 حکمت، و کلام. ° همچنین به دلیل بسیاری از فقرا از جانب او که نیکی و حکمتش چند برابر است، او فضل به ما را با عناوین بی شمار دیگری توصیف می کند: شبان، پادشاه، پزشک، داماد، راه، در، چشمه، نان، تبر و صخره. 83

این عناوین ماهیت او را توصیف نمی کنند، بلکه همانطور که قبلاً گفتم به انرژی های چندگانه او مربوط می شود که به وسیله آنها نیازهای هر یک را با مهربانی خود نسبت به خلق خود برآورده می کند، کسانی که به پناهگاه حاکم او می گریزند، و با صبر و شکیبایی راه های شیطانی خود را اصلاح می کند، او گوسفندان را می خواند و او صدای خود را دوباره می شنود که او را می شنود. آمیختگی برای گوش دادن به آموزه های عجیب 8 او می گوید: «گوسفندان من صدای مرا می شنوند. او پادشاه کسانی است که به راه زندگی بالاتر برخاسته اند و خود را تسلیم حاکم قانونی خود کرده اند. زیرا او مردم را از دروازه تنگ احکامش به سوی انجام اعمال نیک هدایت می‌کند، و آنان را که با ایمان به

---

80 جان. 1:1.

81 فیل. 2:9.

82 Mt. 14:33; 27:54.

83 یوحنا 1:18.

84 من کور. 1:24.

5 Tdem.

87 یوحنا 10:27.

او در حکمت واقعی پناه می گیرد، او در است. بنابراین او می گوید: "اگر کسی از طریق من وارد شود، ... داخل و خارج می شود و چراگاه می یابد." از آنجا که او قلعه ای است قدرتمند برای مؤمنان، سنگری تزلزل ناپذیر و شکست ناپذیر، او را صخره می نامند. با این عناوین، مانند در یا راه، است که عبارت «از طریق که» به بهترین وجه به کار می رود، اما هنگامی که او به عنوان خدا و پسر جلال یافت، با پدر و همراه با آن است تا «به نام عیسی هر زانو در آسمان و زمین و زیر زمین تعظیم کند، و هر زبانی اعتراف کند که عیسی مسیح خداوند خداوند است. بیان کرامت منحصر به فرد خود توسط یکی، و فیض خود را به ما توسط دیگری.

18. هر نوع کمکی از طریق او به روح ما می رسد و برای هر نوع مراقبت، عنوان مناسبی ابداع شده است. هنگامی که روحی بی F عیب به خود می دهد، روحی که مانند باکره پاک، نه خال دارد و نه چین و چروک، داماد می گویند، اما وقتی فردی را که در اثر ضربات شیطانی شیطان فلج می شود، می پذیرد و بار سنگین گناهانش را شفا می دهد، او را پزشک می نامند، زیرا او به ما اهمیت می دهد، آیا این باعث می شود کمتر به فکر ما باشیم؟ یا از قدرت و عشق عظیم ناجیمان به بشر که با صبر و شکیبایی تحمل کرد تا ناتوانی های ما را با ما تحمل کند و ضعف ما را پذیرفت، شگفت زده نخواهیم شد؟ هیچ آسمان، یا زمین، یا اقیانوس‌های بزرگ، یا همه موجوداتی که در آب‌ها و در خشکی زندگی می‌کنند، یا گیاهان، ستارگان، هوا و فصول، یا گستره وسیع کیهان، نمی‌توانند عظمت بی‌نظیر قدرت خداوند را به خوبی که او دارد، نشان دهند. خدای نامتناهی که تغییر ناپذیر می ماند، جسم به خود گرفت و با مرگ جنگید و ما را از رنج و رنج خود رهایی بخشید! حتی زمانی که رسول می فرماید: «در همه این چیزها (مصائب و مصائب) ما به واسطه کسی که

---

88 یوحنا 10:9. B0 11-2:10 .فیل.

ما را دوست داشت" 0 در عبارتی از این نوع، هیچ پیشنهادی برای خدمت پست و فرودست وجود ندارد، بلکه از خیری سخن می گوید که او "به قوت خود" به انجام رسانده است. او خود مرد قوی را به بند کشیده و دارایی های او را غارت کرده است "- یعنی ما که به هر شکلی از شر تحقیر شده بودیم - و ما را در اختیار ارباب خود قرار داده بود تا از هر شری استفاده کند. کار نیک." بنابراین از طریق او به پدر نزدیک می شویم که ما را از سلطه تاریکی منتقل کرده است تا در میراث مقدسین در نور سهیم باشیم. ما نباید فکر کنیم که نجاتی که پسر برای ما به دست آورده است نتیجه خدمت اجباری و تابع یک برده است. از اراده پدر پیروی می کنیم که قدرت پسر را در همه چیزهایی که او انجام داده و به انجام رسانده است، جدا نمی کنیم، به عنوان مثال، هر زمان که خداوند راه نامیده می شود، ما باید به معنایی بالاتر برسیم، و نه به درک عمومی از این کلمه که گام به گام به سوی درستی حرکت می کنیم. روشنایی معرفت، همیشه مشتاق آن چیزی است که در حال فروپاشی است و تا آخرین فرسنگ می کشد، تا به آن غایت مبارک برسیم، معرفت خدا، که خداوند با آن به کسانی که به او ایمان دارند برکت می دهد.

زیرا حقیقتاً پروردگار ما راه خوبی است، جاده ای مستقیم بدون دوشاخه یا تنه های گیج کننده، که ما را مستقیماً به سوی پدر هدایت می کند. او می گوید، هیچ کس نزد پدر نمی آید مگر به وسیله من. * راه ما از طریق پسرش به خدا چنین است.

19. وظیفه بعدی ما بحث در مورد بیت المال برکت است.

---

90 رام 8:37.
B1 Bph. 6:10.
92 Mt. 12:21.
93 پوند لیوان تیم دوم 2:21.
یک CE. کل. 1:12-13.
95 جان. 14:6.

کارهایی که از طرف پدر به وسیله پسر به ما می رسد.
همه طبیعت آفریده شده، خواه مرئی یا روحانی، با عنایت خداوند 8 در کنار هم قرار دارند: او که کلام آفریننده است، خدای یگانه. او به هر موجودی بر حسب نیازش کمک می کند. او نیازهای فردی را اندازه گیری می کند، و سپس انواع مختلفی از موهبت ها را توزیع می کند. او کسانی را که در تاریکی جهل محصور شده اند، روشن می کند. بنابراین او را نور حقیقی می نامند. او هر کس را بر اساس میزان اعمالش داوری می کند، از این رو او را قاضی عادل می نامند. "پدر هیچ کس را داوری نمی کند، بلکه تمام قضاوت را به پسر داده است." او کسانی را که از قیامت افتاده اند از اعماق گناه برمی انگیزد، با لمس نیرومند خود همه چیز را به انجام می رساند. شبانی می کند، روشن می کند، تغذیه می کند، رهبری می کند، شفا می دهد، بالا می برد. همه چیز را از نیستی به هستی می خواند، پس از خلقت چیزها آنها را در هستی نگه می دارد. پس خداوند به ما از طریق نعمت های بزرگ می تواند به ما سرعت می بخشد. نه رعد و برق، نه سرعت نور در هوا، نه یک چشم به هم زدن، یا حرکت افکار ما به سرعت کار پسر نیست.

انرژی الهی در سرعت از همه چیز پیشی می گیرد. سریعتر از پرندگان، باد، یا انقلاب اجسام آسمانی، یا افکار ماست. باعث می شود موجودات زنده تنبل به نظر برسند. او که «جهان را با کلام قدرت خود نگه می دارد؟» به چه گذر زمان نیاز دارد. همانطور که جودیت می گوید، چیزهایی که از پیش تعیین کرده ای، خود را نشان می دهند و می گویند، ما اینجا هستیم! 0s 9 از سوی دیگر، ما نباید آنقدر از عظمت کارهای خداوند خیره شویم که تصور کنیم او منشأ ندارد. خود موجود در این باره چه می گوید؟ "من از طریق آن زندگی می کنم

---

90 جان. 5:22. 97 عبری. 1:3. 98 جود. 9:5-6.

پدر" ° و در مورد قدرت الهی او می گوید که "پسر به میل خود هیچ کاری نمی تواند انجام دهد." 0 از طریق تمام این سخنان او ما را به شناخت پدر راهنمایی می کند. او تعجب ما را نسبت به هر چیزی که ساخته است معطوف می کند تا از طریق او پدر را بشناسیم. پدر جدا یا متمایز از کار پسر نیست. هر چه پسر "پدر را کار می بیند که انجام می دهد ... پسر نیز همین کار را می کند." 10s پدر از هر چیزی که از جلال یگانه سرچشمه می گیرد، از هیبت ما لذت می برد. او هم از پسرش که چنین اعمالی را انجام می دهد و هم از خود اعمال خوشحال می شود و از اینکه به عنوان پدر خداوند ما عیسی مسیح شناخته می شود، "که همه چیز برای او و بوسیله او وجود دارد." 10 خداوند می‌گوید: «مال من از آنِ توست»، 1% گویی که ربوبیت خود را بر خلقت به پدر تسلیم می‌کند، اما او همچنین می‌افزاید: «مال تو از آنِ من است»، 1 تا نشان دهد که فرمان خلقت از سوی پدر به او رسیده است. پسر برای به انجام رساندن کار خود به کمک نیاز نداشت، و همچنین نباید باور کنیم که او برای هر بخش از کار خود فرمان جداگانه ای دریافت کرد. چنین حقارت شدیدی برای جلال الهی او کاملاً ناکافی خواهد بود. بلکه کلام سرشار از فیض پدرش بود. او از جانب پدر می درخشد و همه چیز را طبق نقشه پدر و مادرش به انجام می رساند. او نه در ذاتش متفاوت است و نه از نظر قدرت با پدرش، و اگر قدرت آنها مساوی باشد، اعمالشان یکی است. مسیح قدرت خدا و حکمت خداست." "چیزها از طریق او ساخته شدند" و همه چیز به واسطه او و برای او آفریده شد" نه انگار که او خدمت را انجام می دهد.

---

99 جان. 6:57.
100 جون 5:19.
101 یوحنا 12:49.
103 یوحنا. 5:19.
103 عبری. 2:10.
104 یوحنا. 17:10.
105 Tdem.
18 اول کور. 1:24.
107 یوحنا. 1:3.
106 کل. 1:16.

یک برده، اما در عوض او به طور خلاقانه اراده پدرش را برآورده می کند.

20. هنگامی که او می گوید: "من به اختیار خود صحبت نکرده ام"،
10 و "همانطور که پدر به من گفته است، من نیز چنین می گویم،
110 و "کلامی که می شنوید از آن من نیست، بلکه از آن پدری است
که مرا فرستاده است" 11 و "من همانطور که پدر به من امر کرده
است، انجام می دهم، 112 9 او از زبانی از این قبیل استفاده نمی کند
یا نمی تواند انتظار داشته باشد، زیرا او ممکن است از این زبان
استفاده کند، زیرا او ممکن است در این نوع زبان صبر کند. سیگنال
از پیش تعیین شده او می خواهد روشن کند که اراده او به طور
ناگسستنی با پدر متحد است. ما نباید فکر کنیم که آنچه او «
فرمان» می‌خواند، دستوری است شفاهی که به وسیله آن پدر به
پسرش دستور می‌دهد، همان‌طور که به زیردستان دستور می‌دهد و
به او می‌گوید که چه باید بکند. درعوض، بیایید به تعابیر
شایسته الوهیت فکر کنیم و دریابیم که انتقال اراده وجود دارد،
مانند انعکاس یک شی در آینه، که بدون گذشت زمان از پدر به پسر
می رسد. "پدر پسر را دوست دارد و هر آنچه را که خودش انجام می دهد
به او نشان می دهد." 3 هر چه پدر دارد نیز از آن پسر است. او آن را کم
کم به دست نمی آورد، بلکه آن را به یکباره دارد. در دنیای آدمیان،
وقتی به کارگری فن خود را آموزش داده اند، و تجربه قوی و همچنین
دوره طولانی آموزش داشته باشد، می تواند با استفاده از تکنیک
هایی که آموخته است، برای خود کار را آغاز کند، آیا حکمت خدایی که
تمام خلقت را مد کرد، که تا ابد کامل است، بدون تعلیم، حکیم است،
یا به قدرت خداوند، همه حکمت و دانش است. به منظور تعیین نوع و
وسعت عملیات او دستورات مقطعی داده شده است؟ من با بیهودگی
عقاید شما تصور می کنم که قصد دارید مدرسه ای باز کنید که در آن
پدر را به جای معلم بنشینید.

109 یوحنا. 12:49.
110 جون، 12:50.
111 یوحنا. 14:24.
118 یوحنا. 14:31.
119 یوحنا. 5:20.
114 کل. 2: 3.

و پسر مانند دانش آموزی نادان در برابر او می ایستد و با کمک درسی
که ذره ذره به او داده می شود در خرد و کمال پیشرفت می کند. اگر
پیوسته از این رشته فکری پیروی کنید، پسر را به شاگردی
ابدی تبدیل خواهید کرد که هرگز قادر به پایان تحصیلاتش
نیست، زیرا حکمت پدر بی نهایت است و به پایان نامتناهی هرگز
نمی توان رسید، هر کس نپذیرد که پسر همه چیز را از ابتدا دارد،
باید اعتراف کند که او هرگز به کمال نخواهد رسید. من شرمنده ام
که چقدر افکارم با پیروی از این تصور تا آخرش به پایین کشیده
شده است. اجازه دهید به جنبه های بالاتر بحث خود بازگردیم.

21. کسی که مرا دیده است، پدر را دیده است؛ این بدان معنا
نیست که او تصویر و صورت ذات الهی را دیده است، زیرا ذات الهی
بسیط است و از اجزاء مختلف تشکیل نشده است. خیر اراده جریانی
است در جریان ذات الهی، و بنابراین در نظر گرفته می شود که او در
پدر و من ذلیل شده اند. اطاعت تا حد مرگ» 16 یا «خدا... پسر خود را
دریغ نکرد، بلکه او را به خاطر همه ما داد؟» 17 به این معنی است که
آنچه را که پسر برای مردم انجام میدهد، از طریق پسری که از پدر
دریافت میکند، انجام میدهد. به این کلمات نیز گوش دهید: "مسیح ما
را از نفرین شریعت نجات داد" 18 و "در حالی که هنوز گناهکار بودیم
مسیح برای ما مرد." ۱۹ به سخنان خداوند توجه کنید. (هرگاه او در
مورد پدر به ما دستور می دهد)، 120 او می داند که با استفاده از
شرایط اختیار شخصی، مانند من می خواهم. پاک باش"

121 39

115 یوحنا 14:9. 117 رام. 8:32. 119 رام. 5:8.
116 فیل 2: 8. 118 گال. 3:13.
120 این عبارت بسیار مبهم است و در هیچ مفسری توضیح مناسبی برای آن نیافتم. من آن را داخل پرانتز قرار دادهام زیرا به نظر میرسد ربطی به آنچه قبل یا بعد دارد ندارد.

121 Mt. 8:3.

و «آرام باش! آرام باش!» 120 و اما من به تو می گویم.. 99 123 و ای مشابه، روح کر و لال، من به تو فرمان می دهم،» 124 و دیگر عبارات ما را به شناخت او به عنوان استاد و خالق خود هدایت می کند. این شناخت به ما می‌آموزد که پدر استاد و خالق خود را بشناسیم، و آموزه واقعی از همه طرف حفظ خواهد شد: پدر از طریق پسر خلق می‌کند. این به معنای ناقص بودن آفرینش پدر یا ضعیف بودن انرژی پسر نیست، بلکه وحدت اراده آنها را نشان می دهد، بنابراین بیانی که از طریق او علت اصلی را می پذیرد، اما نمی تواند به عنوان اعتراض علیه علت کارآمد استفاده شود.

## فصل 9. ایده های متمایز در مورد روحی که از تعالیم کتاب مقدس پیروی می کند.

22. اکنون بررسی خواهیم کرد که چه نوع عقایدی در مورد روح مشترک داریم، و همچنین آنهایی را که از کتاب مقدس گردآوری کرده ایم، یا از سنت نانوشته پدران دریافت کرده ایم. اول از همه، چه کسی می تواند به عناوین روح گوش دهد و در روح او بلند نشود؟

افکار چه کسی برای تأمل در طبیعت عالی مطرح نمی شود؟ او را روح خدا، روح حقیقت که از پدر بیرون می‌آید، روح راست، روح مشتاق می‌نامند. اولین و مناسب‌ترین عنوان او روح‌القدس است، نامی که مخصوصاً برای هر چیزی که غیر جسمانی، صرفاً غیر مادی و غیرقابل تقسیم است مناسب است. به همین دلیل است که خداوند به زن سامری که فکر می‌کرد خدا می‌خواست روح را در مکان‌های خاصی نشان دهد، می‌آموزد. یک موجود غیرجسمانی را نمی توان محدود کرد. وقتی کلمه "روح" را می شنویم، تصور چیزی برای ما غیر ممکن است

---

122 مك، 4:39. 138 124 Mt. 5:22 ff. میلیون 9:25. 15 یوحنا، 15:26.

که ماهیت آن قابل محصور است یا در معرض تغییر یا تغییر
است یا به هر نحوی مانند موجودی است. در عوض، ما مجبوریم
افکار خود را به سمت بالا هدایت کنیم، و به موجودی باهوش
بی‌اندیشیم، قدرتی بی حد و مرز، با عظمت نامحدود، سخاوتمند در
نیکی، که زمان نمی تواند او را اندازه گیری کند. همه چیز تشنه
127 قدوسیت به سوی او باز می گردد. هر چیزی که در فضیلت 1
زندگی می‌کند هرگز از او روی برنمی‌گرداند، او آنها را با نفخه
حیات‌بخش خود سیراب می‌کند و کمک می‌کند تا به تحقق
شایسته خود برسند. او همه چیزهای دیگر را کامل می کند، و
خودش چیزی کم ندارد. او به همه چیز حیات می بخشد و هرگز تهی
نمی شود. او با اضافات زیاد نمی شود، بلکه همیشه کامل،
خودساخته و در همه جا حاضر است.
او منبع تقدیس، نور روحانی است که به همه با استفاده از قدرت
خود برای جستجوی حقیقت، روشنایی می بخشد - و نورانی که می
دهد خود اوست. ماهیت او غیرقابل دسترس است. فقط از طریق خیر
او می توانیم به آن نزدیک شویم. او همه چیز را با قدرت خود پر می
کند، اما فقط کسانی که شایسته هستند می توانند در آن سهیم
باشند. او انرژی خود را متناسب با ایمان گیرنده توزیع می کند، نه
اینکه آن را به یک سهم محدود کند. او ساده است. قدرت های او چند
برابر است: آنها کاملاً در همه جا و در همه چیز حضور دارند. او توزیع
می شود اما تغییر نمی کند.

او مشترک است، اما کامل باقی می ماند. تشبیه پرتو خورشید را در
نظر بگیرید: هر کسی که نور مهربانش بر او فرود می‌آید چنان شادمان
می‌شود که گویی خورشید تنها برای او وجود دارد، اما خشکی و دریا را
روشن می‌کند و بر جو مسلط است.
به همین ترتیب، روح به هر کسی که او را می‌پذیرد، به گونه‌ای داده
می‌شود که گویی او تنها دارایی آن شخص است، با این حال او فیض
کافی را برای پر کردن همه چیز می‌فرستد.

---

126 یوحنا، 4:24.

12" باید در نظر داشت که "rò mVEŪua" یک شکل خنثی است و شاید ضمیر "it" مناسب تر باشد.
با این وجود، استفاده از جنسیت بی طرف در انگلیسی روح القدس را بی شخصیت می کند. بنابراین من مرد را تا حدودی خودسرانه انتخاب کرده ام.
خنثی و مذکر هر دو را می توان در کتاب مقدس یافت.

کیهان هر چیزی که از فیض او بهره می‌برد، بر حسب ظرفیتش - ظرفیت طبیعتش، نه قدرت او، از شادی پر می‌شود.

23. روح از طریق یک رویکرد فیزیکی در زندگی کسی جای خود را نمی گیرد. چگونه یک موجود جسمانی می تواند به موجود بی جسم نزدیک شود؟ در عوض، روح زمانی به سراغ ما می آید که خود را از هوس های شیطانی که از طریق دوستی با جسم در روح رخنه کرده است و ما را از رابطه نزدیک با خدا دور می کند، کنار می گذاریم. تنها زمانی که انسان از شرم شرارت خود پاک شده و به زیبایی طبیعی خود بازگشته است و شکل اصلی تصویر سلطنتی در او احیا شده است، ممکن است به Paraclete نزدیک شود. آنگاه مانند خورشید، تصویر نادیدنی را در خود به شما نشان خواهد داد و با چشمانی پاک در این تصویر مبارک زیبایی وصف ناپذیر نمونه اولیه آن را خواهید دید. به وسیله او دلها به دست مي آيد و ناتوانان را به دست مي گيرند و پيشرفت کنندگان به کمال مي رسند. او بر کسانی که از هر نقطه پاک شده‌اند می‌درخشد و از طریق مشارکت با خود انسان‌های روحانی می‌سازد. هنگامی که یک پرتو خورشید بر روی یک ماده شفاف می افتد، خود ماده درخشان می شود و نور را از خود ساطع می کند. بنابراین، روح‌های روح‌دار نیز که توسط او منور می‌شوند، سرانجام خود روحانی می‌شوند و فیض آنها به سوی دیگران فرستاده می‌شود. علم به آینده، درک اسرار، درک چیزهای پنهان، توزیع هدایای شگفت انگیز، شهروندی بهشتی، جایگاهی در گروه همخوانی فرشتگان، شادی بی پایان در حضور خدا، شبیه شدن به خدا، و بالاترین آرزوها، خدا شدن از این طریق است. اینها تنها تعداد کمی از چیزهایی است که در مورد عظمت، کرامت و عملکرد روح القدس به ما آموزش داده شده است و ما آنها را از سخنان خود روح آموخته ایم. اما اکنون ما باید تلاش کنیم تا عقاید نادرست مخالفان خود را که علیه ما هستند، رد کنیم.

## فصل 10. در برابر کسانی که می گویند این درست نیست که روح القدس را در کنار پدر و پسر قرار دهیم.

24. آنها می گویند که شایسته نیست روح القدس را نزد پدر و پسر قرار دهیم، زیرا او از نظر ماهیت متفاوت است و از نظر کرامت با آنها پست تر است. اما شایسته است که به آنها با سخنان رسولان پاسخ دهیم: «ما باید از خدا اطاعت کنیم تا از مردم». 0 وقتی خداوند تعمید رستگاری را برپا کرد، آیا به شاگردان خود به روشنی دستور نداد که همه ملل را «به نام پدر و پسر و روحالقدس» تعمید دهند؟ 0 او از مشارکت خود با روح القدس بیزار نبود، اما این مردان می گویند که ما نباید او را در ردیف پدر و پسر قرار دهیم. آیا آنها آشکارا از دستور خدا بی اعتنایی نمی کنند؟ اگر آنها اعتراف نخواهند کرد که این ترتیب پدر، پسر، و روح به اتحاد و مشارکت آنها گواهی می دهد، بگذارید برای ما توضیح دهند که چرا باید با نظر آنها موافق باشیم. چگونه پدر، پسر و روح می توانند به روشی متفاوت یا مناسب تر متحد شوند؟ اگر واقعاً خداوند از خود، پدر، و روح به عنوان متحد در تعمید سخن نمی گفت، پس اجازه دهید مخالفان ما ما را به خاطر ابداع این آموزه سرزنش کنند. اما هیچ کس آنقدر بی شرم نیست که معنای آشکار کلماتی را که به وضوح می گویند روح با پدر و پسر یکی است را انکار کند. پس اجازه دهید مخالفان ما سکوت کنند. در مورد ما، ما از کلمات کتاب مقدس پیروی خواهیم کرد.

25. تمام سلاح های جنگی علیه ما آماده شده است. هر موشک فکری به سمت ما نشانه رفته است. زبان کفرآمیزان سخت تر از سنگ هایی که مسیح کشان قدیم به سوی استفان پرتاب می کردند، به ما ضربه می زند. آنها پیش از

128 اعمال رسولان 5:29. 139 مت. 28:19.

تمایل دارند که حمله آنها علیه ما باشد، اما آنها نمی توانند پنهان کنند که هدف واقعی آنها بسیار بدتر است. می گویند این محاصره و این دام ها را برای ما آماده کرده اند. آنها قدرت و حیله گری هر یک را فهرست کرده اند و با فریادها علیه ما پیشروی می کنند. اما هدف حمله آنها خود ایمان است. هدف کل گروه از این دشمنان آموزه صحیح این است که ایمان مسیح را تا پایه های آن متزلزل سازند، با یکسان کردن کامل سنت رسولی. آنها برای شواهد مکتوب فریاد می زنند و شهادت نانوشته پدران را به عنوان بی ارزش رد می کنند و خود را بدتر از بدهکارانی نشان می دهند که از پرداخت بدهی خود در حالی که هیچ مدرک کتبی از وام وجود ندارد، خودداری می کنند. اما ما هرگز حقیقت را تسلیم نخواهیم کرد. ما مانند گاوچران به دفاع خیانت نمی کنیم. خداوند یک جزم ضروری و نجات بخش را به ما تحویل داده است: روح القدس باید در رتبه پدر قرار گیرد.

مخالفان ما موافق نیستند. در عوض، روح را از پدر جدا می‌کنند و از او جدا می‌کنند و طبیعت او را به روح خدمتگزار تبدیل می‌کنند. آیا کسی می تواند مناقشه کند که آنها کفرگویی خود را معتبرتر از شریعت خداوند می دانند؟ اما اجازه دهید فعلا این رقابت ها را کنار بگذاریم و سؤالات زیر را بررسی کنیم.

26. چه چیزی ما را مسیحی می کند؟ همه جواب می دادند: «ایمان ما». چگونه نجات یافته ایم؟ بدیهی است که از طریق فیض بازسازی کننده غسل تعمید. ما چطور می توانستیم دیگر باشیم؟ ما در درک خود تأیید شده ایم که نجات از طریق پدر، پسر و روح القدس حاصل می شود. آیا استاندارد آموزشی را که دریافت کرده ایم دور بریزیم؟ این قطعاً زمینه‌ای برای اندوه بزرگ خواهد بود. اگر اکنون آنچه را که در غسل تعمید پذیرفتیم رد کنیم، نسبت به زمانی که برای اولین بار ایمان آوردیم، از رستگاری خود دورتر خواهیم بود. ما با کسی که بدون غسل تعمید مرده است، یا با شکلی غیرقابل قبول غسل تعمید گرفته است، تفاوتی نداریم. زمانی که برای اولین بار وارد کلیسا شدیم، این حرفه را انجام دادیم.

ما از بتها نجات یافتیم و بر زندگان آمدیم

خداوندا، هر کس در همه حال، تا آخر عمر، به این اعتراف که پایه
مطمئن خود است، چنگ نزند، خود را با وعده های خدا بیگانه می کند.
پیشه ایمان آن مرد به خط خودش ثبت شده و بر علیه او شهادت
خواهد داد. اگر غسل تعمید سرآغاز زندگی من و روز تولد من اولین روزها
باشد، بدیهی است که سخنانی که به هنگام دریافت فیض
فرزندخواندگی گفته می شود از هر آنچه که از آن زمان گفته شده
است محترم تر است.

چگونه می توانم گرفتار این استدلال های ظریف شوم و سنتی را
که مرا به سوی نور سوق داده و به من نعمت علم الهی داده است، رها
کنم؟ از طریق این اعتراف، من فرزند خدا شدم، من که برای مدت
طولانی به دلیل گناهانم دشمن او بودم. باشد که با این اعتراف بر
لب از این زندگی به درگاه پروردگار بگذرم. من آنها را ترغیب می کنم
که ایمان را تا روز آمدن مسیح مصون نگه دارند:

آنها نباید روح را از پدر و پسر جدا کنند، بلکه باید تعالی‌می را
که در هنگام غسل تعمید دریافت کردند، در اظهارات ایمانی و دین
شناسی حفظ کنند.

## فصل 11. کسانی که روح را انکار می کنند متجاوز هستند.

27. چه کسی مصیبت دارد؟ چه کسانی آسیب دیده اند؟ چه
کسانی به سوی عذاب، تاریکی، لعنت ابدی می روند؟ متخلفان;
کسانی که ایمان را انکار می کنند. دلیل انکار آنها چیست؟ آنها هنگام
ورود به خاندان خدا آنچه را که اقرار کرده بودند ترک کردند. آنها چه
چیزی را اظهار کردند؟
ایمان به پدر، پسر و روح القدس. آنها این کلمات نجات دهنده را زمانی
به زبان آوردند که از شیطان و فرشتگانش چشم پوشی کردند.
فرزندان نور چگونه می توانند چنین مردانی را توصیف کنند؟ آنها
متجاوز هستند، زیرا عهد نجات را شکسته اند. انکار خدا و انکار مسیح
را چه چیز دیگری جز تجاوز می توان نامید؟ چگونه برای من آرزو می کنی

برچسب زدن به کسانی که روح را انکار می کنند؟ آنها باید به همین ترتیب توصیف شوند، زیرا آنها عهد خود را با خدا شکسته اند. اظهار ایمان به او برکات دین راستین را به دست می آورد، اما لعنت مزد بی خدایی خواهد بود که او را انکار کرده است. ترک پیشه ایمان چیز ترسناکی است و آنها آن را نه به خاطر ترس از آتش، یا شمشیر، یا صلیب، یا شلاق، یا چرخ یا قفسه، بلکه تنها به این دلیل که توسط سفسطه‌های فریبکارانه انکارکنندگان روح (پنوماتوماچوی) به بیراهه کشیده شده‌اند، رها کرده‌اند. به هر کسی که مسیح را اعتراف کند اما پدر را انکار کند، قسم می‌خورم: مسیح هیچ سودی برای او نخواهد داشت. اگر کسی خدا را بخواند، اما پسر را طرد کند، ایمان او خالی است.

اگر کسی روح را رد کند، ایمان او به پدر و پسر بیهوده می شود. باور به پدر و پسر بدون حضور روح غیرممکن است. کسی که روح را رد کند، پسر را طرد می کند و کسی که پسر را طرد می کند، پدر را طرد می کند. هیچ کس نمی تواند بگوید عیسی خداوند است، مگر در روح القدس، 130 و «هیچ کس هرگز خدا را ندیده است. خدای یگانه که در آغوش پدر است، او را شناخته است.» چنین شخصی هیچ نقشی در پرستش حقیقی ندارد.

## فصل 12. در برابر کسانی که معتقدند تعمید به نام خداوند به تنهایی کافی است.

28. گمراه نشوید زیرا رسول هنگام صحبت از تعمید نام پدر و روح القدس را به طور مکرر حذف می کند. به خاطر این تصور نکنید که

180 تی کور. 12:3. 131 یوحنا. 1:18.

ذکر نام آنها حذف شده است. پولس قدیس میگوید: «همه شما که در
مسیح تعمید یافتهاید، مسیح را به تن کردهاید» 1a3 و «... همه ما که
در مسیح عیسی تعمید یافتهایم، در مرگ او تعمید یافتیم». 8 خطاب
به مسیح به این شکل یک اظهار ایمان کامل است، زیرا به وضوح نشان
میدهد که خدا پسر (مسحشده) را با تدبیر روح مسح میکند. ما می
توانیم این را از سخنان پطرس در اعمال رسولان بیاموزیم: "خدا عیسی
ناصری را به روح القدس مسح کرد" 134 یا از اشعیا:

"روح خداوند خداوند بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است." 185
یا از مزامیر: بنابراین، خدا، خدای شما، شما را با روغن شادی بر
همنوعانتان مسح کرده است.» 190 اما کتاب مقدس نیز به وضوح از
تعمید در متن روح به تنهایی صحبت می کند، مثلاً: «زیرا همه ما به
وسیله یک روح در یک بدن تعمید می گیریم.» "او شما را با روح القدس
تعمید خواهد داد." 130 هیچ کس ادعا نمی کند که بر اساس این آیات،
تنها ذکر نام روح، تعمید را کامل و کامل می کند.

سنتی که ما از طریق فیض حیاتبخش دریافت کردهایم باید برای
همیشه تغییر نکند. او که زندگی ما را از فساد نجات داد به ما
قدرت تجدید شدن داد و منبع این قدرت در رازی غیرقابل توصیف
پنهان است. رستگاری بزرگی برای روح ما به ارمغان می آورد، اما
افزودن یا برداشتن چیزی از آن به معنای از دست دادن زندگی ابدی
است.
موقعیت تعمید دهنده ای که روح را از پدر و پسر جدا می کند، در واقع
متزلزل است، زیرا تعمید دریافت شده از بیم بی فایده است. اگر روح را
از پدر و پسر جدا کنیم چگونه می توانیم ایمن باشیم؟

ایمان و غسل تعمید دو وسیلهای هستند که بهطور جدایی ناپذیر با
هم متحد شدهاند. ایمان از طریق تعمید کامل می شود. پایه-

---

132 Gal.3:27.
135 است. 61:1.
138 اعمال رسولان 1: 5.
138 روم، 6:3.
136 ص 45:7.
130 لیوان 3:16.
194 اعمال رسولان 10:38.
137 اول کور. 12:13.

تعمید، ایمان است، و هر دو از طریق یک نام تحقق می یابند. ابتدا به پدر، پسر و روح القدس ایمان داریم. سپس به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می گیریم. اظهار ایمان ما را به رستگاری هدایت میکند، و سپس تعمید به دنبال آن میآید که مهر تأیید ما میشود.

## فصل 13. چرا سنت پل فرشتگان را با پدر و پسر شریک می کند.

29. ممکن است کسی اعتراض کند که موجوداتی که گهگاه در لیست پدر و پسر قرار می گیرند همیشه با آنها تجلیل نمی شوند. به عنوان مثال، پولس قدیس فرشتگان را در مسئولیت خود به تیموتائوس با آنها همراه میکند: *در حضور خدا و مسیح عیسی و فرشتگان برگزیده به شما سفارش میکنم که ما فرشتگان را از مخلوقات جدا نمیکنیم و اجازه نمیدهیم که . . .[140][99] بقیه ] با پدر و پسر شمرده شوند، پس چرا باید روح را به گونهای متفاوت درک کنیم؟ این استدلال به قدری مضحک است که حتی سزاوار پاسخ نیست، اما من چنین پاسخ میدهم: شاید هم غلام کسی (یعنی فرشته) میتوانست به قاضی ملایم و ملایم شهادت دهد - مخصوصاً برای کسی که نسبت به کسانی که در برابر او محاکمه میشوند بسیار منصف است و به آنها نشان میدهد که تصمیمات او غیرقابل انکار صالح است. اما اگر قرار باشد برده ای آزاد شود، و پسر خدا خوانده شود، و از مرگ به زندگی آورده شود، تنها توسط کسی که در طبیعت ما شریک است و آن را از بردگی رهایی می بخشد، محقق می شود. چگونه میتوانیم با کسی که در طبیعت ما شریک نیست به خانواده خدا ملحق شویم؟ کسی که یوغ بنده را به دوش می کشد چگونه می تواند ما را آزاد کند؟ کسی از روح و فرشتگان به گونه ای صحبت نمی کند که گویی آنها برابرند.

---

140 من تیم. 5:21.

روح پروردگار حیات است و فرشتگان یاوران ما و هم خدمتان ما و شاهدان وفادار حقیقت هستند. رسم بر این است که اولیای الهی در حضور شاهدان احکام خدا را ابلاغ می کنند. سنت پل به تیموتائوس می گوید:

... آنچه را که در برابر شاهدان بسیاری از من شنیدی به مردان مومن سپرد.' 141 او از فرشتگان می‌خواهد که با او شهادت دهند، زیرا می‌داند که وقتی خداوند در جلال پدرش بیاید تا جهان را به عدالت داوری کند، فرشتگان حاضر خواهند بود. خداوند می فرماید: "هر که مرا در حضور مردم تصدیق کند، پسر انسان نیز در حضور فرشتگان خدا تصدیق خواهد کرد، اما هر که مرا در حضور مردم انکار کند، در حضور فرشتگان خدا انکار خواهد شد." 148 پولس در جای دیگر می گوید: «هنگامی که خداوند عیسی با فرشتگان قدرتمند خود از آسمان ظاهر شود.» 148 او اکنون در حضور فرشتگان شهادت می دهد تا در روز قیامت برای او شهادت دهند.

30. پولس در این مورد تنها نیست. عموماً تمام کسانی که خدمت کلام به آنها سپرده شده است هرگز از درخواست شاهد دست بر نمی دارند. آنها از آسمان و زمین می خوانند تا برای آنها شهادت دهند، زیرا هر کاری در زمین و آسمان انجام می شود و در آن روز که هر انسانی بر اساس اعمالش داوری می شود، حضور خواهند داشت، به همین دلیل کتاب مقدس می فرماید: به آسمان ها و زمین می خواند تا قوم خود را داوری کند. 44 پس از آنکه موسی شریعت را به مردم اعلام کرد، گفت: «امروز ۷ آسمان و زمین را علیه شما شهادت می‌دهم.»145 و آهنگ خود را این‌گونه آغاز می‌کند: «ای آسمانها گوش کنید تا صحبت کنم. و زمین سخنان دهان من را بشنود.» 140 اشعیا می‌گوید: «ای آسمان بشنو و ای زمین گوش بده.» و ارمیا شرح می‌دهد که چگونه آسمان وحشتناک شد.

147

141 در تیم اول، 2: 2.
142 لیوان 12:8-9.
143 دوم تز. 1:7.
144 ص. 50:4.
145 تثنیه 4:26.
140 تثنیه 32:1.
147 است. 1:2.

وقتی شرح اعمال ناپسند مردم را شنیدند. ای آسمانها از این حیران باش. خداوند میگوید متحیر باشید، کاملاً ویران باشید، زیرا بسیاری از مردم دو شرارت مرتکب شدهاند.» 148 پولس فرشتگان را برای شهادت فرا میخواند، زیرا میداند که آنها به عنوان معلم و نگهبان بر مردان فرمان داده شدهاند. یوشع، پسر نون، حتی سنگی را برای شهادت صدا میزند (تپهای از سنگ برای آزمایش یابن و لاکوبه سنگ آماده). 40 و گفت: «این سنگ علیه ما شاهد خواهد بود، زیرا تمام کارهایی را که خداوند به ما گفته است، شنیده است، مبادا با خدای خود به دروغ رفتار کنید.» 150 شاید او معتقد بود که قدرت خدا سنگ ها را قادر می سازد تا به شهادت بر ضد متخلفان فریاد بزنند یا حداقل وجدان هر انسانی با نیروی یادآوری جریحه دار شود. بنابراین کسانی که مراقبت از ارواح به آنها سپرده شده است، انواع مختلفی از شاهدان را برای شهادت در تاریخ آینده ارائه می کنند. اما روح به طور ارگانیک با خدا متحد می شود، نه به دلیل نیازهای هر لحظه، بلکه از طریق اشتراک در طبیعت الهی. او به خداوند ملحق شده است.

او با تلاش ما نیامده است.

## فصل 14. پاسخ به این اعتراض که برخی در موسی تعمید یافتند و به او ایمان آوردند. همچنین نکاتی در مورد گونه شناسی.

31. برخی می گویند که صرفاً به این دلیل که ما در روح تعمید یافته ایم، دلیل کافی برای رتبه بندی روح نزد خدا نیست. در عهد عتیق، «همه به موسی در ابر و در دریا تعمید یافتند»، 51 علاوه بر این، اظهار ایمان به مردان چیز جدیدی نیست: «آنها

---

148 جر. 2:12-13. 149 رجوع کنید به پیدایش 31:46f. 180 یوسف 24:27. 151 اول کور. 10:2.

به خداوند و به بنده او موسی ایمان آوردند." 153 بنابراین، آنها می پرسند، چرا ما روح القدس را چنان که گویی او بالاتر از خلقت است، بر اساس ایمان و تعمید، تجلیل و تجلیل می کنیم؟ شواهدی وجود دارد که نشان می دهد همین ایمان در انسان ها در روزهای گذشته اقرار شده است. پس چگونه می توانیم به این پاسخ دهیم؟ آنچه در مورد موسی و ابر گفته میشود، مطمئناً متوجه میشوید که فقط به دلیل اینکه چیزهای الهی توسط چیزهای متناهی پیشبینی شدهاند، ما نمیتوانیم نتیجه بگیریم که ماهیت الهی محدود است قرار بود بیاید

153 صخره مسیح
از نظر گونه شناسی، و آب صخره نوعی نیروی حیات بود» 154 کلام بود، زیرا او می گوید: «اگر کسی تشنه است، نزد من بیاید و بنوشد.» B5 مانا نوعی نان زنده بود که از بهشت نازل شد، 5 و مار آویزان بر تیرک 57 نوعی از اشتیاق نجات بود که بر صلیب انجام شد، زیرا زندگی هر کسی که به مار نگاه می کرد حفظ می شد. به طور مشابه، تاریخ خروج اسرائیل برای نشان دادن کسانی که از طریق غسل تعمید نجات خواهند یافت، ثبت شد. نخستزادههای بنیاسرائیل مانند اجساد غسل تعمید یافتگان نجات یافتند: از طریق فیضی که به کسانی که با خون مشخص شده بودند، داده شد. خون بره نوعی از خون مسیح است و اولین زاده نوعی از انسان نخستین است. از آنجایی که انسان اولیه لزوماً در هر یک از ما وجود دارد و تا آخر در میان ما منتقل می شود، می گویند که در آدم همه می میریم، 158 و مرگ سلطنت کرد تا اینکه

152 سابق، 14:31.
158 روم، 5:14.
154 اول کور. 10:4.
155 یوحنا 7:37.
150 جان. 6:41.
157 شماره، 21:8 به بعد.
158 اول کور. 15:22.

تکمیل شریعت و آمدن مسیح. نخستزادگان را خدا از لمس ویرانگر حفظ کرد تا نشان دهد ما که در مسیح زنده شدهایم دیگر در آدم نمیمیریم. در زمان خروج، دریا و ابر مردم را از شگفتی به ایمان سوق دادند، اما آنها همچنین نشان دهنده فیضی بودند که هنوز در راه بود. «هر که عاقل است، این چیزها را بفهمد» 59، چگونه غسل تعمید در دریا که باعث مرگ فرعون شد، شست وشوی را نشان می دهد که ظلم شیطان را از بین می برد.

دریا در امواج خود دشمن را کشت و غسل تعمید دشمنی ما و خدا را از بین می برد. مردم از دریا بیآسیب بیرون آمدند و ما زنده از مردگان از آب بیرون آمدیم و به لطف او که ما را فرا خوانده است نجات یافتیم. ابر سایه ای از عطای روح است، زیرا او شعله های احساسات ما را از طریق هلاکت بدن ما خنک می کند.

32. چه می توان گفت؟ آیا فیض غسل تعمید کاهش یافته است زیرا قبلاً توسط غسل تعمید اسرائیل به موسی پیشبینی شده بود؟ اگر این درست باشد، و اگر با مقایسه آن با نوع آن، به شأن و منزلت هر یک از امتیازات خود لطمه بزنیم، متوجه میشویم که هیچ یک از آنها چیز بهویژه بزرگی نیست. عشق خدا به انسان، اگرچه او پسر یگانه خود را برای گناهان ما داد، هیچ چیز بزرگ یا خارق العاده ای نخواهد بود. بالاخره ابراهیم به تنها پسرش رحم نکرد. چه چیزی در مورد اشتیاق خداوند چنین با شکوه خواهد بود؟

یک قوچ جایگزین مناسبی برای اسحاق بود که قربانی را از قبل ترسیم کرد. چه چیزی در مورد هبوط به جهنم می تواند باشد؟ آیا یونس قبلاً سه روز و سه شب مرگ خود را بیان نکرده بود؟ همین مقایسه در مورد غسل تعمید توسط کسانی که واقعیت را در سایه قضاوت می کنند انجام می شود. آنها آنچه را که نمونهسازی شده با نوع آن مقایسه میکنند، و با استفاده از موسی و دریا تلاش میکنند تا کل دوره انجیل را تضعیف کنند. چی

159 Hos. 14:9.

آمرزش گناهان یا تجدید حیات در دریای سرخ یافت شد؟ چه هدیه روحانی از طریق موسی می آید؟ آیا مرگ گناه در آنجا یافت می شود؟ آن مردان با مسیح نمردند.

پس با او برانگیخته نشدند. آنها تصویر مرد بهشتی را به همراه نداشتند. آنها[160] مرگ عیسی را در بدن خود حمل نمی کردند. 101 آنها مرد قدیم را کنار نگذاشتند یا مرد جدیدی را که بعد از تصویر خالقش تجدید می شود، نپوشیدند. 1% چرا این غسل تعمیدها را با هم مقایسه می کنید؟ تنها وجه اشتراک آنها این واقعیت است که آنها غسل تعمید هستند. تفاوت بین آنها به اندازه تفاوت بین رویا و واقعیت، یا بین سایه ها و چهره های اساسی است.

33. اگر موضع مخالفان خود را اتخاذ کنیم، نه تنها ایمان به موسی نشان می دهد که ایمان به روح ارزش کمی دارد، بلکه اعتراف ما به ایمان به خدای جهان را نیز کاهش می دهد. نوشته شده است که مردم به خداوند و بنده او موسی ایمان آوردند.83 توجه کنید که موسی همراه با خدا ذکر شده است، نه با روح. او یک نوع مسیح بود، نه از روح. تحت خدمت شریعت، او خود میانجی بین خدا و مردم، مسیح عیسی را پیش بینی کرد. او زمانی که میان خدا و مردم میانجیگری کرد، روح را از قبل تجسم نکرد. شریعت را فرشتگان با واسطه، یعنی موسی، به خاطر پیشنهاد مردم مقرر کردند: «شما با ما صحبت کنید و ما خواهیم شنید، اما خدا با ما سخن نگوید، مبادا بمیریم». 186 قرار بود ایمان به موسی موجب ایمان به خداوند شود، واسطه بین خدا و انسانها، که گفت: «اگر به موسی ایمان میآوری، به من ایمان میآوری». 101 آیا ایمان ما به خداوند جزئی است، زیرا موسی آن را پیشانمایش کرده است؟ حتی اگر انسانها در موسی تعمید یافتند، به این معنی نیست که فیض روح داده شده است

---

160 مثال 20:19.
167 یوحنا 5:46.
163 مثال. 14:31.
104 من تیم. 2:5.
165 گال. 3:19.
160 کور. 15:49.
161 | اول کور. 4:10.
162 کولس 3: 9-10.

کوچک است. علاوه بر این، مرسوم است که کتاب مقدس شریعت را در موسی تجسم می کند، همانطور که در این قطعه آمده است: "آنها موسی (یعنی شریعت) و پیامبران را دارند. [i08] بنابراین وقتی می گوید آنها در موسی تعمید یافتند، به این معنی است که آنها در شریعت تعمید یافته اند. نجات دهنده ای که از طریق باززایی، جوانی ما را مانند عقاب تجدید می کند.

مکتب عدالت می کوشد ما را با آموزش دادن درس های ساده و ابتدایی مناسب برای هوش محدود ما به کمال برساند. سپس خداوندی که هر خیری را به ما عنایت می‌کند، با عادت کردن تدریجی چشمان تاریک ما به نور عظیم آن، ما را به حقیقت هدایت می‌کند. در غنای عمیق حکمت او و قضاوت های غیرقابل جستجوی هوش او، او از ضعف ما چشم پوشی می کند، و رفتاری ملایم را تجویز می کند، او می داند که چشمان ما به سایه های کم نور عادت دارند، بنابراین در ابتدا از آنها استفاده می کند. سپس انعکاس خورشید را در آب به ما نشان می دهد تا ما را از کور شدن نور خالص آن در امان نگه دارد. شریعت سایه چیزهای آینده بود و تعالیم انبیا بازتاب حقیقت بود. او آنها را ابداع کرد تا چشم‌های قلب ما را تربیت کنند، تا بتوانیم به آسانی به حکمت پنهان و نهان خدا که خداوند قبل از اعصار برای تجلیل ما مقرر کرده است، گذر کنیم. نمی توان بیش از این در مورد این موضوع درنگ کرد. اگر می‌خواستیم، بحث‌کنندگان مماس چندین برابر بحث اصلی ما حجیم‌تر می‌شدند!

---

170 I Cor. 2:7. 160 عبری. 3:6. 188 یوان 16:29.

# فصل 15. پاسخ به اعتراض که ما در آب تعمید داده شده ایم.
## در مورد غسل تعمید به طور کلی.

34. استدلال مخالفان ما حد و مرزی ندارد.
چگونه می توانم به این یکی پاسخ دهم؟ آنها می گویند که ما در آب تعمید داده شده ایم و مطمئناً آب را بیشتر از بقیه آفرینش ها ارج نمی نهیم، یا سهمی از افتخار پدر و پسر را به آب نخواهیم داد. همانطور که می توان انتظار داشت، این مردان مانند جنگجویان خشمگین بحث می کنند که وقتی مورد آزار قرار می گیرند از هیچ تلاشی برای حمله خود دریغ نمی کنند. آنها اجازه داده اند که شور و شوق آنها استدلال آنها را مبهم کند. اما ما حتی بحث در مورد این سوالات را رد نمی کنیم. اگر از بدکاران عقب نشینی کنیم، چگونه به نادانان بیاموزیم؟ بیایید یک لحظه به عقب برویم و استراتژی خود را آماده کنیم.

35. خدای نجات دهنده ما برنامه ریزی کرد که انسان را از سقوط به یاد آورد. نافرمانی انسان او را از خاندان خدا جدا کرد و خدا خواست که او را بازگرداند، به همین دلیل است که مسیح جسم گرفت و هر آنچه در اناجیل شرح داده شده است را به انجام رساند: مصائب او، صلیب، مقبره، رستاخیز، تا انسان از طریق تقلید از مسیح نجات یابد و حق اولیه خود را دریافت کند. اگر میخواهیم کامل باشیم، نه تنها باید از فروتنی، فروتنی و صبر مسیح تقلید کنیم، بلکه باید مرگ او را نیز تقلید کنیم. پولس مطمئناً مقلد مسیح بود و میگوید که من او و قدرت رستاخیز او را بشناسم و در مصائب او شریک شوم و در مرگش شبیه او شوم تا در صورت امکان به رستاخیز از مردگان دست یابم.» در چگونه میتوانیم در مرگ او شبیه او شویم؟ 1* با دفن شدن با او در غسل تعمید. اول، لازم است

173 روم، 6:4.    172 روم، 6:5.    171 فیل. 3:10-11.

که روش قدیمی لایت خاتمه یابد، و این غیرممکن است، مگر اینکه مردی از نو متولد شود، همانطور که خداوند فرموده است." "باززایی، همانطور که از نام خود نشان می دهد، آغاز زندگی دوم است. قبل از شروع زندگی دوم، باید به زندگی اول پایان داد. هنگامی که یک دونده برای بازگشت به آن سوی مسیر مجبور است در انتهای مسیر مسابقه بدود، باید بایستد و لحظه ای مکث کند تا بتواند در چنین پیچ تند مذاکره کند. بنابراین، همچنین اگر میخواهیم زندگیمان را تغییر دهیم، مرگ باید بین آنچه قبلاً اتفاق افتاده ( پایان دادن به آن) و آنچه تازه شروع شده است باشد. چگونه می توانیم این هبوط به مرگ را انجام دهیم؟ با تقلید از دفن مسیح از طریق تعمید. اجساد کسانی که غسل تعمید می گیرند در آب دفن می شوند. بنابراین غسل تعمید به معنای عقب انداختن اعمال بدن است، همانطور که رسول میگوید: «در او نیز با ختنهای بدون دست ختنه شدید، با بیرون آوردن بدن گوشتی در ختنه مسیح، و در غسل تعمید با او دفن شدید». 175 پلیدی که با کار ذهنی نفسانی بر روح رشد کرده است، شسته می شود. مرا بشویید تا از برف سفیدتر شوم.

176 39

از این جهت ما با یهودیان تفاوت داریم: آنها پس از هر آلودگی خود را می شویند، اما می دانیم که تعمید نجات فقط یک بار دریافت می شود، زیرا او یک بار برای جهان مرد و یک بار از مردگان برخاست، و تعمید تصویر مرگ و رستاخیز اوست، خداوندی که به ما حیات می بخشد، عهد تعمید مرگ را نیز به ما داده است که هم تصویری از زندگی دارد. تصویر مرگ در آب تحقق می یابد و روح به ما عهد زندگی را می دهد. بنابراین واضح است که چرا آب با روح مرتبط است: به دلیل هدف دوگانه غسل تعمید. از یک سو، بدن گناه از بین میرود تا هرگز برای مرگ میوه ندهد، از سوی دیگر، ما بهواسطه روح زندگی میکنیم و در قدوسیت میوه میدهیم. آب بدن ما را به عنوان مقبره دریافت می کند، و بنابراین تبدیل به تصویر مرگ می شود، در حالی که

---

174 اینچ 3:3.

175 کول، 2: 11-12.

176 ص. 51:7.

روح در نیروی حیات بخش می ریزد و جان هایی را که در گناه مرده بودند، زندگی را که ابتدا داشتند، تجدید می کند. معنی تولد دوباره از آب و روح این است: آب مرگ ما را به انجام می رساند، در حالی که روح ما را به زندگی برمی انگیزد. این نشانه بزرگ غسل تعمید در سه استغراق و با سه دعا تحقق می یابد تا تصویر مرگ به طور کامل شکل گیرد و تازه غسل تعمید یافته ها روح خود را با علم الهی روشن کنند.

اگر فیضی در آب باشد، از طبیعت آب نیست، بلکه از حضور روح ناشی می شود، زیرا تعمید پاک کردن کثیفی از بدن نیست، بلکه توسل به خدا برای داشتن وجدان پاک است. "خداوند در انجیل الگوی زندگی را شرح می دهد که ما باید آموزش ببینیم تا پس از رستاخیز (تعمید) از آن پیروی کنیم: ملایمت، استقامت، آزادی برای عشق آلوده به لذت، و از طمع. ما باید مصمم باشیم که در این زندگی تمام ویژگی های زندگی آینده را کسب کنیم. اکنون به بحث خود بازگردیم.

36. از طریق روح القدس بازگرداندن ما به بهشت، عروج ما به ملکوت آسمان، فرزندخواندگی ما به عنوان پسران خدا، آزادی ما برای نامیدن خدا پدر، شریک شدن ما در فیض مسیح، نامیده شدن فرزندان نور، شریک شدن در جلال ابدی، و در یک کلام، میراث ما از این جهان و در کمال رسیدن به جهان است. حتی زمانی که منتظر لذت کامل از چیزهای خوب در انتظارمان هستیم، به وسیله روح القدس می توانیم از طریق ایمان به وعده فیض های آینده شادی کنیم. اگر خود قول اینقدر باشکوه است، تحقق آن چگونه باید باشد؟ ما همچنین قادریم بین فیضی که از روح می آید و غسل تعمید در آب تمایز قائل شویم. جان تعمید داد

---

177 | حیوان خانگی 3:21.

آب برای توبه، اما خداوند ما عیسی مسیح در روح القدس تعمید داد. یوحنا گفت: «شما را برای توبه با آب تعمید می‌دهم، اما کسی که پس از من می‌آید از من نیرومندتر است که من لایق حمل کفش‌هایش نیستم.
او شما را با روح القدس و با آتش تعمید خواهد داد.» او معاینه ما در قیامت را غسل تعمید به آتش می‌نامد، مانند زمانی که رسول می‌فرماید: «عمل هر یک از مردم آشکار می‌شود، زیرا روز آن را آشکار می‌کند، زیرا با آتش آشکار می‌شود و آتش نشان می‌دهد که هر کدام چه نوع کاری انجام داده‌اند». قبل از زمان ما عده ای بودند که برای ایمان واقعی جنگیدند و به خاطر مسیح جان دادند، نه تنها به صورت نمادین، بلکه در حقیقت. آنها برای نجات یافتن نیازی به نشانه ظاهری آب نداشتند، زیرا در خون خود تعمید یافته بودند. من این را ذکر نمی‌کنم، زیرا می‌خواهم تعمید با آب را کوچک جلوه دهم، بلکه می‌خواهم استدلال‌های کسانی را که خود را در برابر روح قرار می‌دهند، برهم بزنم، چیزهایی را که متمایز هستند، گیج کنند، و چیزهایی را با هم مقایسه کنند که هیچ مقایسه‌ای را نمی‌پذیرند.

فصل 16. روح القدس نمی تواند باشد

به هر نحوی از پدر و پسر جدا شده است، خواه در ایجاد اشیاء محسوس، نظم بخشیدن به امور انسانی، یا داوری آینده.

37. اجازه دهید به نکته ای که ابتدا مطرح کردیم بازگردیم: اینکه در همه چیز روح القدس به طور تفکیک ناپذیر و جدایی ناپذیر به پدر و پسر ملحق می شود. پولس قدیس در مورد عطای زبانها به قرنتیان چنین می نویسد: «اما اگر همه نبوت کنند و کافر یا بیگانه داخل شود،

178 Mt. 3:11.

179 اول کور، 3:13.

از سوی همه محکوم می شود، همه او را به حساب می آورند، اسرار قلبش فاش می شود. و به این ترتیب در حالی که به روی خود می افتد، خدا را عبادت می کند و اعلام می کند که خدا واقعاً در میان شماست. 100 اگر خدا در میان انبیا حضور دارد زیرا نبوت آنها هدیه روح است، اجازه دهید مخالفان ما تعیین کنند که چه جایگاهی را برای روح القدس قائل خواهند شد. آیا او را در ردیف خدا قرار می دهند یا او را به جایگاه مخلوق می اندازند؟ پطرس به سافیرا گفت: " چگونه روح خداوند را با هم موافقت کردی؟ شما به مردم دروغ نگفتید، بلکه به خدا،" 1* و این نشان می دهد که گناه کردن در برابر روح القدس، گناه کردن در برابر خدا است. از اینجا بفهمید که در هر عملیاتی، روح القدس به طور تفکیک ناپذیری با پدر و پسر متحد می شود. خدا به طرق مختلف عمل می کند، و خداوند در ظرفیت های مختلف خدمت می کند، اما روح القدس نیز به میل خود حاضر است، هرکسی می گوید که ارزشش را دارد. «اکنون هدایای گوناگونی وجود دارد، اما همان روح. و انواع خدمات وجود دارد، اما همان خداوند. و انواع مختلف کار وجود دارد، اما این همان خداست که همه آنها را در هر یک الهام می کند. 183 همچنین می‌گوید: «همه اینها از روح واحدی الهام می‌شود که هر کدام را به طور جداگانه به میل خود تقسیم می‌کند». 188 فقط به این دلیل که رسول در قسمت فوق ابتدا روح را ذکر می کند، و دوم پسر را، و سوم خدای پدر را، فرض نکنید که او مرتبه آنها را تغییر داده است. توجه داشته باشید که او به همان روشی که ما هنگام دریافت هدایا صحبت می کنیم صحبت می کند: ابتدا از رسولی که هدیه را آورده تشکر می کنیم. سپس به یاد کسی می‌افتیم که آن را فرستاد، و سرانجام افکارمان را به چشمه و سرچشمه همه هدایا می‌رسانیم.

38. ارتباط روح با پدر و پسر را می توان با در نظر گرفتن خلقت درک کرد.

---

180 I Cor. 14:24-2.5.
181 اعمال رسولان 5:9،4.
182 اول کور. 12:4-6.
183 اول کور. 12:11.

فرشتگان قوای پاک، روحانی و متعالی را مقدس می نامند، زیرا از فیض روح القدس تقدس یافته اند. مورخ برای ما فقط آفرینش چیزهای مشهود را توصیف کرده و در سکوت از آفرینش میزبانان بی جسم می گذرد. اما از چیزهای مرئی می‌توانیم قیاس‌هایی از چیزهای نادیدنی بسازیم، و بنابراین، آفریدگاری را که همه چیز در آسمان و روی کارت، مرئی و نامرئی در او آفریده شده، تسبیح می‌نماییم، خواه تاج و تخت یا سلطنت، چه حکومت‌ها یا حکومت‌ها، و یا هر طبیعت معقول دیگری که نامش را نمی‌دانیم. هنگامی که خلقت را در نظر می گیرید، به شما توصیه می کنم که ابتدا به او فکر کنید که علت اول هر چیزی است که وجود دارد: یعنی پدر، و سپس به پسر، که[184] خالق است، و سپس روح القدس، کامل کننده. بنابراین ارواح خدمتگزار به اراده پدر وجود دارند، با کار پسر به وجود می آیند و با حضور روح کامل می شوند، زیرا فرشتگان با استقامت در تقدس کامل می شوند. و هیچ کس مرا متهم نکند که می گویم سه شخص بی اصل وجود دارد، یا کار پسر ناقص است. مبدع همه چیز یکی است: او از طریق پسر می آفریند و به وسیله روح کامل می شود. کار پدر به هیچ وجه ناقص نیست، زیرا او همه چیز را در همه انجام می دهد، و همچنین کار پسر نیز اگر توسط روح تکمیل نشود ناقص است. پدر تنها از طریق اراده خود می آفریند و به پسر نیازی ندارد، اما انتخاب می کند که از طریق پسر کار کند. به همین ترتیب، پسر مانند پدر عمل می کند و نیازی به همکاری دیگری ندارد، اما او انتخاب می کند که کار خود را از طریق روح تکمیل کند. "به کلام خداوند آسمانها و تمامی لشکریان آنها به روح دهان او ساخته شد." 185 کلام صرفاً هوایی نیست که توسط اندام‌های گفتار به حرکت در می‌آید و روح دهان او بازدم ریه‌ها نیست، بلکه کلمه کسی است که در آغاز با خدا بود و خدا بود8 و روح دهان خدا.

---

188 جان. 1:21.

14 کل. 1:16 .1. 185 ص. 32:6، (LXX).

روح حقیقت است که از پدر سرچشمه می گیرد.» این سه را درک کنید: خداوندی که فرمان می دهد، کلمه ای که می آفریند، و روحی که تقویت می کند. این چه نوع تقویتی است؟ کمال در قدوسیت، که خود را در تعهدی تسلیم ناپذیر و تغییر ناپذیر به خوبی بیان می کند. چنین قدوسیتی بدون روح غیرممکن است.

قوای فرشتگان ذاتاً مقدس نیستند.

در غیر این صورت هیچ تفاوتی بین آنها و روح القدس وجود نخواهد داشت. بلکه به نسبت برتری خود توسط روح القدس تقدیس می شوند. هنگامی که یک اتوی مارک دار را در نظر می گیریم، بلافاصله به یاد می آوریم که برای گرم کردن آن آتش لازم است، اما ادعا نمی کنیم که آهن و آتش یک ماده هستند. فرشتگان نیز مورد مشابهی هستند. آنها اساساً ارواح هوایی هستند که از آتش غیر مادی تشکیل شده اند، همانطور که نوشته شده است: "او فرشتگان خود را ارواح و خادمان خود را آتشی شعله ور می سازد." 188 آنها در فضا وجود دارند و هنگامی که توسط افراد شایسته دیده می شوند، شکل فیزیکی مناسبی به خود می گیرند. قدوسیت جزء ذات آنها نیست؛ از طریق ارتباط با روح در آنها انجام می شود. آنها رتبه خود را با استقامت در نیکی حفظ می کنند و آزادانه انتخاب می کنند که هرگز از خدمت به او که ذاتاً نیکو است دست نکشند. اگر قبول کنیم که روح تابع است، گروه های کر فرشتگان نابود می شوند، صفوف فرشتگان ملغی می شوند، و همه چیز در سردرگمی فرو می رود، زیرا زندگی آنها تمام قانون، نظم یا مرزها را از دست می دهد. فرشتگان چگونه می‌توانند فریاد بزنند: «جلال خدا در بالاترین،» 180 مگر اینکه روح آنها را قادر به انجام این کار کند؟ "هیچ کس که به روح خدا صحبت می کند هرگز نمی گوید عیسی ملعون باد!" و هیچ کس نمی تواند بگوید عیسی خداوند است، مگر به وسیله روح القدس." 0 ارواح شیطانی و متخاصم ممکن است چیزی به عنوان " عیسی ملعون باد" بگویند، و وجود ارواح سقوط کرده این گفته ما را ثابت می کند که فرشتگان دارای اراده آزاد هستند. آنها در انتخاب خوب آزادند.

---

187 جان. 15:26.
188 ص. 103:4، (LXX).
189 لیوان 2:14.
190 کور. 12:3.

یا بد، و به همین دلیل آنها به کمک روح نیاز دارند.
حتی جبرئیل نمی‌توانست رویدادهای آینده را اعلام کند، مگر اینکه روح به او آگاهی قبلی بدهد - زیرا یکی از هدایایی که توسط روح توزیع می‌شود، نبوت است. فرشته ای که رؤیای اسرارآمیز دانیال، مرد امیال، را تفسیر کرد، از کجا حکمتی به دست آورد که او را قادر می ساخت تا چیزهای پنهان را تعلیم دهد، اگر از روح القدس نیست؟ این وظیفه منحصر به فرد روح است که اسرار را آشکار کند، همانطور که نوشته شده است: "خدا (آنها) را از طریق روح برای ما آشکار کرده است." 90 چگونه می توان زندگی پر برکت تاج و تخت، سلطه، حکومت، یا قدرت را توضیح داد، 4 اگر این ارواح چنین کنند. [191]
آیا چهره پدری را که در آسمان است نمی بینید؟ 05 کسی نمی تواند پدر را بدون روح ببیند! این مانند زندگی در یک خانه در شب است که لامپ ها خاموش می شوند. چشمان فرد تاریک می شود و نمی تواند عملکرد خود را انجام دهد. کسی که نمی تواند ارزش اشیاء را تشخیص دهد، به خوبی می تواند با طلا به گونه ای برخورد کند که گویی آهن است.
در عالم روحانی هم همینطور است; حفظ یک زندگی مقدس بدون روح غیرممکن است. برای ارتشی آسانتر است که بدون ژنرال به مانورهای خود ادامه دهد، یا برای یک گروه کر بدون مدیرش، روی کلید بخواند.
چگونه سرافیم می تواند "قدوس، مقدس، مقدس" را بخواند، بدون اینکه روح به آنها بیاموزد که دائماً صدای خود را در ستایش بلند کنند؟ اگر همه فرشتگان خدا او و همه میزبان او را ستایش کنند، این کار را با همکاری با روح انجام می دهند. آیا هزار هزار فرشته به او خدمت می کنند؟ آیا ده هزار برابر ده هزار در برابر او می ایستند؟ آنها کار مناسب خود را با قدرت روح انجام می دهند. تمام هماهنگی وصف ناپذیر قلمروی هک، خواه ستایش خدا باشد یا توافق متقابل قوای بی جسم، بدون اقتدار روح غیرممکن خواهد بود. بنابراین روح القدس در میان موجودات آفریده شده حضور دارد که به تدریج کامل نمی شوند، بلکه بلافاصله کامل می شوند

---

185 رجوع کنید به کوه 18:10.
193 I Cor. 2:10.
191 لوقا، 1:11، 26f.
195 Ts. 6:3.
14 کل. 1:16.
192 دان. 9:22 بعد، 10: 10 بعد.

از لحظه ایجاد آنها. او فیض خود را به آنها عطا می‌کند تا طبیعتشان در کمال حفظ شود.

39. اما وقتی از طرح نجات انسانها صحبت می کنیم، که در نیکی خدا توسط خدای بزرگ و نجات دهنده ما عیسی مسیح انجام شد، چه کسی انکار می کند که همه اینها از طریق فیض روح ممکن شده است؟ چه بخواهید عهد عتیق را بررسی کنید – برکات پدرسالاران، کمک های داده شده از طریق شریعت، انواع، نبوت ها، پیروزی ها در نبرد، معجزاتی که از طریق مردان عادل انجام شده است یا هر آنچه از زمان آمدن خداوند در جسم رخ داده است، همه از طریق روح منتقل می شود. در وهله اول، خداوند با روح القدس مسح شد، که از این پس به طور جدایی ناپذیری با بدن خود متحد خواهد شد، همانطور که نوشته شده است: "آن که می بینید روح بر او نازل می شود و باقی می ماند، این اوست که... پسر محبوب من است" 197 و " خدا عیسی ناصری را به روح القدس مسح کرد." i00 پس از غسل تعمید او، روح القدس در هر عملی که انجام می داد حضور داشت، او در آنجا بود که خداوند توسط شیطان وسوسه شد: "عیسی توسط روح به بیابان هدایت شد تا وسوسه شود." 190 هنگامی که عیسی معجزه کرد روح با عیسی متحد شد: *اما اگر به وسیله روح خدا باشد که من دیوها را بیرون می کنم 200 و روح او را پس از رستاخیز از مردگان ترک نکرد. وقتی خداوند بشر را با دمیدن در چهره رسولان خود تجدید کرد (بدین ترتیب فیض را که آدم از دست داده بود و خداوند در ابتدا در او دمید) بازگرداند، چه گفت؟ «روح القدس را بپذیرید، اگر گناهان کسی را ببخشید، آمرزیده می شود و اگر گناهان دیگری را حفظ کنید، باقی می ماند». 201 آیا بدون تردید روشن نیست که کلیسا توسط روح القدس تنظیم شده است؟ " خداوند ap-

197 جان. 1:33، متی 3:17.
198 اعمال رسولان 10:30.
199 متری 4:1.
a00 Mt. 12:28.
201 جان. 20:22-23.

در کلیسا ابتدا به رسولان، دوم پیامبران، سوم معلمان، سپس معجزه‌گران، سپس شفا دهندگان، یاوران، مدیران، سخنوران به زبان‌های مختلف اشاره کرد.» این نظم بر اساس هدای‌ای مختلف توزیع شده توسط روح برقرار می‌شود. 202 99

40. هر انسان باهوشی می‌داند که کار روح‌القدس متوقف نخواهد شد، همانطور که برخی تصور می‌کنند، زمانی که خداوند مدت‌ها منتظر بازگشت خود از بهشت باشد. برعکس، روح القدس در روز ظهورش با او حضور خواهد داشت، زمانی که جهان را به عنوان تنها حاکم آن به عدالت قضاوت خواهد کرد. چه کسی از چیزهای نیکویی که خدا برای شایستگان مهیا کرده است بی خبر است که تاج عادل را دقیقاً فیض روح نمی داند؟ در آن روز جلال روحانی به وفور توزیع می‌شود، زیرا به هر یک سهمی متناسب با راستگویی خود می‌رسد.

در خانه پدری عمارت های فراوانی وجود دارد، 03، یعنی برخی از مقدسین درخشندگی و کرامت بیشتری نسبت به دیگران دارند:
. ستاره در شکوه با ستاره متفاوت است. رستاخیز . . .“
مردگان نیز همین‌طور است.» 24 کسانی که برای روز رستگاری توسط روح‌القدس مُهر شده‌اند، و ثمرات روح را که دریافت کرده‌اند، خالص و بی‌حوصله حفظ کرده‌اند، این کلمات را خواهند شنید: «آفرین، خدمتگزار خوب و امین. بر اندکی وفادار بوده‌ای، تو را بر بسیاری برگزیده‌ام.» 205 همچنین، کسانی که روح‌القدس را به شیوه‌های شیطانی خود اندوهگین کرده‌اند، یا استعدادهایی را که به آنها داده ] شده است، افزایش نداده‌اند، از آنچه دریافت کرده‌اند محروم می‌شوند و سهم فیض آنها به دیگران داده می‌شود، یا همانطور که یکی از اناجیل می‌گوید، به‌طور کامل بریده می‌شوند. روح برای همیشه به این معنی نیست که بدن تقسیم می شود: یک قسمت به مجازات سپرده می شود

---

202 تی کور. 12:28.
203 تن. 14:2.
204 I Cor. 15:41-42.
205 Mt. 25:21.
a06 Mt. 25:51.

بخشی بخشیده شد تمام بدن مرتکب گناه شده است و قضاوت عادلانه خداوند مانند افسانه های قدیمی نیست که فقط بخشی از بدن مجازات می شود، و همچنین نمی توان روح را به دو نیم کرد، زیرا تصمیمات گناه آلود روح را کاملاً تسخیر می کند و شر را با همکاری بدن انجام می دهد. همانطور که گفتم: قطعه قطعه کردن جدایی ابدی روح از روح است. در حال حاضر، قبل از فرارسیدن روز I داوری، با وجود اینکه روح نمی تواند در درون کسانی که شایسته نیستند ساکن شود، با این وجود به طور محدود با کسانی که تعمید یافته اند حضور دارد، به این امید که تبدیل آنها به نجات منجر شود. اما در روز قیامت از روحی که فیض او را آلوده کرده است به کلی منقطع خواهد شد. به همین دلیل است که کتاب مقدس می گوید که در جهنم هیچ کس به خدا اعتراف نمی کند و در مرگ هیچ کس نمی تواند او را به یاد آورد.» زیرا کمک روح دیگر وجود ندارد.

کتاب مقدس می گوید که او خود پاداش نیکوکاران است، در آن روزی که وفای به جای وعده داده می شود و گناهکاران از آنچه که ظاهراً داشتند محروم می شوند. اما بزرگترین دلیل بر اینکه روح با پدر و پسر یکی است این است که گفته میشود او همان رابطهای با خدا دارد که روح درون ما با ما دارد: «زیرا چه کسی افکار انسان را میشناسد جز روح انسانی که در اوست؟ همچنین هیچ کس جز روح خدا افکار خدا را درک نمی کند.% در این مورد به اندازه کافی گفتم.

---

s07 Ps, 6:6, (LXX). 208 اول کور، 2:11.

## فصل 17. در برابر کسانی که می گویند روح القدس نباید با پدر و پسر شمرده شود، بلکه باید زیر نظر آنها باشد. خلاصه ای از روش صحیح شماره گذاری آنها با هم.

41. درک منظور مخالفان ما از اصطلاح زیرشماری به هیچ وجه آسان نیست. همه می دانند که ما این کلمه را از زبان حکمت دنیوی وام گرفته ایم، اما حالا باید بررسی کنیم که آیا در این بحث جای دارد یا نه؟ می‌توانیم از متخصصان دستور زبان بیاموزیم که برخی از اسم‌ها رایج هستند، برای توصیف تعداد زیادی از چیزها استفاده می‌شوند، در حالی که برخی دیگر خاص‌تر هستند، و نیروی برخی دیگر برای یک شخص یا چیز مناسب است. به عنوان مثال، ذات یک اسم مشترک است; می توان از آن برای توصیف همه چیز، چه جاندار و چه بی جان استفاده کرد. زندگی مشخص تر است. موضوعات کمتری را نسبت به ذات توصیف می کند، اما از آنجایی که شامل زندگی عقلانی و غیرعقلانی می شود، اسامی خاص بسیار بیشتری وجود دارد: انسان از زندگی خاص تر است و انسان از انسان خاص تر است، در حالی که نام های فردی پیتر، یعقوب و یوحنا از همه خاص تر هستند. آیا تبعیت را تقسیم کل به اجزای کوچکتر تعریف می کنند؟ من نمی توانم باور کنم که آنها تا این حد دیوانه شده اند و با خدای همه مانند چیزی رفتار می کنند که فقط توسط ذهن انسان قابل درک است و وجود شخصی واقعی ندارند. آنها او را به قطعات فرعی خرد می کنند و این فرآیند را شماره فرعی می نامند! حتی دیوانه های دیوانه هم نمی توانند چنین تصوری را مطرح کنند:

علیرغم کفر، دقیقاً برعکس استدلال اصلی خود را تأیید می کنند! تکه‌های یک کل نمی‌توانند از اشتراک ماهیت کل فرار کنند. این به قدری آشکارا مضحک است که من از پاسخ دادن به چنین چرندیاتی غافل هستم. چنین ژرفای حماقت از آنها در امان خواهد بود

حمله بیشتر مانند استفاده از شمشیر برای بریدن کره است! چرا باید انرژی خود را برای مبارزه با چنین پوچی تمام کنم؟ تنها کاری که می خواهم بکنم این است که در سکوت از کنار چنین کفرگویی بگذرم. اما من برادران را دوست دارم، و سرسختی مخالفان ما حد و مرزی نمی شناسد - پس چگونه می توانم سکوت کنم؟

42. بنگر که چه می گویند; آیا تا به حال چنین گستاخی دیده اید؟ "ما معتقدیم که موضوعات مساوی با هم شماره گذاری می شوند، اما موضوعات فرعی باید رتبه پایین تری داشته باشند." چرا این را می گویید؟ من نمی توانم حکمت فوق العاده شما را درک کنم. منظورتان این است که طلا در رأس لیست قرار می گیرد، اما چون سرب ارزان تر است، باید آن را پایین تر قرار دهید؟ آیا رتبه عددی چنین عامل قدرتمندی است؟ آیا می تواند به سرب ارزش طلا بدهد یا طلا را ارزان کند؟ در این صورت، ما باید طلا را در زیر سنگ های قیمتی قرار دهیم و مطمئن شویم که سنگ های کوچکتر یا کسل تر از سنگ های بزرگتر یا درخشان تر، اعداد کمتری دریافت می کنند. این مردان وقت خود را صرف هیچ چیز نمی‌کنند مگر اینکه چیز جدیدی را بگویند یا بشنوند.» 809 چه انتظار دیگری می‌توان از آنها داشت؟

بگذارید به این قهرمانان بی تقوا اعداد اختصاص داده شود - همان فیلسوفان اپیکوری و رواقی! چگونه می توان با نامگذاری اشیا به ترتیب مختلف درجات بالاتر و پایین تر ارزش را بیان کرد؟ اگر یک سکه مسی و یک سکه طلا دارید، کدام شماره یک و کدام شماره دو است؟ آنها پاسخ می دهند: "ما ادعا نمی کنیم که دو سکه یکسان داریم، بلکه یکی از یک نوع و یکی از نوع دیگر است." اما به چه ترتیبی آنها را نام می برید؟ هر کدام در یک زمان ذکر شده است. اگر آنها را جدا نگه دارید، اما به هر کدام یک عدد اختصاص دهید، ارزش آنها را برابر می کنید. از طرف دیگر، اگر آنها را ترکیب کنید، باید در اصل یکی باشند، زیرا آنها را در یک دسته قرار می دهید. و در مورد جمع کردن آنها با هم چطور؟ فرض کنید شخصی که حساب را انجام می دهد سکه مسی را برای اولین رقم خود انتخاب می کند؟

---

200 اعمال رسولان 17:21.

آی‌ا ای‌ن بدان معناست که رقم بعدی بای‌د کوچکتر باشد؟ من از رد جهل آنها خسته شده ام. باز هم بای‌د به موضوع برگردی‌م.

43. آی‌ا شما ادعا می کنی‌د که پسر زی‌ر نظر پدر و روح زی‌ر نظر پسر شمرده شده است ی‌ا فقط تابعی‌ت خود را به روح محدود می کنی‌د؟ از ی‌ک سو، اگر پسر را تابع می‌دانی‌د، همان بی‌رحمی قدی‌می را احی‌ا می‌کنی‌د: ای‌ن که ذات آنها ی‌کی نی‌ست، ی‌کی از کرامت کمتری نسبت به دی‌گری برخوردار است، که پسر آغازی داشته است، و با به کار بردن آن کلمه دوباره همه کفرگوی‌ی‌ها را علی‌ه ی‌گانه‌زاده برانگی‌خته‌ای‌د، من دی‌گر ای‌ن خطا را ندارم. من ای‌ن کار را در جای دی‌گری انجام داده ام و نی‌ازی به تکرار آن نی‌ست. از سوی دی‌گر، اگر انقی‌اد را فقط به روح محدود کنی‌د، بای‌د ی‌ک بار برای همی‌شه ی‌اد بگی‌ری‌د که خداوند دقی‌قاً به همی‌ن صورت از روح و پدر صحبت می کند: "به نام پدر و پسر و روح القدس." 0 کلمات غسل تعمی‌د ی‌کسان است، و آنها اعلام می کنند که رابطه روح با پسر برابر است با پسر و پدر.

اگر روح با پسر و پسر با پدر در رده بندی قرار می گی‌رند، پس روح نی‌ز آشکارا در رتبه پدر قرار می گی‌رد. نام آنها در ی‌ک مجموعه ذکر شده است. چگونه می توان از شماره گذاری با ی‌ا زی‌ر صحبت کرد؟ آی‌ا رتبه بندی عددی ماهی‌ت هر چی‌زی را تغی‌ی‌ر می دهد؟ ما از اعداد برای کمک به تشخی‌ص چی‌زهای مختلف استفاده می کنی‌م، اما چی‌زهای‌ی که شمارش می کنی‌م از نظر ماهی‌ت و منشأ همان چی‌زی هستند که هستند، برخی از چی‌زهای مادی را می شماری‌م، برخی را اندازه می گی‌ری‌م و برخی دی‌گر را وزن می کنی‌م. چی‌زهای ی‌کسانی که ما اندازه گی‌ری می کنی‌م.
چی‌زهای غی‌رمشابه را می شماری‌م (مگر ای‌نکه عدم تشابه آنقدر خوب باشد که بای‌د اندازه گی‌ری شود). وقتی فلس می افتد، اجسام سنگی‌ن از سبک متمای‌ز می شوند. ای‌نها ابزارهای مناسبی برای تعی‌ی‌ن انواع مختلف کمی‌ت هستند، اما هی‌چ مقدار وزن، اندازه گی‌ری ی‌ا شمارش نمی تواند

---

S10 Mt. 28:19.

تغییر ماهیت یک چیز ما می‌توانیم طلا یا قلع را وزن کنیم، اما ادعا نمی‌کنیم که ماهیت یکی بر اساس وزن تابع دیگری است و همین امر در مورد اندازه‌گیری نیز صادق است. بنابراین ما از اعداد به عنوان ابزار عملی استفاده می کنیم و ادعا نمی کنیم که ماهیت یک چیز را می توان با بالاتر یا پایین تر بیان کرد! اگر چنین اصل تبعیت با نظم خلق شده بیگانه است، چگونه کسی جرات می کند بگوید روح تابع است؟ صحبت از جوهرهای پست، درجات درجه یا تبعیت که با اعداد بیان می شود، چیزی جز سفسطه یونانی نیست.

## فصل 18. چگونه اعتقاد به سه شخص از آموزه واقعی وحدت الهی حمایت می کند. در برابر کسانی که روح را مطیع می کنند.

44. وقتی خداوند تعالیم پدر، پسر و روح القدس را به ما آموخت، حساب را جزئی از این هدیه قرار نداد! نگفت: «در اول و دوم و سوم» یا « در یک و دو و سه». او دانشی را که از طریق ایمان به ما داده شده بود، به وسیله نام های مقدس به ما برکت داد. ما از طریق ایمان نجات یافته ایم. اعداد به عنوان نمادهای کمیت اختراع شده اند. این مردان از طریق هر منبع ممکن، خود را خراب می کنند. آنها حتی توانایی انسان برای شمارش را در مقابل ایمان قرار داده اند! اعداد نمی توانند ماهیت هیچ چیز را تغییر دهند، با این حال این مردان به حساب بیشتر از طبیعت الهی احترام می گذارند، مبادا به پارکلیت بیشتر از آنچه که باید احترام بگذارند! اما داناترین آقایان، شخص غیرقابل دسترس فراتر از اعداد است. از احترامی که عبرانیان قدیم نسبت به نام غیرقابل بیان خدا داشتند، تقلید کنید. اگر باید بشمارید، اما حقیقت را بدگویی نکنید.

یا کسی را که با سکوتت قابل توصیف نیست گرامی بدار، یا مقدسات را بر اساس دین واقعی بشمار.

یک خدا و یک پدر، یک پسر یگانه و یک روح القدس وجود دارد. ما هر
شخص را منحصربه‌فرد می‌دانیم، و اگر مجبور باشیم از اعداد
استفاده کنیم، اجازه نخواهیم داد که یک حساب احمقانه ما را به
ایده خدایان بسیار گمراه کند.

45. اگر بشماریم، اضافه نمی کنیم و از یک به تعداد زیاد می شود. نمی گوییم «یک، دو، سه» یا «اول، دوم و سوم». خداوند می فرماید: من اول هستم و من آخرین هستم. 211 ما تا به امروز هرگز در مورد خدای دوم نشنیده ایم. ما خدا را از جانب خدا می پرستیم و به منحصر به فرد بودن افراد اعتراف می کنیم و در عین حال وحدت سلطنت را حفظ می کنیم. ما علم الهی را تقسیم نمی کنیم و تکه ها را به بادها پراکنده نمی کنیم. ما یک شکل (به اصطلاح) را می بینیم که با تغییر ناپذیری الوهیت متحد شده است، که در خدای پدر و خدای یگانه وجود دارد.

پسر در پدر است و پدر در پسر. همان چیزی که پدر است، پسر نیز همینطور است و بالعکس - وحدت چنین است. به عنوان افراد منحصر به فرد، آنها یک و یک هستند. از آنجایی که ماهیت مشترکی دارند، هر دو یکی هستند. چگونه یک و یک برابر با دو خدا نیستند؟ زیرا ما از امپراتور و تصویر امپراتور صحبت می کنیم -- اما نه دو امپراتور.

نه قدرت تقسیم می شود و نه شکوه جدا می شود. یکی سلطه و اختیار بر ماست; ما برای خدا جلال نمی فرستیم، بلکه جلال را می فرستیم. افتخار داده شده به تصویر به نمونه اولیه منتقل می شود. تصویر امپراتور یک تصویر تقلید است، اما پسر یک تصویر طبیعی است. در آثار هنری تشبیه وابسته به صورت اصلی آن است و چون ذات الهی از اجزاء تشکیل نشده است، اتحاد افراد با اشتراک در کل حاصل می شود. روح القدس یکی است و ما او را منحصر به فرد می دانیم، زیرا از طریق پسر واحد به پدر ملحق می شود. او تثلیث ستوده و مبارک را تکمیل می کند. او در مقام کثرت خلقت نیست، بلکه به مفرد توصیف شده است. این دلیل کافی بر صمیمیت او با اوست

11 است. 44:6.

پدر و پسر. او یکی از بسیاری نیست بلکه تنها یکی است:
همانطور که یک پدر و یک پسر وجود دارد، یک روح القدس وجود دارد. عقل ایجاب می کند که مفرد از جمع یا مرکب جدا شود; بنابراین او در طبیعت مخلوق شریک نیست. او با پدر و پسر متحد می شود، زیرا واحد با واحد ساکن است.

46. این تنها دلیل ما نیست که روح القدس در کمال الوهیت شریک است. روح از خدا توصیف شده است، نه به این معنا که همه چیز از خداست، بلکه به این دلیل که او از دهان پدر بیرون می آید و مانند پسر زاده نشده است. البته "دهان" پدر نه عضوی جسمانی است و نه روح یک بازدم متلاشی شده، بلکه "دهان" تا آنجا به کار می رود که برای خدا مناسب است و روح جوهره حیات و تقدیس الهی است. صمیمیت آنها روشن می شود، در حالی که غیرقابل بیان بودن وجود خدا محفوظ است. او همچنین روح مسیح نامیده می شود، زیرا او به طور طبیعی با او مرتبط است. به همین دلیل است که کتاب مقدس می گوید: "هرکس روح مسیح را نداشته باشد متعلق به او نیست، 12 فقط روح می تواند خداوند را به اندازه کافی جلال دهد: "او مرا جلال خواهد داد" * نه به عنوان یک مخلوق، بلکه به عنوان روح حقیقت، زیرا او خود حقیقتی است که درخشان می درخشد. او روح حکمت و قدرت خدا آشکار می شود. او به‌عنوان مسیح است که در پارکلیت، نیکویی پدری را منعکس می‌کند که او را فرستاده است، و کرامت او عظمت او را که از او بیرون آمده، آشکار می‌سازد.

بنابراین، از یک سو، جلال طبیعی وجود دارد (همانطور که نور، جلال خورشید است)، اما از سوی دیگر، جلالی وجود دارد که تصمیم می گیرد خود را به کسانی که شایسته ارزیابی می شوند، عطا کند. دو نوع از شکوه دوم وجود دارد. اولی نوکری است که توسط موجودی به مافوقش عرضه می‌شود: «پسر پدرش را گرامی می‌دارد و خدمتکار به اربابش، 39 214 اما

14 مالی، 1:6. 218 یوحنا. 16:14. 213 روم. 8:9.

دوم، جلالی است که توسط نزدیکان مشترک است، و این چیزی
است که روح تحقق می بخشد. خداوند در مورد خود گفت: «تو را
بر روی زمین جلال دادم، چون کاری را که به من دادی به انجام
رساندم.» 5 و در مورد روح گفت: «او مرا جلال خواهد داد، زیرا آنچه از
آن من است خواهد گرفت و به شما اعلام خواهد کرد. پسر نیز
توسط پدر جلال می‌یابد، هنگامی که پدر می‌گوید: «من جلال
می‌دهم، 9 و من دوباره جلال می‌دهم، 317 روح با ارتباط او با پدر و
پسر و با شهادت یگانه زاده جلال می یابد: "هر گناه و کفری ]
برای مردم آمرزیده خواهد شد، اما کفر علیه روح بخشیده نخواهد
شد."

47. اگر به قدرت الهی نورانی شده‌ایم و به زیبایی تصویر
خدای نامرئی چشم دوخته‌ایم و از طریق تصویر به زیبایی
وصف‌ناپذیر منبع آن رهنمون می‌شویم، به این دلیل است که به
روح علم پیوسته‌ایم. او به کسانی که رؤیای حقیقت را دوست
دارند قدرتی می دهد که آنها را قادر می سازد تصویر را ببینند، و
این قدرت خودش است. او آن را از منابع بیرونی برای آنها آشکار
نمی کند، بلکه آنها را شخصاً به دانش هدایت می کند: "هیچ کس
پدر را جز پسر نمی شناسد" و "هیچ کس نمی تواند بگوید عیسی
خداوند است" مگر در روح القدس. توجه کنید که از طریق روح 219 99
نمی گوید، بلکه در روح می گوید. همچنین می‌گوید: «خدا روح است
و کسانی که او را می‌پرستند باید در روح و حقیقت پرستش ؟
کنند» و «در نور تو نور می‌بینیم»، از طریق روشنایی روح‌القدس، «
نور حقیقی که هر انسانی را که به جهان می‌آید روشن می‌سازد.»9
228 او جلال یگانه‌زاده را آشکار می‌سازد و در خود خدای حقیقی را
می‌بخشد. خود او راه به سوی معرفت الهی از طریق یک روح بالا می
رود

315 یوحنا 17:4.
من جان. 16:14.
17 رجوع کنید به جان 12:28.

18 Mt. 12:32.
19 ماه 11:27.
310 I Cor. 12:3.

21 یوحنا 4:24.
32 ص. 36:9.
13 یوحنا 1:9.

پسر به پدر واحد. به همین ترتیب، خیر طبیعی، قدوسیت ذاتی و کرامت سلطنتی از پدر از طریق یگانه‌زاده به روح می‌رسد. بنابراین، ما با اعتراف به افراد، آموزه واقعی خدای واحد را از دست نمی دهیم. کسانی که زیردستی را آموزش می دهند و در مورد اول، دوم و سوم صحبت می کنند، باید بدانند که شرک نادرست یونانی را در الهیات ناب مسیحی وارد می کنند.

این اختراع شیطانی فرودستی نمی تواند نتیجه ای جز خدای اول، دوم و سوم داشته باشد. ما به نظمی که خداوند ایجاد کرده راضی خواهیم بود، کسی که این نظم را اشتباه می گیرد، به اندازه یک کفرگوی نابکار در تخطی از قانون مجرم است. به اندازه کافی برای رفع خطای آنها گفته شده است. از تابعیت نمی توان برای توصیف افرادی که ماهیت مشابهی دارند استفاده کرد. اما ما نمی توانیم در برابر یک ضربه نهایی به دشمن متخاصم و ضعیف خود مقاومت کنیم.

اجازه دهید برای لحظه‌ای فرض کنیم که هر چیزی که «شماره دو» نام دارد، تابع «شماره یک» است. اما چه چیزی نوشته شده است؟ «انسان اول از زمین بود، مردی خاکی، انسان دوم از آسمان». باز هم می‌گوییم: «اما نه روحی که اول است، بلکه جسمانی است و سپس روحانی». اگر دومی تابع اولی باشد، و چون آنچه که تابع است، همیشه از آن چیزی که تابع آن است، پایین‌تر است، به گفته شما، روحی از جسم و انسان بهشتی از مرد خاکی پست‌تر است!

## فصل 19. در برابر کسانی که می گویند روح را نباید جلال داد.

48. آنها پاسخ می دهند: "حتی اگر این درست باشد"، "نباید روح را آنقدر جلال داد که ما باید

---

24 من کور. 15:47. 325 I Cor. 15:46.

برای او عبادات بخوان." اما اگر از ارتباط او با پدر و پسر نیست،
شهادت کرامت وصف ناپذیر روح را از کجا می گیریم؟ مخالفان ما این
شواهد را قابل اعتماد نخواهند شناخت. اگر در معنای نام او و عظمت
اعمال او و انبوهی از برکات ممکن است که بر همه ما نازل شده است
و حداقل برکاتی که او بر ما عرضه کرده است را درک می کنیم. عظمت
ذات و قدرت غیرقابل دسترس او را روح می نامند: «خدا روح است» و «
روح بینی ما، مسح خداوند، مقدس خوانده می شود، همانطور که پدر
مقدس و پسر مقدس است.»

126

997

برای مخلوقات، تقدس از بیرون می آید. برای روح، تقدس ذات او را پر
می کند. او تقدیس نمی شود، بلکه تقدیس می کند. او نیک نامیده
می شود، همانطور که پدر خوب است. جوهر روح نیکویی پدر را در بر
می گیرد. او را راست می خوانند، خداوند، خدای من، راست می گوید، زیرا
او حقیقت و عدالت است، او به این طرف یا آن طرف متمایل نمی
شود زیرا ماهیت او تغییرناپذیر است.

او نام پارکلیت را با یگانه‌زاده به اشتراک می‌گذارد، که گفت: «از
پدر خواهم خواست و او پارکلیت دیگری به شما خواهد داد» 229 روح
مشترک پدر و پسر دارد. او این القاب را به دلیل القاب
ارتباط طبیعی و صمیمی با آنها دریافت می کند. آنها از کجا می
آیند؟ دوباره او را روح حاکم، روح حقیقت، و روح حکمت می نامند،
نوشته شده است که "روح خدا مرا آفریده است" 1 و "خدا بزلیل را
با روح الهی حکمت، درک و دانش بیمار کرد." a89 القاب مانند این
بزرگ و بلند است، اما جلال او را تمام نمی کند.

49. روح چه می کند؟ آثار او در عظمت وصف ناپذیر و از نظر کمیت
بی شمار است. چگونه می توانیم حتی

s90 Tn، 4:24. 280 جان. 14:16. 291 ایوب 33:4.
3*" لم. 4:20، (LXX)، 0 رجوع کنید به پا. 50:10، (LXX). 2 پیش 31:3، (LXX).
سال 88 میلادی. ص 92:15.

فکر کنید چه چیزی فراتر از اعصار است؟ او قبل از شروع خلقت چه کرد؟ فیض هایی که او بر آفرینش نازل کرد چقدر بزرگ است؟ او در عصر آینده چه قدرتی خواهد داشت؟ او وجود داشت؛ او از قبل وجود داشت؛ او پیش از اعصار با پدر و پسر همزیستی داشت. حتی اگر بتوانید چیزی فراتر از اعصار را تصور کنید، خواهید دید که روح حتی فراتر از آن است. اگر به خلقت فکر می کنید، به یاد داشته باشید که قدرت های آسمانی توسط روح ایجاد شده اند. 80 این استقرار به این معنی است که آنها تمایلی به دور شدن از خیر نداشتند. روح قدرت های آسمانی را قادر می سازد تا از شر اجتناب کنند و در نیکی پایداری کنند. مسیح می آید و روح راه او را آماده می کند. او در جسم می آید، اما روح هرگز از او جدا نمی شود. انجام معجزات و هدایای شفا از روح القدس سرچشمه می گیرد. شیاطین توسط روح خدا رانده می شوند. حضور روح شیطان را غارت می کند. بخشش گناهان از طریق عطای روح داده می شود: شما شسته شده اید، تقدیس شده اید... به نام خداوند عیسی مسیح و در روح القدس خدای ما.» 24 از طریق روح ما با خدا صمیمی می شویم: «خدا روح پسر خود را در قلب ما فرستاده است که فریاد می زند: «آبا! پدر! 235 رستاخیز از مردگان با عمل روح انجام می شود: «تو روح خود را می فرستی و آنها خلق می شوند. و تو صورت کارتن را تازه می کنی.» 0 اگر «آفرینش» به معنای زنده کردن مردگان است، کار روح چقدر بزرگ است! او به ما حیات زنده می بخشد و روح ما را در زندگی روحانی دوباره شکل می دهد.

"اگر کسی در مسیح باشد، او مخلوق جدیدی است." 237) و تجدید حیات زمینی و تبدیل زندگی زمینی و پرشور خود به شهروندی آسمانی، پس باید

---

393 ص. 32:6، (LXX).
234 I Cor. 6:11.
236 Gal, 4:6.
230 Ps. 104:30.
237 دوم کور. 5:17.

بدانید که روح ما از طریق روح به چنین درجه بالایی از تعالی دست
می یابد. با درک همه اینها، چگونه می توانیم از ارج نهادن بیش از حد
روح بترسیم؟ درعوض، باید بترسیم که حتی اگر بالاترین القابی
را که می‌توانیم به او بسازیم یا زبانمان تلفظ می‌کند، به او
نسبت می‌دهیم، ایده‌های‌مان درباره او ممکن است کماکان ناقص باشد.
روح با قدرت خداوند صحبت می کند: "روح به او (پطرس) گفت برخیز
و فرود، و بدون تردید با آنها همراهی کن زیرا من آنها را فرستاده ام.
238 آیا اینها سخنان یک مرد پست است؟ «برنابا و شائول را برای من
برای کاری که آنها را به آن فرا خوانده‌ام، جدا کن.» 00 آیا برده چنین
دستوراتی می دهد؟ اشعیا می گوید: "خداوند، خدا و روح او مرا فرستاده
اند" 0 و "روح از جانب خداوند نازل شد و آنها را رهبری کرد." A1 سعی
نکنید دوباره مرا متقاعد کنید که این "رهبری" توسط روح یک خدمت
پست است. کتاب مقدس گواهی می‌دهد که این کار خداست: «او قوم خود
را مانند گوسفند پیش برد» 2* و «تویی که یوسف را مانند گله
رهبری می‌کنی» 243 و «او آنها را در امان هدایت کرد تا نترسند.» 4پس
وقتی بشنوی که تسلی دهنده تمام آنچه را که به تو گفتم به
یاد خواهد آورد، و تو را به تمام معنا هدایت خواهد کرد.

50. کتاب مقدس همچنین می گوید که "روح خود برای ما شفاعت
می کند." 6 مخالفان ما به این نتیجه می رسند که از آنجایی که یک
شفاعت کننده باید همیشه از یک نیکوکار پست تر باشد،
بنابراین روح باید از خدا پست تر باشد. آیا هرگز نشنیده ای که
کتاب مقدس در مورد یگانه زاده چه می گوید؟

«او در دست راست خداست و یا ما را شفاعت می کند. 247 39
او را از ایمان محروم نکنید و او را ستایش کنید.
او در درون شما بوده است. آیا او را اخراج کردی؟ او

---

240 رام 8:26.
47 بعد از میلاد رام 8:34.
43 ص 78:52.
ص 243، 80:1.
ص 44، 78:53.
45 یوحنا 14:26; 16:13.
s98 10:20 اعمال رسولان.
230 اعمال رسولان 13:2.
40 Ts, 48:16.
41 است. 63:14، (LXX).

به ما که قبلاً نابینا بودیم می آموزد. او ما را راهنمایی می کند که
چه چیزی خوب است. محبت بخشنده خود به انسان را با
ناسپاسی جبران مکن. این می تواند اوج پستی باشد. روح القدس
خدا را غمگین مکن.» # بشنوید که استیفان، شهید اول، وقتی
مردم را به خاطر نافرمانی و نافرمانیشان سرزنش می کند، چه می
گوید: «شما همیشه در برابر روح القدس مقاومت می کنید.» 20
اشعیا می گوید: «آنها عصیان کردند و روح القدس او را اندوهگین
کردند. بنابراین او تبدیل به دشمن آنها شد." "0 در جای دیگر می
گوید: "خاندان یعقوب روح خداوند را خشمگین کرد." قضاوت درباره
چگونگی تفسیر این عبارات را به عهده خوانندگانم می گذارم. آیا
ما روح را ابزاری بدانیم، خدمتکاری که باید در زمره سایر مخلوقات
قرار گیرد، یا برده همکار؟ یا حتی کوچکترین زمزمه این کفر باید
گوش های پرهیزگار را آزار دهد؟ آیا شما روح را برده می نامید؟ اما «
غلام نمیداند که اربابش چه میکند» و «چه کسی افکار انسان را
میداند مگر روح انسانی که در اوست؟ همچنین هیچکس افکار خدا را
جز روح خدا نمیفهمد» 3

فصل 20. در برابر کسانی که ادعا می کنند که روح نباید به
عنوان یک ارباب یا غلام رتبه بندی
شود، بلکه باید به عنوان یک آزاد
باشد.

51. برخی می گویند که روح نه ارباب است و نه غلام، بلکه
مانند یک آزاده است، چه مزخرفات بدی. چه جسارت رقت انگیزی برای
کدام سوگواری کنم، بر نادانی یا کفرشان؟ آنها به دگم های مربوط
به آن توهین می کنند

---

253 یوحنا 15:15.
258 I Cor. 2:11.

250 است. 63:10.
251 میکاه 2:7، (LXX).

48 اف. ساعت 4:30
40 اعمال رسولان 7:51.

فطرت الهی با محصور کردن آنها در دسته های انسانی.
آن‌ها فکر می‌کنند که در میان انسان‌ها تفاوت‌های حیثیتی می‌بینند، و سپس چنین تنوعی را در مورد ذات وصف ناپذیر خدا اعمال می‌کنند.
آیا نمی دانند که حتی در بین انسان ها هیچ کس ذاتا برده نیست؟ مردان یا به این دلیل که در جنگ اسیر می شوند زیر یوغ بردگی قرار می گیرند یا به دلیل فقر خود را به بردگی می فروشند، همانطور که مصری ها برده فرعون شدند. گاهی اوقات با مشیتی خردمندانه و غیرقابل درک، فرزندان بی ارزش توسط پدرشان دستور می دهند که به برادران و خواهران باهوش تر خود خدمت کنند. (هر شخص درستکاری که شرایط را بررسی می کند متوجه می شود که چنین موقعیت هایی سود زیادی به همراه دارد و برای کسانی که درگیر هستند حکم محکومیت نیست.

بهتر است مردی که فاقد هوش و تسلط بر خویشتن است، به مالکیت دیگری درآید، که زیر نظر ارباب خود اداره می شود، مانند ارابه ای می شود که سوارکار ماهری آن را می راند، یا کشتی با ملوانی کارکشته در کنار تیلر. او ممکن است از برادر عاقل خود حتی بر خلاف میل او سود ببرد. کنعان «برده بردگان برادرانش» شد، s5 9 زیرا پدرش حام از درک و فهم بی بهره بود و نمی توانست هیچ فضیلتی را به پسرش بیاموزد. به همین دلیل است که مردان برده می شوند، اما کسانی که از فقر، جنگ یا نیاز به سرپرست فرار می کنند، آزادند. و گرچه یک نفر را ارباب و دیگری را برده، همه ما دارای خالق خود هستیم.

همه ما در رتبه برده مشترک هستیم. چه کسی از اسارت در جهان ماورا آزاد است؟ به محض خلقت فرشتگان شروع به خدمت کردند. لشکریان آسمانی با حرص نمی خواهند بر یکدیگر حکومت کنند. همگی در برابر خدا سجده می کنند و از او به عنوان مولای خود می ترسند و او را به عنوان خالق تسبیح می گویند.
«پسر پدرش را گرامی می دارد و خدمتکار ارباب خود را». خداوند یکی را از همه می خواهد: اگر پس هستم 256 39

---

56 مال. 1:6. 254 رجوع کنید به پیدایش 27:29. B55 پیدایش 9:25.

پدر عزت من کجاست؟ و اگر من ارباب هستم، ترس من کجاست؟» *7
زندگی ما بسیار رقت‌انگیز بود اگر زیر نظر ارباب نباشند، شبیه
فرشتگان مرتد می‌شویم که گردن خود را در برابر خدای متعال سخت
می‌گیرند و از بندگی او سرباز می‌زنند، سرشتشان مانند همنوعان
فرمانبردارشان بود، اما تو را چه کسی آزاد می‌خوانند؟ به کسی خدمت
نمی کند که هم قدرت حکمرانی ندارد و هم چنین ذاتی وجود ندارد، و
کفرآمیز است که فکر کنیم یا او یک مخلوق است، و در نتیجه یک
برده است، یا در غیر این صورت او بالاتر از خلقت است.

## فصل 21. شهادت کتاب مقدس مبنی بر اینکه روح خداوند نامیده می شود.

52. چرا با چنین استدلال‌های بی‌اهمیتی مبارزه می‌کنیم، و چنین
پیروزی شرم‌آوری به دست می‌آوریم، در حالی که می‌توانیم شکوه و
عظمت جلال روح را ثابت کنیم؟ اگر آنچه را که از کتاب مقدس
آموخته‌ایم تکرار کنیم، هر یک از این روح‌بازان (پنوماتوماکوئی)
فریاد بلند و شدیدی برمی‌دارند، گوش‌های خود را می‌بندند، سنگ‌ها یا
هر سلاح دیگری را که در دست دارند، برمی‌دارند و به ما حمله می‌کنند،
اما ما باید به حقیقت اهمیت دهیم، نه امنیت خودمان. ما معنای سخنان
رسول را کشف کرده ایم: "خداوند دلهای شما را به محبت خدا و
استواری مسیح هدایت کند." 38 این خداوند کیست که ما را به محبت
خدا و صبر مسیح هدایت می‌کند تا بر مصیبت‌های خود غلبه کنیم؟
آنها می خواهند روح را برده بسازند. اجازه دهید به این یکی پاسخ
دهند: اگر موضوع این پس-

---

257 Tdem.

258 پایان نامه فناوری اطلاعات. 3:5.

حکیم، خدای پدر است، قطعاً می‌گفت: «خداوند دل‌های شما را به محبت خود هدایت کند؛ اگر پسر بود، «و بر استقامت خود» اضافه می‌کرد. آیه دیگری مشابه قسمت قبل وجود دارد: «یهُوَه شما را در محبت نسبت به یکدیگر و همه انسانها، چنانکه ما با شما انجام می‌دهیم، بیفزاید و بیفزاید، تا در آمدن خداوند ما عیسی با تمامی مقدسینش، دل‌های شما را در قدوسیت بی‌عیب در پیشگاه خدا و پدر ما تثبیت کند.» 0 پولس از کدام خداوند التماس می‌کند که در آمدن خداوند ما، قلب مؤمنان تسالونیکی را تثبیت کند که در تقدس بی‌نقص در حضور خدا و پدر ما هستند؟ مخالفان ما روح القدس را در میان ارواح خدمتگزاری که برای خدمت فرستاده شده اند قرار می دهند. آیا آنها می توانند به سوال ما پاسخ دهند؟ نه، آنها نمی توانند. اجازه دهید به شهادت بیشتر از ربوبیت روح گوش دهند: «الان خداوند روح است 260 و «این از جانب خداوندی است که روح است.» 261 اما برای اینکه جایی برای شک بیشتر باقی نماند، سخنان رسول را با جزئیات بیشتر نقل می کنم:

«تا به امروز، وقتی عهد عتیق را می‌خوانند، همان حجاب باز نشده باقی می‌ماند، زیرا فقط به وسیله مسیح برداشته می‌شود... وقتی انسان به خداوند روی می‌آورد، پرده برداشته می‌شود. اکنون خداوند روح است » 202 چرا پولس این را می گوید؟ زیرا . . کسی که به حرف ساده قانون پایبند است و خود را به رعایت قوانین می پردازد، قلب خود را با تفسیر یهودی از قانون پوشانده است. چنین شخصی نادان است که رعایت جسمانی شریعت با آمدن مسیح لغو شده است، و حروف برای حقیقت تغییر یافته است.

بعد از طلوع آفتاب نیازی به چراغ نیست و چون حق ظاهر شد، کار شریعت تمام شد و پیامبران ساکت شدند. از سوی دیگر، فردی با توجه به توانایی درک عمق معنای قانون، که

---

259 I Thess. 3:12-13.

280 II Cor. 3:17.

281 اول کور، 3:18.

262 دوم کور. 3:14، 16-17.

از پرده ابهام لفظی می گذرد و به حقایق غیرقابل بیان می رسد، مانند موسی است که هنگام صحبت با خدا، حجاب خود را کنار زد. چنین مردی از نامه به روح روی آورده است. پرده روی صورت موسی شبیه به مبهم بودن دستورالعملی است که توسط شریعت ارائه شده است، همانطور که تفکر روحانی با موسی مطابقت دارد که با صورت برهنه با خداوند صحبت می کند، کسی که نامه را دور می اندازد و هنگام خواندن شریعت (و اکنون خداوند روح نامیده می شود) مانند موسی می شود که چهره او با تجلی خدا می درخشد.

اشیایی که در نزدیکی چیزی با رنگ های درخشان قرار می گیرند، از طریق نور بازتاب شده رنگ می شوند. به همین ترتیب، کسی که نگاه خود را به روح خیره می‌کند، به درخشندگی بیشتری تغییر شکل می‌دهد، و قلبش با نور حقیقت روح روشن می‌شود. سپس جلال روح به جلال خود چنین شخصی تبدیل می‌شود، نه از روی بخل یا کم‌رنگ، بلکه با فراوانی که انتظار داریم در درون شخصی که توسط روح روشن شده است، بیابیم. ای حریف من از شنیدن این جمله رسول خدا شرم نمی کنی که می گوید: «شما معبد خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است»؟ 289 آیا خانه برده به عنوان معبد مفتخر است؟ چگونه کسی که کتاب مقدس را "الهام گرفته از خدا" می نامد (از آنجایی که تحت الهام روح القدس نوشته شده است) می تواند از زبانی استفاده کند که او را توهین و تحقیر می کند؟

فصل 22. روح نیز مانند پدر و پسر غیرقابل درک است، زیرا او در همان طبیعت شریک است.

53. ما می‌توانیم از عظمت ذات روح آگاه شویم نه تنها به این دلیل که او عناوین مشابهی دارد و

263 کور. 3:16.

به عنوان پدر و پسر عمل می کند، اما همچنین به این دلیل که او، مانند آنها، نمی تواند توسط افکار ما درک شود. خداوند می گوید که پدر فراتر از تصور انسان است، و این در مورد خود او، پسر نیز صادق است. در مورد پدر می فرماید: 40 ای پدر عادل، دنیا تو را نشناخت.» 24 منظور او از دنیا، کل مجموعه آسمان و زمین نیست، بلکه این زندگی ماست که در معرض مرگ و گرفتاری بی پایان است. با زندگی مادی و جسمانی و محدود کردن حقیقت به آنچه در چشمان آنها دیده می شود. آنها از ایمان به رستاخیز خودداری می کنند و نمی توانند خداوند را با چشمان دل خود ببینند. پس نه پدر و نه پسر ممکن است در « جهان» دیده نشوند، اما توجه داشته باشید که او همان زبان را در مورد روح به کار می برد: «روح حقیقت، که جهان نمی تواند او را دریافت کند، زیرا نه او را می بیند و نه می شناسد؛ شما او را می شناسید، زیرا او با شما ساکن است و در شما خواهد بود.» 200 ذهن یک انسان جسمانی در تعمق تربیت نمی‌شود، اما در گل و لای شهوات جسمانی مدفون می‌ماند و ناتوان از نگاه کردن به بالا و دیدن نور روحانی حقیقت است. بنابراین «جهان» - زندگی اسیر احساسات نفسانی - نمی تواند بیشتر از یک چشم ضعیف به نور یک پرتو خورشید، فیض روح را دریافت کند. خداوند ابتدا زندگی شاگردانش را از طریق تعلیمش پاک کرد و سپس به آنها این توانایی را داد که هم روح را ببینند و هم به آن فکر کنند.

او می‌گوید: «تو قبلاً با کلامی که به تو گفته‌ام پاک شده‌ای.» بنابراین، «دنیا نمی‌تواند او را بپذیرد، زیرا نه او را می‌بیند و نه می‌شناسد.
شما او را می‌شناسید، زیرا او با شما ساکن است.» 4اشعیا می‌گوید: « خداوند یهوه چنین می‌گوید... که زمین و چیزهای موجود در آن را ساکن کرد، و به مردمان روی آن نفس می‌دهد، و

---

208 جان. 14:17.
286 یوحنا. 14:17.
264 یوحنا 17:25.
267 یوحنا. 15:3.
285 یوحنا 14:19.

روح به کسانی که بر آن پا می گذارند؛ "*0 از اینجا می توانیم یاد بگیریم که کسانی که چیزهای زمینی را زیر پا می گذارند و از آنها بالاتر می روند، شایسته دریافت عطای روح القدس می شوند. ما در مورد او چه فکر کنیم؟ جهان نمی تواند او را پذیرا شود، و فقط انسان های مقدس می توانند با پاکی دل او را در نظر بگیرند. آیا افتخاری که او سزاوار آن است، محدودیتی دارد؟

## فصل 23. روح از طریق بازگویی شگفتی های منحصربه فرد او جلال می یابد.

54. ما معتقدیم که روح در همه جا حضور دارد، در حالی که بقیه قوای بی جسم با مکان محدود شده اند. فرشته ای که نزد کورنلیوس *0 آمد، همزمان با فیلیپ نبود، و نه فرشته ای که از سمت راست قربانگاه با زکریاب صحبت می کرد، به طور همزمان جای او در بهشت را اشغال کرد، اما اعتقاد بر این است که روح در همان زمان حبقوق و دانیال را در بابل الهام می کرد، اگرچه آنها در مکان های مختلف بودند. 3 همین امر در مورد ارمیا در سیاهچال و حزقیال در کنار رود خبار صادق است." *پیامبر می فرماید: «من با شما هستم، می گوید خداوند صبایوت... روح من در میان شما ساکن است». a78 اگر هر جا خدا باشد، روح نیز حضور دارد، او را چه ماهیتی فرض[74] کنیم؟ طبیعت فراگیر یا الف

---

a70 1:7 حکمت.
77 ص 139:7.
78 هاگ. 2:4-5.
373 رجوع کنید به دن. 14:33 بعد از ظهر، (LXX).
374 جر. 20:2، (LXX).
275 Bz. 1:1.
09 است. 42:5، (LXX).
70 اعمال رسولان 10:3.
a71 8:26 اعمال رسولان.
a73 1:11 لوقا.

طبیعت محدود به مکان های خاص است، همانطور که ماهیت فرشتگان را توصیف کردیم؟ هیچ کس دومی را نمی گوید. او ذات الهی است، در عظمت بی نهایت، در کارهایش توانا، و در برکاتش نیکو است. آیا او را تجلیل نخواهیم کرد. آیا او را تسبیح نکنیم؟ به گمان من این « تجلیل» چیزی جز بازگویی شگفتی های خود او نیست. استدلال مخالفان ما ما را مجبور می کند که هرگز حتی نعمت هایی را که از جانب او به ما سرازیر می شود ذکر نکنیم، بدیهی است که این پوچ است، بنابراین برعکس است: توصیف شگفتی های او به او تسبیح کامل می دهد. همین امر در مورد خدا و پدر خداوند ما مسیح و خود پسر یگانه صادق است. ما تنها با بازگو کردن شگفتی هایشان در حد توان خود قادر به تجلیل آنها هستیم.

## فصل 24. توجه به اینکه بسیاری از آفریده‌ها جلال می‌گیرند، پوچ بودن امتناع از جلال دادن روح را ثابت می‌کند.

55. به یک مرد معمولی می گویند که تاج جلال و افتخار دارد; همچنین وعده داده شده است که جلال و عزت و صلح برای هر که نیکوکار است در انتظار است، 280 جلال اسرائیل منحصر به فرد است زیرا فرزند پسری، جلال و پرستش متعلق به اوست. و جلال دیگر ماه و جلال دیگر ستارگان 2# و اینکه روزگار مرگ (شریعت موسی) با شکوه بود، اما تدبیر روح

---

279 ص. 8:5.
280 رام 2:10.
281 روم، 9:4.
282 ص. 30:12.
283 ص. 56:8، (LXX).
284 اول کور، 15:41.

حتی با شکوه تر است.*$ خیلی چیزها تجلیل می شوند. آیا می خواهید روح تنها از جلال محروم شود؟ چگونه ممکن است او سزاوار جلال نباشد؟ مزامیر می گوید که جلال انسان عادل بزرگ خواهد بود. چگونه می توانید بگویید که روح اصلاً جلالی ندارد؟ آیا بدیهی نیست که ما با اصرار بر این استدلال ها، به طور اجتناب ناپذیری گناه را متوجه خود خواهیم کرد؟ اگر انسان از طریق اعمال صالح نجات یابد، انسانهای خداترس را تجلیل می کند. آیا فکر می کنید چنین مردی روح را از جلالی که سزاوارش است محروم می کند؟

اکنون درست است که برخی از آنها مایلند روح را جلال دهند، اما نه با پدر و پسر. اما خداوند روح را جایگاه مناسب خود قرار داده است. چرا باید آن را رها کنیم تا جای دیگری اختراع کنیم؟ او همیشه به عنوان متحد با الوهیت توصیف می شود. چرا باید از جلال خود محروم شود؟ ما نام او را در اعتقادنامه، در نجات تعمید، در انجام معجزات می شنویم. او اقامتگاه خود را در قدیسان می گیرد. او به مطیعان فیض می بخشد. هیچ موهبتی را نمی توان به خلقت بخشید مگر اینکه روح القدس آن را عطا کند. حتی یک کلمه را نمی توان در دفاع از مسیح گفت مگر اینکه روح القدس آن را الهام کند - همانطور که در اناجیل از خداوند و نجات دهنده خود آموخته ایم. چگونه ممکن است کسی که از روح القدس شریک شده است بخواهد فراموش کند یا نادیده بگیرد که او از هر جهت با پدر و پسر متحد است و سعی کند او را از آنها جدا کند؟ کجا او را برای رتبه بندی می برید؟ در میان موجودات؟ اما تمام خلقت در اسارت است و روح آن را آزاد می کند. "هرجا روح خداوند است، آزادی آنجاست." ** دلایل زیادی وجود دارد که چرا روح القدس را نمی توان به عنوان یک طبیعت مخلوق به حساب آورد، اما فعلاً از آنها صحبت نمی کنم. اگر بخواهم از تمام شواهدی که قبلاً در دسترس ماست، به نحوی استفاده کنم که برای بلندی این بحث مناسب باشد، ایرادات مخالفان ما از بین میرود، اما چنین رساله عظیمی

287 دوم کور. 3:17.

s85 C£. 3:7 .دوم کور.f. 286 Mt. 10:19-20.

در نتی‌جه خوانندگان من از طولانی بودن آن خسته خواهند شد.
من ای‌ن استدلال ها را برای کتابی خاص رزرو می کنم و به نکات زی‌ر ]
توجه می کنم.

56. اجازه دهی‌د ای‌ن نکات را ی‌ک به ی‌ک بررسی کنی‌م: روح ذاتاً خوب است، همانطور که پدر و پسر خوب هستند، اما موجودی که مای‌ل به اشتراک در نی‌کی است بای‌د ای‌ن کار را انجام دهد. روح حتی اعماق خدا را جستجو می کند*، اما مخلوق از طری‌ق روح درباره حقای‌ق غی‌رقابل وصف روشنگری دری‌افت می کند. او با پدری که همه چی‌ز را زنده می کند و با پسر حی‌ات بخش زندگی می کند: "اگر روح آن کسی که عی‌سی را از مردگان برخی‌زانی‌د در شما ساکن باشد، او که مسی‌ح عی‌سی را از مردگان برخی‌زانی‌د، بدن های فانی شما را نی‌ز به وسی‌له روح خود که در شما ساکن است، زنده خواهد کرد." 2s9 همچنی‌ن، " گوسفندان من صدای مرا می شنوند... و من به آنها زندگی جاودانی می دهم." 0 اما روح به همی‌ن ترتی‌ب حی‌ات می بخشد: "روح حی‌ات به واسطه عدالت است. خداوند شهادت می دهد که "روح حی‌ات می بخشد. گوشت هی‌چ سودی ندارد
291 99

293 9 چگونه می توانی‌م
روح را از قدرت حی‌ات بخش او جدا کنی‌م و او را با چی‌زهای‌ی که طبی‌عتاً بی جان هستند شری‌ک کنی‌م؟ چه کسی تا ای‌ن حد منحرف است. کسی که آنقدر عاری از موهبت بهشتی است و از سخنان نی‌ک خدا بی‌تغذی‌ه است. چه کسی آنقدر خالی از اشتراک در امی‌دهای ابدی است که روح را از سر خدا جدا کند و او را در می‌ان مخلوقات قرار دهد؟

57. برخی دی‌گر می گوی‌ند که روح در ما به عنوان هدی‌ه ای از جانب خداست و عطای‌ی نبای‌د به همان احترامی که بخشنده است به او داده شود. روح هدی‌ه خداست، اما او هدی‌ه زندگی است ("قانون روح 1 زندگی در مسی‌ح عی‌سی مرا آزاد کرد..." 203) و هدی‌ه ای از قدرت (وقتی روح القدس بر شما نازل شد قدرت خواهی‌د گرفت")*4 شما

---

288 تی کور. 2:10.
280 رام 8:11.
290 جان. 10:27-28.
291 رام. 8:10.
s02 Jn. 6:63.
203 رام. 8:2.
s4 8 :1 اعمال رسولان.

روح را تحقیر کنید زیرا او یک هدیه است؟ آیا خدا پسر خود را به
عنوان هدیه به بشر نیز نداد؟ "کسی که پسر خود را دریغ نکرد
بلکه او را برای همه ما بخشید، آیا او همه چیز را با او به ما نخواهد
داد؟" 20s همچنین، "ما روحی را که از خداست دریافت کرده ایم تا ١
عطایایی را که خدا به ما عطا کرده است درک کنیم"، هدایایی که در
اینجا به معنای راز تجسم است. کسانی که این عقیده را حفظ
می کنند، محبت بی حد و حصر خدا را به مضمون کفر تبدیل می
کنند. واقعاً آنها از ناسپاسی یهودیان پیشی می گیرند! روح به ما
این آزادی را می دهد که خدا را پدر خود بنامیم و آنها از او ایراد می
گیرند! "خدا روح پسر خود را به قلب ما فرستاده است که ندا می
دهد "آبا! «29» تا فریاد روح، همان فریاد همه کسانی شود که او را می
پذیرند.

فصل 25. حرف اضافه در یا توسط به همان شکلی
استفاده می شود که با; و همچنین دارای
همان نیروی با.

58. مخالفان ما می پرسند: «چطور است که کتاب مقدس هیچ
کجا روح را برای جلال دادن به همراه پدر و پسر توصیف نمی
کند؟» با دقت از عبارت با روح اجتناب می کند، اما همیشه در روح
به عنوان بیان مناسب تری برای استفاده در هنگام جلال دادن
به خدا ترجیح می دهد.
به سهم خودم، نمی‌توانم موافق باشم که در (یا توسط) و با درجاتی
از منزلت را بیان می‌کنند. در ممکن است به راحتی یک منزلت را به
همان اندازه بلند بیان کند. موارد زیادی وجود دارد که از in استفاده
می‌شود، اما با در واقع نشان می‌دهد، برای مثال، در واقع می‌گوید "من با
قربانی‌های سوختنی به خانه تو خواهم رفت (čv
ÖAOKaUTÓĻaOv)" 2s اما ما می‌گوییم با سوخته

205 رام 8:32.
398 I Cor. 2:12.
207 Gal, 4:6.
298 ص. 65:13، (LXX).

پیشنهادات. به همین ترتیب می گوید: "او آنها را در نقره و طلا بیرون آورد" 200 و "تو در لشکریان ما بیرون نخواهی رفت." s0 در هر دو مورد به معنای واقعی با، نمونه های بی پایانی از این وجود دارد. اما من بسیار دوست دارم بدانم، طبق این حکمت تازه کشف شده، آیا رسول از جلال استفاده کرده است - زیرا مخالفان ما کتاب مقدس را اینگونه تفسیر می کنند. من در هیچ کجا نمی توانم فرمول "جلال و افتخار برای تو، ای پدر، از طریق پسر یگانه تو، در (یا توسط) روح القدس" را پیدا کنم، اما مخالفان ما از این فرمول به همان راحتی که هوا را تنفس می کنند استفاده می کنند.

شما می توانید هر یک از این بند ها را به طور جداگانه پیدا کنید، اما آنها به این ترتیب در یک doxology ترکیب نمی شوند. اگر مخالفان ما بر انطباق دقیق با کتاب مقدس اصرار دارند، بهتر است مراجع ارائه کنند. اگر ادعا می کنند که این دعا شناسی مرسوم شده است، نمی توانند به دلیل عرف، دین شناسی ما را منع کنند.

59. مؤمنان از هر دو عبادت استفاده می کنند و ما از هر دو استفاده می کنیم. ما معتقدیم که یکی از آنها جلال کامل را به روح نسبت می دهد. با این حال، ممکن است با استفاده یکسان کتاب مقدس از حرف ربط و و حرف اضافه با، دهان این مفسدان حقیقت راحت تر ساکت شود. مخالفان ما هیچ سلاحی در برابر این استدلال ندارند و بنابراین برای حمله ما کاملاً باز مانده اند. «پول و سیلوانوس و تیموتائوس» دقیقاً به معنای پولس با تیموتاوس و سیلوانوس است. هر کدام[301] از عبارت ها ترکیبی از نام ها را حفظ می کند. خداوند گفت , . پدر و پسر و روح القدس؛ "0% اگر بگویم "پدر و پسر با روح القدس" آیا معنای چیزی را تغییر داده ام؟ موارد زیادی از این پیوند و استفاده برای اتصال یک سری نام وجود دارد: فیض خداوند عیسی مسیح و عشق به خدا و مشارکت روح القدس."

299 ص. 104:37، (LXX).
300 Ps. 43:9، (LXX).
301 تز. 1:1.
302 رجوع کنید به متی 28:19.
s03 II Cor. 13:14.

"ای برادران، به خداوند ما عیسی مسیح و محبت روح به شما متوسل می شوم." من نمی توانم هیچ کدام را ببینم، مگر اینکه یک دستور زبان متبحر اصرار داشته باشد که یک حرف ربط مختصات، اتحادی قوی تر از حرف اضافه ایجاد می کند. حتی اگر چنین بود، برای دفاع از خود در این مورد نیازی به استدلال طولانی نداشتیم. آنها واقعاً نگران هجاها یا کاربردهای مختلف کلمات نیستند، بلکه نگران دفاع از موقعیتی هستند که از نظر اقتدار و حقیقت کاملاً متفاوت از موقعیت ماست. واقعاً تفاوت چندانی ندارد که کدام هجاها استفاده می شود، اما آنها می خواهند برخی را قدیس کنند و برخی دیگر را از کلیسا حذف کنند! من توضیح خواهم داد که چرا پدران ما شروع به استفاده از حرف اضافه با در لفظ شناسی کردند، اگرچه به نظر من دلیل آن حتی برای کسی که برای اولین بار آن را می شنود واضح است. با و و می تواند به همان اندازه در مبارزه با شرارت سابلیوس مفید باشد، زیرا هر کدام نشان می دهد که افراد متمایز هستند: "من و پدرم خواهیم آمد"، 305 یا "من و پدر یکی هستیم." 800 اما با کلمه ای بسیار مفید است زیرا گواه ارتباط ابدی و همکاری بی وقفه است. اگر می گوییم پسر با پدر است، منظورمان دو چیز است: اول اینکه افراد آنها متمایز هستند، و دوم اینکه آنها به طور جدایی ناپذیر در مشارکت متحد هستند. ما می‌توانیم همین امر را در امور انسانی مشاهده کنیم: و نشان می‌دهد که یک عمل توسط بیش از یک نفر انجام می‌شود، اما مشارکت بین افراد را به وضوح آشکار می‌کند. برای مثال، اگر بشنویم که پولس و تیموتائوس با کشتی به مقدونیه رفتند، یا تیخیکوس و اونسیموس نزد کولسیان فرستاده شدند، می‌دانیم که هر یک از زوج‌ها عمل خاصی را انجام داده‌اند. اما اگر به ما می گفتند که آنها با یکدیگر کشتی کردند یا یکی با دیگری فرستاده شد، علاوه بر این می فهمیدیم که آنها عمل مشترک را انجام داده اند. بنابراین نه تنها کلمه با بدعت سابلیوس را از بین می برد، مانند هیچ دیگری

---

304 رام ساعت 15:30

ساعت scs Cf. 14:23 .جان. s08 Jn. 10:30

کلمه می تواند، اما همچنین کسانی را که در جهت مخالف اشتباه می کنند شکست می دهد، منظور من کسانی است که از فواصل زمانی برای جدا کردن پسر از پدر استفاده می کنند و می گویند زمانی بود که پسر نبود، یا روح از پسر، روح را موجودی مخلوق می خواند.

60. تا آنجا که به تفاوت‌های in و with مربوط می‌شود، آنها به شرح زیر هستند: با نشان می‌دهد که افراد متقابلاً در یک عمل مشترک سهیم هستند، به عنوان مثال، با کشتی دریانوردی، یا زندگی در یک خانه با آنها، یا انجام هر چیز مشترک دیگری. در به رابطه آنها با مکان یا چیزی که در آن عمل انجام می شود اشاره دارد. به محض شنیدن کلمات "آنها در..." یا "آنها در... زندگی می کنند. بلافاصله قایق یا خانه ای را به تصویر می کشیم. این تفاوت عادی بین این دو کلمه در استفاده معمولی است؛ اگر بخواهیم سخت کوش باشیم، می توانیم نمونه های بیشتری را کشف کنیم، اما من دیگر فرصتی برای تجزیه و تحلیل هجاها ندارم. من نشان داده ام که اتحاد به وضوح نشان داده می شود، اگر این کلمه با این کلمه ایمن است، رفتار شما را ایمن می کنید، با این کلمه ایمن هستید. جنگ وحشیانه و بی وقفه در برابر آن، اگر کسی بخواهد این نام را با این کلمه ملحق کند (همانطور که ما در غسل تعمید انجام می دهیم)، اجازه ندهید که هیچ کس مخالفت کند، اگر بخواهید این کلمه را می پذیرد آنها را به جنگ با ما برمی انگیزاند که ما باید به روح القدس جلال بدهیم، اما هرگز و روح القدس را با شور و اشتیاق در دست می گیرند که گویی حاوی قدرتی برای پایین آوردن روح است. خدمت به سمت جلال روح.

# فصل 26. راه‌های زیادی وجود دارد که می‌توان به طور مناسب در رابطه با روح استفاده

61. اگرچه در واژه ای کوتاه و ساده است، اما به نظر من به طرق مختلف استفاده می شود. با این حال، ما کشف خواهیم کرد که همه این کاربردها زمانی مناسب هستند که در مورد روح اعمال شوند. مثلاً می گوییم صورت در ماده می ماند، یا قدرت در گیرنده اش ساکن است، یا عادت خاصی بر شخصی که خانه اش را در او می سازد، تأثیر می گذارد و غیره. بنابراین، از آنجا که روح القدس موجودات دارای عقل را کامل می کند، به همان شکلی که در ماده حضور دارد، در آنها حضور دارد. چنین شخصی دیگر بر اساس جسم زندگی نمی کند، بلکه توسط روح خدا هدایت می شود.

او را پسر خدا می نامند، زیرا به صورت پسر خدا شبیه است. ما او را یک مرد روحانی می نامیم.
توانایی دیدن در یک چشم سالم است. به همین ترتیب روح در یک روح پاک عمل می کند: پولس دعا می کند که چشمان افسسیان توسط روح خرد روشن شود. مهارت هنری در هنرمند ساکن است و فیض روح همیشه در گیرنده آن وجود دارد، حتی اگر فیض دائماً در کار نباشد. مهارت هنرمند در درون او وجود دارد. تنها در صورتی که کار کند پتانسیل فعال می شود. روح پیوسته با کسانی که شایسته هستند حضور دارد، اما به طور فعال در حد نیاز او عمل می کند، چه در نبوت، چه در شفا یا سایر کارهای شگفت انگیز. عوامل متغیری در بدن ما وجود دارد، مانند سلامتی یا تب، و حضور روح در روح ما قابل مقایسه است، زیرا او با کسانی که اراده هایشان ناپایدار است نمی ماند. چنین افرادی استقامت ندارند و فیض را که دریافت کرده اند را از خود دور می کنند. مثال شائول (که روح خداوند از او خارج شد) را در نظر بگیرید

---

B07 Eph. 1:17. B08 16:14 رجوع کنید به من سام.

هفتاد نفر از بزرگان بنی اسرائیل (به استثنای الداد و مداد، تنها کسانی که روح با آنها باقی ماند)، a0 یا هر کس دیگری مانند اینها در رفتار.

باز هم کار روح القدس شبیه عمل عقل در روح ما است که گاهی قلب ما را به فکر می کشاند و گاهی زبان ما را برای گفتن به حرکت در می آورد، زیرا خود روح با روح ما شهادت می دهد و در قلب ما فریاد می زند: "آبا! پدرا!" o در مواقع دیگر او از جانب ما صحبت می کند، مانند زمانی که می گوید: این شما نیستید که صحبت می کنید، بلکه روح پدر از طریق شما صحبت می کند. 311 باز هم، وقتی توزیع هدایا را در نظر می گیریم، متوجه می شویم که روح یک کل است که به اجزاء تقسیم شده است، زیرا همه ما اعضای یکدیگر هستیم و عطایایی داریم که بر اساس فیضی که به ما داده شده متفاوت است. 12 چشم نمی تواند به دست بگوید: "من به شما نیازی ندارم" یا دوباره سر به پاها بگوید: "من به شما نیازی ندارم، بلکه به کمک هر یک از اعضای روح مسیح به تمام اعضاء روح نیازی ندارم، بلکه به کمک هر یک از اعضای روح در تمام اعضاء روح." کمک های ارائه شده توسط هدایای منحصر به فردی که دریافت کرده است. خداوند اعضای بدن را، هر یک از آن‌ها را آن‌گونه که خود انتخاب کرد، مرتب کرد، تا اعضاء از یکدیگر مراقبت یکسانی داشته باشند، زیرا از ابتدا از نظر روحی در همدردی با یکدیگر متحد شده‌اند. "اگر یک عضو رنج می‌کشد، همه با هم رنج می‌برند، اگر یک عضو مورد احترام قرار می‌گیرد، همه با هم شادی می‌کنند." SS ما در روح به عنوان اعضای منفرد یک بدن زندگی می کنیم، زیرا همه ما در یک روح، در یک بدن تعمید یافتیم. 813

62. اگرچه متناقض است، اما درست است که کتاب مقدس مکرراً از روح بر حسب مکان صحبت می کند - مکانی که مردم در آن مقدس می شوند. ما نشان خواهیم داد که حتی این شکل گفتار روح را تحقیر نمی کند. بلکه او را تسبیح می کند. کلماتی که

---

s09 CE. شماره 11:26 بعد از ظهر
310 رام 8:16، 15.
811 کوه 10:20.
13 رام 12:6-7.
S13 I Cor. 13:21.
314 I Cor. 12:18.
S15 I CO. 12:25، 26.
S16 CE. 12:13 من کور.

معمولاً معنای فیزیکی دارند، به دلیل وضوح، مکرراً توسط کتاب مقدس به سطح معنوی منتقل می شوند. برای مثال، مزمورنویس می‌گوید: «برای من خدای حافظ و قدرتی باش تا من را نجات دهی» و در اشاره به روح خدا می‌گوید: «اینک، جایی در کنار من وجود دارد، تو بر صخره بایستی.» این «مکان» تفکر در روح است، و هنگامی که موسی وارد این «مکان» شد، خداوند خود را بر او آشکار کرد. فقط در این «مکان» خاص می توان عبادت واقعی را عرضه کرد. شریعت گفت: مواظب باشید قربانی‌های سوختنی خود را در هر مکانی که می‌بینید تقدیم نکنید، بلکه در مکانی که خداوند انتخاب خواهد کرد. » 310 اما قربانی سوختنی روحانی چیست جز قربانی حمد؟ کجا می توانیم آن را ارائه دهیم؟ فقط در روح القدس! این را از کجا یاد گرفتیم؟ از خود خداوند: پرستندگان واقعی پدر را در روح و به راستی پرستش خواهند کرد. یعقوب این "مکان" را دید و گفت: " خداوند در این مکان است." 81 روح در واقع محل سکونت مقدسین است، و قدیس محل مناسبی برای روح است، زیرا او خانه ای به خدا داده است و معبد خدا نامیده می شود. به طور مشابه، پولس در مسیح صحبت می کند. او می‌گوید: «در نظر خدا در مسیح سخن می‌گوییم» 92 و مسیح در پولس صحبت می‌کند: *شما می‌خواهید اثبات کنید که مسیح در من سخن می‌گوید.» همان پولس اسرار را در روح بر زبان می‌آورد.»4 و روح نیز در پولس صحبت می‌کند.

63. گفته می شود که روح در موجودات مخلوق به طرق مختلف ساکن است، اما تا آنجا که به رابطه او با پدر و پسر مربوط می شود، بهتر است بگوییم که او با آنها ساکن است، نه در آنها. کسانی که شایسته هستند فیض او را دریافت می کنند و او در درون آنها کار می کند. با این حال، ما نمی توانیم پیش ازلی او را در نظر بگیریم

317 ص. 70:3، (LXX)).
S18 Ex. 33:21, (LXX).
319 تثنیه. 12:13-14.
رجوع کنید به جان. 4:23 a20.
321 پیدایش 28:16.
322 TI Cor. 2:17.
323 دوم کور. 3:13.
324 اول کور، 14:2.

وجود و حضور دائمی با پسر و پدر، مگر اینکه به دنبال کلماتی بگردیم که به درستی بیانگر چنین اتحاد ابدی باشد. همزیستی واقعاً دقیق را فقط می توان در مورد چیزهایی که متقابل جدایی ناپذیرند، پیش بینی کرد. مثلاً میگوییم گرما در آهن داغ وجود دارد، اما با آتش همراه است، یا سلامتی در بدن وجود دارد، اما زندگی با روح همراه است. هر گاه اتحاد بین چیزها صمیمی، طبیعی و غیرقابل تفکیک باشد، استفاده از آن مناسب تر است، زیرا این کلمه نشان دهنده اتحاد غیرقابل تقسیم است. از سوی دیگر، در مواقعی که فیض روح میآید و میرود، بهتر است بگوییم که روح در کسی وجود دارد، حتی در مورد افراد خوشانظر که او پیوسته با آنها میماند.

بنابراین، وقتی رتبه روح را در نظر می گیریم، او را در کنار پدر و پسر می دانیم، اما وقتی اعمال فیض او را بر گیرندگان آن در نظر می گیریم، می گوییم که روح در ماست. اگر می گوییم: «جلال پدر بوسیله پسر در روح القدس»، رتبه روح را توصیف نمی کنیم، بلکه به ضعف خود اعتراف می کنیم، زیرا نشان می دهیم که به تنهایی قادر به تجلیل خدا نیستیم. فقط در روح این امر ممکن می شود. در او ما می توانیم از خدا برای نعمت هایی که دریافت کرده ایم تشکر کنیم. تا جایی که ما از شر پاک می شویم، هر کدام بخش کوچکتر یا بزرگتری از کمک روح دریافت می کنند تا هر یک قربانی ستایش خدا را تقدیم کنند. اگر خدا را در روح تجلیل می کنیم، منظورمان این است که روح ما را قادر می سازد تا الزامات دین واقعی را برآورده کنیم. پس بر اساس این کاربرد، می گوییم در روح هستیم، اما ایرادی ندارد که کسی شهادت دهد، «روح خدا در من است، و من اغلب جلال می ورزم، زیرا فیض او به من حکمت این کار را داده است». سخنان پولس مناسب است: "من فکر می کنم که روح خدا را دارم" و "حفاظت از حقیقتی است که توسط روح القدس که در درون ما ساکن است به شما سپرده شده است." 328 همینطور گفته شده است:

---

325 J Cor. 7:40

328 جی تیم. 1:14.

در مورد دانیال: روحالقدس خدا در شماست.» در مردانی با فضیلت مشابه را میتوان به همین شکل توصیف کرد.

64. ما منکر این نیستیم که چیز دیگری از این شیوه بیان دکسولوژی قابل درک است. ما می آموزیم که همانطور که پدر در پسر قابل مشاهده است، پسر نیز در روح شناخته می شود. پرستش در روح به این معناست که هوش ما روشن شده است.

به سخنانی که به زن سامری گفته شد توجه کنید. او با عرف محلی فریب خورد و باور کرد که عبادت فقط در یک مکان خاص قابل انجام است، اما خداوند، در تلاش برای اصلاح او، گفت که پرستش باید در روح و در حقیقت انجام شود. اگر بگوییم که عبادت انجام شده در پسر (حقیقت) عبادتی است که به صورت پدر انجام می شود، می توانیم در مورد عبادت ارائه شده در روح نیز همین را بگوییم زیرا روح در خود الوهیت خداوند را آشکار می کند. روح القدس را نمی توانٍ در پرستش از پدر و پسر جدا کرد. اگر خارج از روح بمانید، اصلاً نمی توانید پرستش کنید، و اگر در او باشید، نمی توانید او را از خدا جدا کنید. نور را نمی توان از آنچه که نمایان می کند جدا کرد، و تشخیص مسیح، تصویر خدای نامرئی برای شما غیرممکن است، مگر اینکه روح شما را روشن کند. هنگامی که تصویر را می بینید، نمی توانید نور را نادیده بگیرید. شما نور و تصویر را به طور همزمان می بینید.

مناسب است که وقتی مسیح را می بینیم، درخشندگی جلال خدا، همیشه از طریق نور روح است.
از طریق مسیح تصویر، باشد که ما به پدر هدایت شویم، زیرا او مهر شباهت پدر را دارد.

---

337 دان. 4:6، (LXX). s28 C£. 4:24 .جان.

## فصل 27. کلمه with چگونه شروع به استفاده کرد؟ قدرت آن چیست؟ همچنین در مورد قوانین نانوشته کلیسا.

65. مخالفان ما ادعا می کنند که کلمه in مناسب ترین کلمه برای روح است، زیرا هر فکری در مورد او به اندازه کافی با استفاده از آن بیان می شود، آنها می پرسند که چرا ما این عبارت جدید را با روح معرفی کرده ایم به جای استفاده از *در روح القدس. آنها ادعا می کنند که چنین بیانی غیر ضروری است و در هیچ سنت کلیسایی یافت نمی شود. اما من قبلاً در این رساله ثابت کرده‌ام که کلمه در منحصر به روح نیست، بلکه معمولاً برای پدر و پسر به کار می‌رود، علاوه بر این، من معتقدم که به اندازه کافی نشان داده‌ام که این کلمه چیزی از شأن روح کم نمی‌کند. نه تنها این؛ من ادعا می کنم که استفاده از آن همه را به بالاترین حد ممکن می رساند، به جز کسانی که ذهنشان مسموم است. برای من باقی مانده است که منشا و نیروی کلمه "با" را توصیف کنم و نشان دهم که استفاده از آن مطابق با کتاب مقدس است.

66. در مورد تعالیم کلیسا، خواه علناً اعلام شود (کریگما) یا مختص اعضای خانواده ایمان (دگمتا)، ما برخی را از منابع مکتوب دریافت کرده‌ایم، در حالی که برخی دیگر مخفیانه از طریق سنت رسولی به ما داده شده است. هر دو منبع در دین واقعی دارای قدرت یکسانی هستند. هیچ کس هیچ یک از این منابع را انکار نمی کند - به هر حال هیچ کس که حتی اندکی با احکام کلیسا آشنا باشد. اگر به آداب و رسوم نانوشته حمله می‌کردیم و ادعا می‌کردیم که آن‌ها اهمیت کمی دارند، انجیل را بدون توجه به قصدمان به طرز مرگباری مثله می‌کردیم - یا بهتر است بگوییم تعلیم انجیل را کاهش می‌دادیم.

به کلمات عریان. به عنوان مثال (برای در نظر گرفتن اولین و رایج ترین مثال)، این تعلیم مکتوب که ما باید کسانی را که با اعتماد به نام خداوند ما عیسی مسیح، باید به عنوان کاتچومن ثبت نام شوند، با علامت صلیب امضا کنیم، کجاست؟ کدام کتاب به ما یاد می دهد که رو به شرق نماز بخوانیم؟ آیا مقدسینی برای ما در نوشتن کلماتی که در دعا بر نان عشای ربانی و جام برکت به کار می روند، باقی مانده اند؟ همانطور که همه میدانند، ما در مراسم عبادت صرفاً به بازخوانی کلمات ضبط شده توسط سنت پولس یا اناجیل راضی نیستیم، بلکه کلمات دیگری را هم قبل و هم بعد از آن اضافه میکنیم، کلماتی که برای این راز اهمیت زیادی دارند.

این کلمات را از آموزش نانوشته دریافت کرده ایم.
ما آب غسل تعمید و روغن را برای جشن کریسمس و همچنین نامزدی که به فونت نزدیک می شود را برکت می دهیم. اگر از روایات سری و عرفانی نیست، با کدام مقام مکتوب این کار را انجام می دهیم؟ حتی فراتر از برکت روغن، چه حکم کتبی داریم که با آن مسح کنیم؟ در مورد غسل تعمید یک مرد با سه غوطه ور شدن، یا سایر مراسم تعمید، مانند دست کشیدن از شیطان و فرشتگانش، چطور؟ آیا همه این چیزها در آموزه های منتشرنشده و نانوشته ای که پدران ما در سکوت از آن محافظت می کردند، از دخالت و کنجکاوی های کوچک مصون نیست؟ آنها درس خود را خوب آموخته بودند. احترام به اسرار به بهترین وجه با سکوت تشویق می شود. ناآگاهان حتی اجازه حضور در اسرار را نداشتند. چگونه می توانید انتظار داشته باشید که این آموزه ها در اسناد عمومی مطرح شود؟ چرا موسی بزرگ هر قسمت از خیمه را به روی همه باز نکرد؟ s20 ناپاک را بیرون از محوطه مقدس قرار داد، در حالی که اولین بارگاه برای پاکان تشریفاتی تعیین شده بود. او فقط لاویان را شایسته خدمت به خدا دانست، در حالی که قربانیها، قربانیهای سوختنی و سایر وظایف کاهنان به کاهنان محفوظ بود. 91 دلار فقط یک نفر که از بین همه کشیش ها انتخاب شده بود در درونی ترین مقدّس پذیرفته شد.

331 شماره، 18:7. .تعداد، 18:22 تن s30 329 رجوع کنید به شماره 4:20.

تواری، 8 اما هر سال فقط در یک روز، حتی در این یک روز فقط برای مدت کوتاهی وارد شد، تا از بدیع و غریبی نگاه کردن به عتبات عالیات شگفت زده شود. موسی به اندازه کافی عاقل بود که متوجه شد ساده بودن و آشنا بودن باعث تحقیر می شود، اما چیزهای غیرعادی و ناآشنا طبیعتاً علاقه مشتاقانه را به دنبال دارد. به همین ترتیب، هنگامی که رسولان و پدران احکامی را برای کلیسا وضع کردند، از همان ابتدا از حرمت اسرار با سکوت و پنهانی محافظت کردند، زیرا آنچه در خارج از کشور به طور تصادفی برای هر کسی سروصدا می شود، اصلاً راز نیست. ما سنت نانوشته ای داریم تا دانش جزمی در اثر آشنایی مورد غفلت و تحقیر قرار نگیرد. دگما یک چیز است، کریگما چیز دیگری است. اولی در سکوت مشاهده می شود، در حالی که دومی به جهانیان اعلام می شود. یکی از اشکال سکوت، ابهامی است که در برخی از بخش‌های کتاب مقدس یافت می‌شود، که درک معنای برخی از جزم‌ها را به نفع خود خواننده دشوار می‌سازد. به عنوان مثال، همه ما رو به شرق نماز می خوانیم، اما عده کمی می دانند که ما این کار را انجام می دهیم، زیرا به دنبال بهشت هستیم، سرزمین پدری قدیم خود، که خدا در شرق در عدن کاشت. تصویری از عصر آینده، موسی آن را روز اول نمی‌نامد: « و شام بود و یک روز بود،» از این رو «یک» و «هشت» یکسان هستند، و «یک» واقعاً به این روز اشاره دارد

---

32 دلار سابق 30:10: Lev. 16:2.

333 پیدایش، 2: 8.

334 کول.3:1.

s35 1:5 پیدایش.

مزامیر.6 این روز حالتی را نشان می‌دهد که قرار است عصر حاضر را دنبال کند: روزی بدون غروب، شب، یا جانشین، عصری که نه پیر می‌شود و نه به پایان می‌رسد. بنابراین لازم است کلیسا به فرزندان تازه متولد شده خود بیاموزد که در این روز به نماز بایستند تا همیشه زندگی جاودانی را یادآور شوند و از آمادگی برای سفر خود غافل نشوند. کل فصل پنطیکاست نیز یادآور رستاخیز ما در عصر آینده است. اگر آن روز را اول روز بشماریم و سپس آن را در هفت ضرب در هفت کنیم، هفت هفته عبادت مقدس را تمام کرده ایم و فصل در همان روزی که شروع شده (یکشنبه) با گذشت پنجاه روز تمام می شود. بنابراین این فصل تصویری از ابدیت است، زیرا در یک نقطه شروع می شود و مانند یک دایره به پایان می رسد. در طی این زمان، احکام کلیسا به ما دستور می‌دهد که ایستاده دعا کنیم، و با این یادآوری، ذهن ما به جای تمرکز بر آینده، بر روی آینده تمرکز می‌کند. همچنین، هر بار که برای نماز زانو خم می‌کنیم و دوباره برمی‌خیزیم، با این عمل نشان می‌دهیم که از طریق گناه به زمین افتادیم، اما خالق ما، عاشق انسان، ما را به بهشت فرا خوانده است.

67. اگر بخواهم همه اسرار نانوشته کلیسا را فهرست کنم، زمان من را ناکام می گذارد، بنابراین به هیچ چیز دیگری اشاره نمی کنم، جز این: در کدام نوشته ها اعتراف به ایمان به پدر، پسر و روح القدس را می یابیم؟ اگر ما موظفیم به چیزی که در آن تعمید گرفته ایم ایمان بیاوریم، پس باید اعتراف به ایمان خود را با همان عبارات غسل تعمید خود انجام دهیم. از آنجایی که ما آن اصطلاحات را از سنت غسل تعمید دریافت کرده‌ایم، اجازه دهید مخالفان ما از اصول دین واقعی پیروی کنند و به ما اجازه دهند که با همان اصطلاحاتی که برای اظهار ایمان خود استفاده می‌کنیم، خدا را جلال دهیم. اگر آنها از پذیرش دعاشناسی ما امتناع کردند، زیرا ما مجوز کتبی برای آن نداریم، اجازه دهید

386 رجوع کنید به ص 6 و 12، (LXX).

شواهد کتبی برای اظهار ایمان و سایر اعمالی که برشمردیم به ما بدهید. از آنجایی که سنت‌های نانوشته زیادی وجود دارد که اهمیت زیادی در راز دین واقعی دارند، چگونه می‌توانند از استفاده از کلمه‌ای که از پدران به ما رسیده است خودداری کنند - کلمه‌ای که ما کشف کردیم در کلیساهای منحرف نشده و ناخواسته توسط عرف منتقل شده است؟ آیا آنها نمی بینند که دلایل این کلمه قوی است و سهم آن در قدرت رمز و راز به هیچ وجه کم نیست؟

68. نیروی هر دو عبارت را توضیح داده ام.

اکنون مجدداً شباهت ها و تفاوت های آنها را در کاربرد شرح خواهم داد. آنها عبارات متضاد نیستند. تا آنجا که به دین واقعی مربوط می شود، به سادگی هر یک معنای منحصر به فرد دارد. حرف اضافه در رابطه بین ما و روح را بیان می کند، در حالی که با بیانگر ارتباط روح با خدا است. بنابراین ما از هر دو کلمه استفاده می کنیم: دومی بیانگر کرامت روح است، در حالی که اولی فیضی را که به ما داده شده است. ما خدا را هم در روح و هم با روح تجلیل می کنیم. ما این کلمه را اختراع نکرده‌ایم، اما از تعالیم خداوند به عنوان قانون خود پیروی می‌کنیم، و این کلمه را به چیزهایی منتقل می‌کنیم که از نظر منطقی مرتبط هستند، و در یک راز مشترک شریک هستند: او در فرمول تعمید با آنها شماره شده است، و ما لازم می‌دانیم که نام آن‌ها را به همان صورت ترکیب کنیم زمانی که ایمان خود را اظهار می‌کنیم، و با منشأ و منشأ ایمان رفتار می‌کنیم.

حالا چه کار می توانند بکنند؟ یا باید به ما بیاموزند که به روشی که به ما تعلیم داده شده است تعمید ندهیم، یا آنگونه که تعمید داده ایم ایمان نیاوریم، یا آن گونه که باور داریم تجلیل نکنیم. آیا کسی می تواند انکار کند که توالی رابطه در این اعمال لزوماً باید ناگسستنی باقی بماند؟ آیا کسی انکار خواهد کرد که نوآوری در اینجا به معنای فاجعه در همه جا خواهد بود؟ با این حال آنها همچنان در گوش ما فریاد می زنند که جلال دادن با روح القدس غیرمجاز است، بدون نسخه-

ما قبلاً گفتیم که تا آنجا که به درک ما مربوط می شود، گفتن "جلال پدر و پسر و روح القدس" به معنای "جلال پدر و پسر با روح القدس" است. ما کلام و از همان کلمات خداوند دریافت کرده‌ایم و هیچ کس جرات انکار یا لغو آن را ندارد، پس چه چیزی می‌تواند مانع پذیرش معادل آن شود؟ ما قبلاً شباهت ها و تفاوت های بین این دو کلمه را نشان داده ایم. استدلال ما با این واقعیت تأیید می‌شود که رسول از هر دو کلمه متفاوت استفاده می‌کند: او در یک جا می‌گوید «به نام خداوند ما عیسی مسیح و به روح خدای ما»، s97 و در جای دیگر، * هنگامی که شما جمع شدید و روح من حاضر شد، با قدرت خداوند ما عیسی. او آشکارا نمی داند که استفاده از حرف ربط یا حرف اضافه به هیچ وجه بر ترکیب نام ها تأثیر می گذارد.

338 99

فصل 28. اگرچه کتاب مقدس مردان را توصیف می کند

مخالفان ما به عنوان پادشاهی همراه با مسیح، اجازه نخواهند داد که این کلمه در مورد روح به کار رود.

69. بیایید ببینیم آیا می توانیم دفاعی برای استفاده پدرانمان از این کلمه در نظر بگیریم، زیرا کسانی که این عبارت را شروع کردند بیش از خود ما مقصر هستند. پولس در رساله به کولسیان می گوید: «و شما را که در گناهان و ختنه نشدن بدن خود مرده بودید، خدا با مسیح زنده کرد.» a0 آیا خدا به کلیسا و به کل نژاد هدیه زندگی با مسیح را داد؟

337 I Cor. 6:11. 338 تی کور. 5:4. s39 2:13 .کل.

اگر زندگی با مسیح هیچ ربطی به روح القدس ندارد؟ اگر حتی
اندیشیدن به چنین چیزی اهانت آمیز است، آیا اعتراف به ایمان خود
به کسانی که ذاتاً از نزدیک با هم متحد شده اند، محترمانه نیست؟
چه کمبود بی حد و حصر عقل سلیم! این مردان اعتراف میکنند که
مقدسین با مسیح هستند (زیرا پولس با اطمینان میگوید که
ترجیح میدهد از بدن دور باشد و با مسیح در خانه باشد، 40 و تمایل
او خروج و بودن با مسیح است)، با این حال جرأت میکنند روح را حتی از
ارتباطی که مسیح با انسانها به اشتراک میگذارد رد کنند![841] پولس
خود را همکار خدا در اداره انجیل می خواند. آیا اگر روح را همکار بنامیم،
آیا ما را به کفر محکوم خواهند کرد، زیرا انجیل از طریق او در هر موجود
زیر آسمان میوه می دهد؟ به نظر من اگر زندگی کسانی که به خداوند
توکل کردهاند با مسیح در خدا پنهان است، و وقتی مسیح که زندگی
آنهاست ظاهر شود، آنها نیز با جلال با او ظاهر خواهند شد، پس
چگونه روح حیات که ما را از شریعت گناه آزاد کرده است، چه در زندگی
پنهان و پنهان خدا، چه در تجلی قدیس که انتظار داریم آشکار شویم،
با مسیح نباشد؟ ما وارثان خدا و هم وارثان مسیح هستیم، اما آیا روح
در مشارکت خدا و مسیح او ارث یا سهمی ندارد؟ «این خود روح است که
با روح ما شهادت میدهد که ما فرزندان خدا هستیم.* 40آیا ما روح را 344
از شهادت او در مشارکت با خدا که خداوند به ما آموخته است محروم
خواهیم کرد؟ به راستی که این اوج حماقت است.

اگر ما از طریق ایمان به مسیح که فقط در روح می توانیم اعتراف
کنیم، امیدواریم که برخیزانیم و با مسیح در مکان های آسمانی
بنشینیم،*» و او بدن پست ما را از حالت طبیعی به روح تبدیل
خواهد کرد. ۷

340 II Cor. 5:8.
341 فیل. 1:23.
342 رجوع کنید به من کور. 3:9.
343 Cf, Col. 3: 3-4.
344 Cf, Rom. 8:2.
345 رام 8:17.
340 رام 8:16.
AT Eph. 2:6.

اما، چگونه می‌توانیم اجازه ندهیم که روح در این تاج و تخت، یا جلال، یا هر چیز دیگری که از او دریافت کرده‌ایم، سهمی نداشته باشیم! ما بر این باوریم که از طریق وعده مطمئن مسیح، لایق عطای بسیاری شده ایم. آیا اجازه می‌دهیم روح‌القدس هیچ‌یک از آنها را نداشته باشد، گویی که در شأن آنها نیست؟ این افتخار شماست که همیشه با خداوند باشید. انتظار دارید "در ابرها گرفتار شوید تا خداوند را در هوا ملاقات کنید و همیشه با خداوند باشید". * چگونه می توانید انکار کنید که روح با مسیح است و مردی را که روح را با پدر و پسر شماره می کند و رتبه بندی می کند به دلیل بی تقوای غیرقابل تحمل اعلام می کنید؟

70، من حتی از نوشتن مطالب زیر شرم دارم. شما انتظار دارید که همراه با مسیح تجلیل شوید (البته به شرطی که با او رنج ببریم تا ما نیز با او جلال پیدا کنیم)، اما از جلال دادن روح قدوسیت همراه با مسیح امتناع می ورزی، گویی که او حتی شایسته نیست که در جلال مشابه شما شریک شود، شما امیدوارید که با مسیح سلطنت کنید، اما به روح فیض توهین می کنید، زیرا به او حکم می کنید. من نمی گویم که روح فقط سزاوار همان جلالی است که ما امیدواریم دریافت کنیم، اما سعی می کنم کسانی را که حاضر نیستند حتی این را به او بدهند، شرمنده کنم و از مشارکت روح در جلال با پسر و پدر به گونه ای که گویی کفر باشد کناره گیری می کنم. چه کسی می تواند بدون آه از چیزهایی صحبت کند؟ حتی برای کسی که هوش کودکی دارد روشن نیست که وضعیت فعلی فقط آغاز یک کسوف قریب الوقوع ایمان است؟ آنچه زمانی غیرقابل انکار بود، اکنون از هر طرف مورد حمله قرار می گیرد. ما به روح ایمان داریم و سپس با عقیده خود نزاع می کنیم. ما غسل تعمید می گیریم و دوباره شروع به مبارزه می کنیم. ما روح را به عنوان شاهزاده زندگی می خوانیم و سپس او را به عنوان برده ای مانند خود تحقیر می کنیم.

ما او را با پدر و پسر پذیرفتیم، با این حال ما بی‌احرمت می‌اکنیم

348 رجوع کنید به فیل. 3:21; من کور. 15:44. 49 I Thess. 4:17. رام 8:17 S50.

او را جزئی از خلقت می خواند. ما نمی دانیم که چگونه آنطور که باید دعا کنیم، و قادر نیستیم حتی یک کلمه را که شایسته روح است به زبان بیاوریم، با این حال این مردان سعی می کنند با عباراتی که به دقت ساخته شده اند، او را به اندازه خود کوچک کنند. در عوض آنها باید برای بدبختی خود زاری کنند و بدانند که همه ما ناتوانیم که به اندازه کافی فیض های را که به آنها سرازیر شده ایم بیان کنیم، او از همه فهم ها می گذرد، و ناتوانی طبیعی گفتار ما را برای نزدیک شدن به شأن او آشکار می سازد، همانطور که در کتاب حکمت نوشته شده است: *او را ستایش کنید تا آنجا که می توانید او را برتر بدانید. هنگامی که او را ستایش می کنی، تمام نیروی خود را به کار می بند، و خسته نباشی، زیرا هرگز نمی توانی به اندازه کافی پیش بروی.» 352 حسابی که باید برای سخنان خود به خدایی بدهید که نمی تواند دروغ بگوید، که گفت کفر به روح القدس هرگز بخشیده نخواهد شد، چقدر ترسناک خواهد بود؟

353

فصل 29. شمارش مردان سرشناس کلیسا که از کلمه با در نوشته های خود استفاده کرده اند.

71. ایراد این است که هیچ مرجع کتبی برای دعاشناسی به شکل «با روح» وجود ندارد، اما این تنها در صورتی معتبر است که هیچ سنت نانوشته دیگری یافت نشود.
با این حال، اگر بسیاری از اسرار ما از منابع نانوشته نقل شده است، پس اجازه دهید این راز را با بقیه دریافت کنیم. در روح رسولی پیروی از سنت های نانوشته است، همانطور که سنت پل می گوید: "شما را ستایش می کنم زیرا مرا در همه چیز به یاد می آورید و سنت ها را حفظ می کنید، حتی همانطور که آنها را به شما رسانده ام"، 4 دلار یا "استوار بایستید".

351 روم، 8:26.
352 قربان. 33:43-34.
353 تن 12:10.
354 I Cor. 11:2.

و سنت‌های را که توسط ما به شما یاد داده‌ایم به صورت شفاهی یا از طریق نامه[355 39] رعایت کنید.» یکی از این سنت‌ها اکنون مورد سؤال است، اگرچه کسانی که آن را آغاز کرده‌اند آن را به جانشینان خود منتقل کرده‌اند، و به‌واسطه عرف دیرینه در کلیساها استوار شده است. با گذشت زمان استفاده از آن افزایش یافته است. اگر من در محاکمه بودم، بدون هیچ مدرک کتبی برای دفاعم، آیا نمی‌توانستم اگر شاهدانم را متقاعد می‌کردم رای بدهم؟ بنابراین، از آنجای که « با شهادت دو یا سه شاهد، اتهامی قابل اثبات است.

به همین ترتیب، ما مجبوریم که آموزه های قدیمی را بپذیریم، زیرا قدمت خفن آنها باعث احترام می شود. بنابراین من کسانی را که از این کلمه حمایت کرده اند برای شما فهرست می کنم (مدت زمانی که این افراد پوشش می دهند قطعا باید در نظر گرفته شود و عبور ما از کنار بسیاری از آنها در سکوت را توجیه می کند). ما اولین نفری نبودیم که از این کلمه استفاده کردیم، چگونه می توانیم باشیم؟ در مقایسه با مدت زمانی که این کلمه به کار رفته است، همان طور که ایوب می گوید، بازه سال های خود ما مربوط به دیروز است.** از طرف خودم، استفاده از این کلمه را از پدران به ارث برده ام. این کار توسط مردی به من سپرده شد که سالهای زیادی را در خدمت خدا گذرانده بود.

من هم توسط او تعمید گرفتم و هم برای خدمت به کلیسا منصوب [ شدم، همانطور که بررسی کردم، تا آنجا که می توانستم، آیا هیچ یک از مردان مبارک قدیم این کلمات را که اکنون مورد بحث است به کار برده اند یا خیر، بسیاری را یافتم که به دلیل قدمت اولیه خود و همچنین - مطمئناً برخلاف مردان امروزی - به دلیل دقت دانش خود قابل توجه هستند. برخی از آنها با حرف اضافه و برخی دیگر با حرف ربط به اسماء در لفظ شناسی ملحق شدند، اما هیچ کدام از آنها حداقل در مورد اینکه واقعاً دین واقعی در مورد این سؤال چه می گوید اختلاف ندارند.

355 II 2:15 .تز. 350 دعوی 19:15. 357 شغل. 8:9.

72. ایرنائوس و کلمنت رومی و دیونیسیوس رومی و دیونیسیوس اسکندریه ای هستند که به طرز عجیبی نامه دوم خود را به نام خود « درباره اتهام و دفاع» به شرح زیر به پایان می رساند. من همان سخنان او را برای شما نقل می‌کنم: «از آنجایی که از پیشوایان پیشین ما شکل و حکمی دریافت کرده‌ایم، شکرگزاری را در هماهنگی با آنها انجام می‌دهیم، و با پیروی از هر آنچه به ما آموخته‌اند، نامه خود را به شما پایان می‌دهیم. به خدای پدر، و پسر خداوند ما عیسی مسیح، با روح‌القدس، جلال و فرمانروایی باد.» هیچ کس نمی تواند ادعا کند که کسی در این قسمت دستکاری کرده است: استفاده از عبارت "در روح" بسیار رایج تر است، با این حال توجه کنید که او در اینجا "با روح" را به کار می برد، و به عنوان دفاع از خود پیوسته اصرار دارد که با شکل و قاعده ای که قبلاً دریافت کرده است مطابقت داشته باشد. همین دیونیسیوس در وسط رساله خود علیه سابلیان می نویسد: "اگرچه آنها ادعا می کنند که ایده سه شخص ربوبیت را تقسیم می کند، اما خواه ناخواه سه نفر هستند. وگرنه تثلیث الهی را به کلی نابود می کنند." او دوباره می گوید: «پس از اینکه وحدت را شناختیم، باید الهی ترین تثلیث را در نظر بگیریم». کلمنت که خیلی زودتر نوشته است می گوید: «خدا زنده است و خداوند عیسی مسیح و روح القدس». *$8 اما اکنون بشنویم که چگونه ایرنائوس، که نزدیک به دوران رسولان می‌زیست، در مورد روح در کتاب خود علیه بدعت‌ها می‌نویسد: "رسول به درستی کسانی را که لجام گسیخته و تحت تاثیر شهوات خود هستند و هیچ تمایلی به روح القدس ندارند، جسمانی می‌خواند." در قسمتی دیگر می‌فرماید: «مراقب باشیم که با نداشتن سهمی در روح الاهی، به ملکوت آسمانی دست نمی‌یابیم، زیرا رسول می‌فرماید:

گوشت و خون نمی توانند وارث ملکوت خدا شوند. برای کسانی که اقتدار اوزبیوس قیصریه ای را به دلیل تاریخ گسترده او می پذیرند، اجازه دهید به

358 من کلم. 58.

بحث او از تعدد زوجات در میان گذشتگان. او در پیشگفتار خود برای این اثر، خدای مقدس انبیا، بخشنده نور، از طریق نجات دهنده ما عیسی مسیح، با روح القدس را فرا می خواند.»

73. اوریژن را در بسیاری از تفاسیر خود بر مزامیر می یابیم که از شکل عبادت «با روح القدس» استفاده می کند. تصورات او در مورد روح همیشه درست نیست، اما در بسیاری از بخش‌ها او نیروی استفاده از دیرباز را تشخیص می‌دهد، و سخنانش با دین واقعی همخوانی دارد. در کتاب ششم از تفسیر انجیل به نقل از یوحنا، اگر اشتباه نکنم، او به وضوح اعلام می کند که روح القدس را باید پرستش کرد، با استفاده از این کلمات: "شستشو با آب نماد پاکسازی روحانی است، هنگامی که پلیدی شرارت از روح شسته می شود. با این وجود، اگر انسان به این سه گانه تسلیم شود، خود را تسلیم این سر سه گانه می کند. منبع و چشمه فیض برای او، از طریق قدرت دعا (معجزه) باز در تفسیر رساله به رومیان می‌گوید: * قدرت‌های مقدس قادرند یگانه‌زاده و الوهیت روح‌القدس را منعکس کنند. ببینید که چگونه نیروی قدرتمند سنت اغلب مردان را وادار می کند که خود را بر خلاف عقاید خود بیان کنند. این شکل از دکسولوژی حتی برای آفریقایوس مورخ نیز آشنا بود. در پنجمین کتاب تاریخ خود می فرماید: ما که با معنای نبوت آشنا هستیم و از فیض ایمان غافل نیستیم، از پدر سپاسگزاریم که عیسی مسیح، نجات دهنده همه و خداوند ما را به ما مخلوقات خود داد. جلال و جلال اوست، با روح القدس، تا تمام اعصار.» آیات دیگری نیز با اعتبار مشکوک وجود دارد، اما تشخیص اینکه آیا آنها تغییر یافته اند یا نه، دشوار است، زیرا این تفاوت فقط از یک هجا تشکیل شده است.

---

358 در واقع او اشتباه می کند. این کتاب هشتم است.

با این حال، نقل قول های گسترده من را می توان از طریق متون واقعی تأیید کرد و از هرگونه دستکاری ناصادقانه در امان است.
حال ممکن است برخی بگویند مدرک بعدی من صغیره است، اما چون متهم به معرفی بدیع هستم، به دلیل قدمت زیاد آن، نمی توانم از آن صرف نظر کنم: پدران ما فکر می کردند که هدیه نور شام را با چیزی بهتر از سکوت پذیرایی کنند، بنابراین به محض ظهور آن را شکر کردند. ما نمی‌توانیم بگوییم چه کسی این کلمات شکرگزاری را هنگام روشن کردن چراغ‌ها سروده است، اما مردم از این کلمات باستانی استفاده می‌کنند و هیچ‌کس آنها را به خاطر خواندن «پدر، پسر و روح‌القدس خدا ستایش می‌کنیم» به کفر متهم نمی‌کند. اگر با سرود آتنوژنس آشنا باشید، a00 که او به عنوان هدیه برای شاگردانش به هنگام رفتن به شهادت خود در آتش، آنگاه می دانید که شهدا در مورد روح چه فکر می کنند. اما در این مورد به اندازه کافی گفتم.

74. گرگوری کبیر و سخنانش را کجا قرار دهیم؟ 201 آیا با رسولان و انبیا مردی را نشماریم که در یک روح سیر می کرد؟ او یک روز در زندگی خود از رکاب اولیاء خدا دور نشد. او به شدت وظایف انجیل را بدون تزلزل انجام داد. من این را می گویم: اگر آن روح را در خاندان خدا به حساب نیاوریم، در برابر حقیقت گناه می کنیم، زیرا او در کلیسای خدا به عنوان یک چراغ تابناک می درخشد. او با روح همکاری کرد و قدرت ترسناکی بر شیاطین به او داده شد.

او برای موعظه «اطاعت از ایمان در میان همه ملل»، 80 درصد، چنین فیض دریافت کرد که اگرچه وقتی به پونتوس رسید فقط مسیحیان را یافت، اما به زودی همه مردم را، چه در شهر و چه در روستا، به آنجا آورد.

---

300 به طور سنتی سرود شام مربوط به آیین بیزانس: oôG lAapòv یا "0 نور شادی بخش."

361 گریگوری عجایب‌کار، اسقف نئوقیصریه، شاگرد اوریگن.

s63 1:3 .روم.

شناخت خدا به نام قدرتمند مسیح، او حتی به رودخانه‌ها دستور داد که مسیرشان را تغییر دهند و یک بار که برخی از برادران بر سر دریاچه‌ای با هم نزاع می‌کردند و هر کدام می‌خواستند آن را برای خود تصاحب کنند، آن را خشک کرد. پیشگویی های او از امور آینده کمتر از سایر پیامبران نبود. توصیف همه معجزات او با جزئیات بسیار طول می کشد. در اثر عمل روح، او با فیض فراوانی مواجه شد، که در چنان نشانه ها و شگفتی های قدرتمندی ظاهر شد که حتی توسط دشمنان کلیسا او را موسی دوم نامیدند. به نظر می‌رسید نوری در هر کاری که از طریق فیض انجام می‌داد می‌درخشید، چه با گفتار یا کردار، و همه را به یاد قدرت آسمانی نامرئی که او را همراهی می‌کرد می‌انداخت. تا به امروز او منبع شگفتی بزرگی برای هموطنان خود است و حافظه او با گذشت زمان پیر نشده است و در کلیساها مانند سبزه بهار تازه باقی مانده است. هیچ عمل، کلمه، یا آیین مقدسی به آنهایی که او برای کلیسای خود ایجاد کرد، اضافه نشده است. در واقع، آن‌ها از چنان استفاده ابتدایی پیروی می‌کنند که افراد خارجی اغلب فکر می‌کنند خدماتشان ناقص است. جانشینان او اجازه هیچ نوآوری را نمی دهند، اما کلیساها را دقیقاً به همان روشی که او انجام می داد اداره می کنند. اکنون یکی از مؤسسات گرگوری، عبادت‌شناسی است به شیوه‌ای که اکنون مورد بحث قرار می‌گیرد، و کلیسای او این استفاده را به‌عنوان یک سنت دریافت‌شده از او حفظ می‌کند. اگر بر اثبات اصرار دارید، تنها کاری که باید انجام دهید این است که یک سفر کوتاه داشته باشید و خودتان آن را بشنوید. سلف خود من فیرمیلیان این دعاشناسی را اجرا کرد. شما می توانید آن را در نوشته های او بیابید، و معاصران Meletius می گویند که او مطمئناً از آن نیز استفاده کرده است.

اما چرا به استناد از منابع کهن ادامه دهید؟ آیا این یک کلمه رمز عبور در زمان ما نیست که با آن کسانی که دین راستین را دارند از کسانی که ندارند متمایز شوند؟ من زمانی شنیدم که یکی از بین‌النهرین‌ها، مردی با تجربه در زبان و دانش دقیق، می‌گوید که در کشور او نمی‌توان آموزه‌شناسی را به گونه‌ای دیگر بیان کرد، حتی اگر کسی بخواهد این کار را انجام دهد، زیرا قواعد دستوری زبان آن‌ها را مجبور می‌کند که از آنها استفاده کنند.

معادل حرف ربط "و." گویش کاپادوکیایی ما مشابه است. شاید روح پیش بینی کرد که این کلمه چقدر مفید خواهد بود، هنگامی که او عطای زبان را به شاگردان داد! در مورد کل غرب، تقریباً از ایلیریکوم تا مرزهای امپراتوری چطور؟ آیا این کلمه را ترجیح نمی دهد؟

75. چگونه می توانم مبتکر، یا خالق کلمات جدید باشم، در حالی که من تمام مردمان و شهرهایی را که به رسم قدیمی تر از خاطره هرکسی می باشند، به عنوان مبتکر و قهرمان این کلمه فهرست کرده ام، مردانی که ستون های کلیسا بودند، در تمام دانش ممتاز و سرشار از قدرت روح بودند؟
با همه اینها، مجموعه‌ای از دشمنان با ما می‌جنگند و هر شهر و روستا پر از تهمت‌زنان است، حتی در دورافتاده‌ترین مناطق. این چیزها برای دل‌هایی که به دنبال آرامش هستند، اندوه و درد می‌آورد، اما کسانی که به خاطر ایمان، رنج‌ها را تحمل می‌کنند، پاداش بزرگی خواهند یافت.
پس از همه اینها، شمشیر بدرخشد، تبر تیز شود، آتش از کوره بابل شدیدتر بسوزد، هر ابزار شکنجه بر ما زده شود.

برای من، هیچ چیز ترسناک تر از این نیست که از تهدیدهای خداوند علیه کسانی که به روح کفر می گویند نترسم.
خوانندگان محتاط در سخنان من یک دفاع رضایت بخش خواهند یافت: من کلمه ای را می پذیرم که برای مقدسین آشنا و عزیز است و با استفاده طولانی تأیید شده است. از روزی که انجیل برای اولین بار موعظه شد تا کنون، مورد استقبال کلیساها قرار گرفته و مهمتر از همه، مطابق با عدالت و دین واقعی تعریف شده است. و چه چیزی برای دفاع در روز قیامت آماده کرده ایم؟ من خواهم گفت که ما به جلال روح هدایت شدیم زیرا خود خداوند ابتدا او را گرامی داشت. او زمانی که فرمول تعمید را به ما داد، روح را با خود و پدر مرتبط کرد. ثانیاً از طریق همین تشرف بود که با معرفت خدا آشنا شدیم. اما بیشتر از همه، این تهدید به مجازات بود که ما را از تعاریف ناشایست دور نگه داشت

و نظرات تحقیرآمیز در مورد مخالفان ما، آنها چه خواهند گفت؟ آنها چه دفاعی برای کفرگویی خود خواهند داشت؟ آنها نه احترامی از احترامی که خداوند به روح قائل است نشان داده اند و نه از تهدیدهای او هراسی داشته اند. آنها مسئول اعمال خود هستند. در صورت تمایل می توانند نظر خود را تغییر دهند. من به نوبه خودم از صمیم قلب دعا می کنم که خدای خوب آرامش خود را در دل همه حاکم کند تا این مردانی که از غرور متورم شده اند و به شدت بر ما خشمگین هستند با روح مهربانی و محبت آرام شوند.

اما اگر آنها کاملاً وحشی شوند، خداوند به ما این امکان را بدهد که حداقل با صبر و حوصله تمام آنچه را که از دست آنها رنج می بریم تحمل کنیم. به هر حال، رنج برای ایمان برای کسانی که قبلاً حکم مرگ را در خود دارند، دردناک نیست. بلکه بی تابی ما برای جنگیدن در نبرد دشوار است. یک ورزشکار از مجروح شدن در مسابقه گلایه چندانی ندارد، اما اگر حتی در استادیوم پذیرفته نشود، عذاب خواهد کشید.

اما شاید این زمان برای سکوت باشد، همانطور که سلیمان حکیم در جامعه نوشت. وقتی زندگی با طوفانی چنان سهمگین به هم می ریزد که ذهن همه کسانی که در کلام آموزش می بینند دچار سردرگمی می شود و مملو از فریب استدلال های نادرست می شود، مثل چشمی که از شن کور شده است، وقتی همه در بهت و مبهوت صداهای عجیب و وحشتناک می مانند، وقتی همه دنیا تکان می خورد و همه چیز در حال لرزیدن است، باد چه فایده ای دارد؟

## فصل 30. شرح شرایط فعلی کلیساها.

76. شرایط کنونی خود را با چه چیزی مقایسه کنم؟

این مانند یک نبرد دریایی است که توسط نزاع های قدیمی برافروخته شده است، جنگ توسط مردان عاشق جنگ، که نفرت نسبت به یکدیگر پرورش می دهند،

و تجربه طولانی در جنگ دریایی دارند. به تصویر ترسناکی که برایت
می کشم نگاه کن. پاهای رقیب را ببینید که از هر دو طرف علیه
یکدیگر هجوم می‌آورند، و در نهایت آنها در انفجاری از خشم ناامیدانه به
هم نزدیک می‌شوند. تصور کنید، اگر بخواهید، کشتی‌هایی که توسط
یک طوفان شدید به سردرگمی کشیده شده‌اند، ۷
در حالی که تاریکی غلیظ از ابرها فرو می ریزد و کل صحنه را سیاه
می کند، به طوری که سیگنال ها قابل تشخیص نیستند و دیگر
نمی توان دوست و دشمن را تشخیص داد. برای افزودن جزئیات
بیشتر به این تصویر، دریا را متورم و در حال چرخش از اعماق تصور
کنید، در حالی که سیلاب‌های باران از ابرها می‌بارند و امواج
وحشتناک بالاتر و بالاتر می‌روند. هر چهار باد به هم می رسند و
یکی از ناوگان را در مقابل دیگری قرار می دهند. در همین حال برخی از
رزمندگان به یکدیگر خیانت می کنند. برخی در میانه نبرد ترک می
کنند. در حالی که دیگران در همان زمان مجبور می شوند، در حالی که
باد آنها را به حرکت در می آورد، قایق های خود را به جلو علیه دشمن
سوق دهند. مردان نسبت به مقامات بالاتر حسادت می‌کنند و با
شهوت قدرت در میان خود، به دسته‌هایی تقسیم می‌شوند و شروع
به سلاخی یکدیگر می‌کنند.

به غوغای گیج و نامفهومی که بر سرتاسر دریا می پیچد، از زوزه
بادها، انشعاب کشتی ها، موج سواری در حال جوشیدن، فریادهای
رزمندگان که با هر سروصدایی احساسات خود را تخلیه می کنند،
فکر کنید، به طوری که حتی یک کلمه از دریاسالار یا خلبان
شنیده نمی شود. بی نظمی و سردرگمی قابل توصیف نیست،
اما بدترین شر به زودی سر خود را بلند می کند: هنگامی که مردان
از زندگی خود ناامید می شوند، ادعای مجوز برای هر نوع شرارت می
کنند. فرض کنید آنها به بیماری صعب العلاج مگالومانیا
مبتلا شده اند. آنگاه از تلاش خود برای شکست دادن یکدیگر
دست برنمی‌دارند، حتی زمانی که کشتی‌هایشان در ورطه غرق
می‌شوند.

77. اکنون از شما می خواهم که از این توصیف خیالی به واقعیت
شیطانی روی آورید. هنگامی که نفاق آریان برای اولین بار به عنوان
یک فرقه مخالف کلیسای خدا محکوم شد، آیا آن زمان به تنهایی به
نظر نمی رسید؟ اما زمانی که

سیاست دشمن علیه ما از یک مشاجره طولانی و تلخ به جنگ علنی تغییر کرد، سپس، همانطور که همه میدانند، جنگ به دستههای بیشماری تقسیم شد، به طوری که همه افراد، چه از طریق سوء ظن فردی یا روحیه حزبی، تسلیم نفرت آشتیناپذیر شدند. کدام طوفان در دریا به اندازه این طوفان کلیساها وحشیانه بوده است؟

هر مرز تعیین شده توسط پدران را جابجا کرده است.

هر پایه، هر سنگر تثبیت شده دکترین متزلزل شده است. هر چیزی که هنوز روی آب باقی مانده است با تعلیم نادرست تکان می خورد و به ورطه پرتاب می شود. ما به یکدیگر حمله می کنیم. ما توسط یکدیگر سرنگون شده ایم. اگر دشمن اول به ما ضربه نزند، توسط رفیق خود مجروح می شویم. اگر زخمی شود و بیفتد توسط سرباز همکارش زیر پا گذاشته می شود. اگرچه ما در نفرت از دشمنان مشترک متحد هستیم، اما به زودی آنها عقب نشینی نمی کنند و ما در یکدیگر دشمن می یابیم. چه کسی حتی می تواند همه تلفات را فهرست کند؟ برخی در نبرد با دشمن افتاده اند. برخی از آنها خیانتکارانه توسط متحدان خود مورد خیانت قرار گرفته اند. دیگران قربانی بی کفایتی رهبران خود هستند.

کلیساهای کامل بر روی صخره های غرق شده بدعت های ظریف شکسته و درهم شکسته اند، در حالی که دیگر دشمنان روح نجات سکان هدایت را به دست گرفته اند و ایمان را کشتی غرق کرده اند. غوغایی که توسط شاهزادگان این جهان طراحی شده است با خشونتی فراتر از طوفان یا گردباد باعث سقوط مردم شده است. تاریکی پر از تیرگی و بدبختی بر کلیساها نازل شده است: چراغ های جهان که توسط خدا برای روشن کردن روح مردم ایجاد شده است، تبعید شده اند، 43 وحشت ویرانی جهانی از قبل بر ما سایه افکنده است، با این حال آنها همچنان به لذت بردن از رقابت های خود ادامه می دهند و هر گونه احساس خطر را نادیده می گیرند.

دشمنی های خصوصی برای این مردان مهم تر از مبارزه یک ملت است. آنها شکوه تسلیم کردن مخالفان خود را به تأمین رفاه عمومی ترجیح می دهند.

---

68 سنت باسیل به بسیاری از اسقف های تبعید شده توسط امپراتور والنس اشاره دارد.

و آنها لذتهای فوری شرافت دنیوی را بیشتر از پاداشی که در عصر آینده در انتظار ماست دوست دارند.
بنابراین، همه مردان به طور یکسان، بسته به میزان قدرت هر یک، با دست های قاتل به سوی یکدیگر هجوم می آورند. آنها با کلمات تند با یکدیگر می جنگند. آنها تقریباً کلیسا را با فریادهای بی معنی و فریادهای نامفهوم غوغای بی وقفه خود پر می کنند. آنها پیوسته آموزه های دین حق را منحرف می کنند، گاهی با افزودن به آنها، و گاهی با کاهش آنها، از یک طرف کسانی هستند که افراد را گیج می کنند و به یهودیت باز می گردند.

از سوی دیگر کسانی هستند که با طبیعت مخالفت می کنند و در شرک یونانی فرو می روند. کتاب مقدس الهام گرفته از میانجیگری بین این دو طرف عاجز است، و سنت رسولی نیز نمی تواند شرایط آشتی را به آنها پیشنهاد دهد. یک کلمه صادقانه و دوستی شما با آنها به پایان رسید.
یک مخالفت با نظرات آنها بهانه کافی برای نزاع است. هیچ قسمی برای برگزاری یک توطئه به اندازه رفاقت مشترک در اشتباه مؤثر نیست. هر انسانی یک متکلم است. فرقی نمی کند که روحش بیش از آنچه قابل شمارش باشد پوشیده شده باشد. نتیجه این است که این مبتکران مردان فراوانی را برای پیوستن به گروه های خود پیدا می کنند. بنابراین مردان جاه طلب و منتخب، حکومت کلیساها را بین خود تقسیم می کنند و اقتدار روح القدس را رد می کنند. احکام انجیل در همه جا به دلیل فقدان انضباط دچار سردرگمی شده است. تکاپو برای مناصب بالا باورنکردنی است، زیرا هر مرد جاه طلبی سعی می کند خود را به سمت مقامات عالی سوق دهد. نتیجه این قدرت طلبی این است که هرج و مرج وحشی در میان مردم حاکم است. توصیه های صاحبان قدرت کاملاً باطل و بی فایده است، زیرا هر انسانی در توهم متکبرانه خود فکر می کند که وظیفه او این است که به دیگران دستور دهد تا از خود اطاعت کند.

78. از آنجایی که هیچ صدای انسانی آنقدر قدرتمند نیست که در چنین هیاهویی شنیده شود، فکر می کنم سکوت بیشتر است.

سودآور از کلمات اگر سخنان واعظ صادق باشد: "سخنان خردمندان در
گونه آرامی شنیده می شود، 9 364 پس با وضعیت کنونی، هر
بحث در مورد آنها به ندرت مناسب است. علاوه بر این، من از سخنان
پیامبر خودداری می کنم: "بنابراین آن که خردمند است در چنین
زمانی سکوت خواهد کرد. زیرا روزگار بدی است.» 305 زمانی که برخی
به همسایه‌های خود سفر می‌کنند، برخی دیگر مردی را که قبلاً
زمین خورده است لگد می‌زنند، دیگران کف می‌زنند، اما هیچ کس آنقدر
دلسوز نیست که به خسته کمک کند، اگرچه قانون قدیمی می‌گوید
اگر حیوانی را ببینید که از شما متنفر است زیر بار آن خوابیده
است، از رها کردن او با او خودداری کنید، اما کمک می‌کنید.

9 366 مطمئناً
اکنون اینطور نیست. چرا نه؟ عشق خیلی ها سرد شده است. توافق
بین برادران دیگر وجود ندارد. نام وحدت نادیده گرفته می شود.
شفقت مسیحی یا اشک همدردی در هیچ کجا یافت نمی شود. هیچ کس
نیست که از شخص ضعیف در ایمان استقبال کند، 1 اما نفرت
متقابل در میان برادران چنان شدید شعله ور می شود که سقوط
همسایه ها بیشتر از موفقیت خانواده خود برای آنها شادی می آورد.

و درست همانطور که یک بیماری مسری از بیمار به سالم در طول یک
بیماری همه گیر سرایت می کند، در این روزها ما نیز مانند دیگران شده
ایم: مقلدان شیطان که توسط این رقابت شیطانی که روح ما را تسخیر
کرده است. کسانی که خطاکاران را قضاوت می‌کنند، بی‌رحم و تلخ
هستند، در حالی که قضاوت کنندگان راست‌کاران، بی‌انصاف و دشمن
هستند. این شر آنقدر در ما ریشه دوانده است که وحشی‌تر از جانوران
شده‌ایم: دست‌کم آنها با اقوام خود گله می‌کنند، اما ما وحشیانه‌ترین
جنگ خود را برای اعضای خانواده خودمان ذخیره می‌کنیم.

79. اینها دلایلی است که من باید سکوت می کردم، اما عشق مرا
به سمت مخالف کشاند، عشقی که خودخواهی نیست*0 بلکه می
خواهد بر هر مانعی غلبه کند.

---

a64 Rccl. 9:17. | s06 23:5 سابق. | s08 13:5 رجوع کنید به من کور.
365 عاموس 5:13. | s67 14:1 رام.

با زمان و شرایط سر راه او قرار داده است. من از نمونه کودکان بابل آموختم که وقتی کسی نیست که از دین واقعی حمایت کند، ما باید به تنهایی وظایف خود را انجام دهیم. آنها از میان شعله های آتش برای خدا سرود می خواندند، در حالی که به انبوهی که حقیقت را رد می کردند فکر نمی کردند، بلکه از داشتن یکدیگر راضی بودند، اگرچه فقط سه نفر بودند. بنابراین ابر دشمنان ما ما را ناامید نمی کند، بلکه ما به کمک روح اعتماد می کنیم و با شهامت حقیقت را اعلام می کنیم. در غیر این صورت، بسیار ناگوار خواهد بود که به روح کفر گفته شود و دین واقعی به آسانی توسط این
مردان ویران شود، در حالی که ما، با داشتن چنین حامی و محافظ ۷
قدرتمندی، در دفاع از آموزه‌ای که از روزگار پدران تا کنون به ترتیبی ناگسستنی حفظ شده، تردید داریم. شور عشق صمیمانه شما و رفتار آرام و جدی شما نیز باعث دلگرمی قوی من شد. من می دانم که شما از افشای سخنان من برای همه جهان خودداری خواهید کرد. نه اینکه ارزش شنیدن را ندارند، بلکه از ریختن مروارید در برابر خوک اجتناب کنند.

حالا کار من تمام شده است. اگر متوجه شدید که آنچه من گفتم رضایت بخش است، اجازه دهید بحث ما در مورد این موارد پایان یابد. اگر چیزی نامشخص است، در جستجوی پاسخ مجدانه دریغ نکنید. شما با پرسیدن سوالات و در عین حال اجتناب از نزاع به دانش خود اضافه خواهید کرد. خداوند چه از طریق من و چه از طریق دیگران پاسخ کاملی برای سؤالات باقی‌مانده خواهد داد، زیرا او به کسانی که برگزیده است، توسط روح القدس دانش می دهد.

سری‌ال محبوب patristics

سرودهای بهشت -
سنت افریم سوریه
ISBN 0-88141-076- 12.95 دلار

درباره زندگی زاهدانه-
سنت اسحاق نینوا
شابک 0-88141-077-2 9.95 دلار

درباره خدا و انسان - شعر الهیات
مقدس گریگوری نازیانزوس شابک 0-
88141-220-1 10.95 دلار

در مورد ازدواج و زندگی خانوادگی -
سنت جان کریزستوم
شابک 0-913836-86-9 9.95 دلار

در عید پاک – ملیتوی ساردیس ISBN
0-88141-217-1 9.95 دلار

در مورد موعظه رسولی - سنت
ایرنائوس
شابک 0-88141-174-4 9.95 دلار

درباره مقدسات مسیحی - سنت
سیریل اورشلیم ISBN
0-913836-39-7 9.95 دلار

در مورد تصاویر الهی- سنت
جان دمشقی ISBN 0-
913836-62-1 9.95 دلار

در مراسم عبادت الهی -
سنت آلمانوس
شابک 0-88141-038-1 9.95 دلار

در Dormition-Daley ISBN
0-88141-177-9 12.95 دلار

روی نمادهای مقدس -
سنت تئودور استودیت
شابک 0-913836-76-1 9.95 دلار

بر روح القدس -
سنت باسیل بزرگ
ISBN 0-913836-74-5 9.95 دلار

در مورد تجسم - سنت
آتاناسیوس
شابک 0-913836-40-0 9.95 دلار

درباره مادر خدا- یعقوب
سروگ شابک
0-88141-184-1 9.95 دلار

درباره زندگی عرفانی، ج. 1 -
سنت سیمئون الهیدان جدید ISBN
0-88141-142-6 11.95 دلار

درباره زندگی عرفانی، ج. 2 -
سنت سیمئون الهیدان جدید ISBN 0-
88141-143-4 11.95 دلار

درباره زندگی عرفانی، ج. 3 -
سنت سیمئون الاهیات جدید ISBN
0-88141-144-2 11.95 دلار

در مورد کشیشان -
سنت جان کریزوستوم
ISBN 0-913836-38-9 9.95 دلار

درباره روح و رستاخیز- سنت
گریگوری نیسا ISBN
0-88141-120-5 9.95 دلار

درباره وحدت مسیح - سنت
سیریل اسکندریه ISBN
0-88141-133-7 10.95 دلار

درباره ثروت و فقر - سنت
جان کریزوستوم ISBN
0-88141-039-X 10.95 دلار

مطبوعات حوزه علمیه سنت ولادیمیر

575 Scarsdale Road, Crestwood, New York 10707-1699 1-
800-204-2665 svspress@svots.edu